محراب

مجالس عزای اباعبدالله (علیه السلام) باعث زنده شدن قلب انسان می‌شود

داشتن الگو و نجره‌ی حکمرانی اسلامی زمینه‌ساز تحقق دولت اسلامی است!

از ارتباط تا ارتباط مؤثر

ویژه محرم و صفر ۱۴۴۲



تهران / خیابان سعدی شمالی / کوچه صفامنش /
مجتمع فرهنگی آموزشی محراب / طبقه اول

بسم الله الرحمن الرحیم

نشریه محراب/سال دوم/شماره:سوم
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
معاونت جذب و آموزش مرکز رسیدگی به امور مساجد
سردبیر: محمدصادق منتظری
دبیر تحریریه: مهدی منتظری
دبیران سرویس:
پیشخوان: رضا سادات
موضوع شناسی منابر حسینی: حسین رحیمی
امام مسجد: ابوالفضل میرشکاری
همسرانه: مهدی رزاقی طالقانی
همکاران تحریریه: دکتر فرشاد رومی، دکتر جواد سلیمانی امیری، دکتر نازنین حقیقت بیان، مرضیه مرغیاثی
ویراستار: الهام اشرفی
طراحی و گرافیک: استدیو فارس
نشانی: تهران / خیابان سعدی شمالی / کوچه صفامنش / مجتمع فرهنگی آموزشی محراب / طبقه اول
کد پستی: ۵۶۵۱۱۱۱۴۵۷
تلفن: ۰۲۱۶۶۳۴۶۹۴۱
نمابر: ۰۲۱۶۶۳۴۷۹۳۴
تارنما: amozesh.masjed.ir

یادداشت سردبیر

قرآن و درس حاکمان از نهضت عاشورا

قرآن وظیفه‌ی هدایت انسان را دارد و مظاهر حق و باطل را نمایان می‌سازد؛ پس جریان عاشورا در واقع تفسیر عملی قرآن است، چرا که عاشورا در واقع نقطه‌ی تلاقی حق و باطل است.

در ادامه به چند تبیین از جلوه‌های قرآن کریم در جریان عاشورا اشاره می‌شود:

تحقق حکومت دینی

«و لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط.»

به طور کلی هدف از بعثت پیامبران این است که، بر اساس روابط اجتماعی عادلانه مسیر زندگی و تعالی انسان نظم و ترتیب پیدا کند، و این امر با تشکیل حکومت و اجرای احکام امکان‌پذیر است.

عاشورا با تمام بنیادهایش زمینه ساز تحقق حکومت اسلامی و معرفی اهداف اسلام ناب است.

امام حسین علیه‌السلام در برابر طغیان گران به مقابله برمی‌خیزد و با جهاد و جانبازی بنیان ظلم را متزلزل می‌کند و بر اساس کتاب و سنت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و پدر بزرگوارش گام برمی‌دارد، لذا امام حسین علیه‌السلام در وصیت نامه‌ی خود پس از ذکر امر به معروف نهی از منکر می‌فرماید: «اسیر بسیرة جدی و أبی؛ سیره و روش من، همان سیره و روش جد و پدرم است.»

سیدالشهدا علیه‌السلام در سخنرانی‌های خویش شرایط امامت و رهبری را ذکر می‌کند و نیز به اصول قسط و عدل استناد می‌کند.

تکلیف گرایی دینی

آموزه‌ی تکلیف، راهبردی اساسی در مسیر دین‌داری و حکومت-داری‌ست. تکلیف، انسان را از افتادن در مسیر شبهات و مصلحت



سنجی‌های نابجا حفظ می‌کند و سَمْت و سوی الهی به رفتار او می‌دهد.

یکی از سنت‌های مشترک همه‌ی انبیا این است که باید اصول و مبانی دعوت خود را به مردم برسانند و در این مورد در برابر خداوند مسئولند. عمل و رفتار سیاسی و اجتماعی امام حسین علیه‌السلام برآمده از تکلیف‌گرایی واقع‌بینانه‌ی الهی‌ست، که خداوند را ناظر و شاهد بر تمام اعمال و رفتار آدمی میداند و نیز فرامین او را تنها راه نجات بشریت می‌داند. بر اساس این نگرش هر مشکلی آسان و هر غربت و تنهایی‌ای به هماهنگی با جریان هستی مرتبط می‌شود. زندگی حضرت سرشار از عمل به تکلیف است که می‌تواند الگوی مناسبی برای سیاست‌مداران جامعه‌ی اسلامی باشد.

در قیام عاشورا، ملاکْ مسئولیت و انجام وظیفه بود، چرا که با روی کار آمدن یزید، امام حسین علیه‌السلام قیام علیه ظلم و ستم را وظیفه‌ای می‌داند که بر عهده‌ی همه‌ی مسلمانان گذارده شده است، و خود را موظف به عمل به این تکلیف می‌داند.

امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا هرگاه، هرکدام از یارانش اذن به میدان رفتن می‌طلبیدند، این آیه‌ی قرآنی را که ناظر به عنصر تکلیف‌گرایی دینی‌ست تلاوت می‌کردند: «و من المؤمنین رجالٌ صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمن هم من قضی نحبه و من هم من ینتظر و ما بدّلوا تبدیلاً.»

■ آزاده خواهی و عزتمندی

اسارت و بردگی انسان برای انسان‌های دیگر، مایه‌ی ذلّت و پستی و کمال ناپذیری او می‌شود و چنین ذلّتی مورد نهی خداوند متعال و رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در این باره می‌فرماید: «کسی که ذلّت خود را با میل و رغبت بپذیرد، از خاندان



ما نیست.»

در فرهنگ دینی، عزت متعلق به خدا، رسول و مؤمنان است: «و لله العزه و لرسوله و للمؤمنین.» و هیچ کافری بر هیچ مؤمنی ولایت و تقدم ندارد: «ولن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا.»

خداوند بلندمرتبگی و آزادگی و حریت را برای انسان می‌خواهد و هیچ عبودیت و ذلّتی را نزد مستکبران و زیاده خواهان نمی‌پذیرد.

سیدالشهدا علیه‌السلام در کلامی مشهور می‌فرماید: «آگاه باشید که ابن زیاد مرا میان انتخاب دو چیز قرار داده است؛ میان مرگ و بیعت ذلیلانه؛ ولی ذلّت و خواری از ما، خاندان رسول خدا، دور است؛ و نه خداوند این ذلّت را بر ما می‌پذیرد و نه رسولش و نه مؤمنان و نه دامن‌هایی که طیّب و طاهرند.»

لذا عاشورا صحنه‌ی ظهور عزّت و غیرت و آزادگی‌ست.

اخلاق سیاسی

از دیدگاه قرآن سیاست و حکومت، مقوله‌ی خنثی و بی‌بنیادی نیست که هر کسی بتواند عهده دار این مهم گردد. بلکه حکومت و سیاست ناظر به کمال و سعادت انسان است، که زمینه‌ها و شرایط بیرونی را برای انسان مهیا می‌کند، تا بتواند به سمت صلاح و تکامل حرکت کند. بنابراین سیاست جدای از اخلاق نیست، بلکه رابطه‌ای نزدیک و غیرقابل انفکاک دارند، لذا اخلاق سیاسی آن دسته از صفات نفسانی‌ست که بازیگران سیاست در عرصه‌ی تدبیر امور جامعه باید دارا باشند، تا جامعه را به‌سمت سعادت رهنمون شوند.

از جمله اصول اخلاق سیاسی از منظر قرآن استقامت بر حق، خیرخواهی، شجاعت، گذشت، کنترل احساسات و حفظ عقل، پایبندی به عهد و پیمان، صداقت و راستی، نفی حیله و نیرنگ، عدم تمسک به راه‌های باطل و نادرست و اعتدال و ... است.

عاشورا مملوّ از ظهور و تجلّی این صفات برجسته در سیدالشهدا علیه‌السلام، اصحاب و خاندان ایشان است.

دولت اسلامی چیست که این روزها درباره‌ی آن صحبت‌های بسیاری مطرح می‌شود؟
چه چالش‌هایی بر سر راه تحقق آن وجود دارد؟
در سرویس پیشخوان این شماره از نشریه‌ی محراب درباره‌ی دولت اسلامی صحبت خواهیم کرد.
چیستی، چرایی، موانع و چالش‌های تحقق آن را خواهیم شناخت، و نیز با آنچه در این زمینه هنوز انجام نشده است و لازم است صورت بپذیرد آشنا خواهیم شد.

پیشخوان



شاخصه‌های تحقق دولت اسلامی



راه کارهای تحقق دولت اسلامی



داشتن الگو و زنجیره حکومت اسلامی...

مقدمه‌ای بر تحقق دولت اسلامی

فرشاد رومی
نویسنده و استاد دانشگاه

رهبر انقلاب اسلامی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی فرآیندی پنج مرحله‌ای را ترسیم کرده اند، که ابتدای آن، پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و انتهای آن نیز تشکیل تمدن نوین اسلامی و زمینه سازی برای ظهور حضرت حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

دومین گام این فرآیند از نظر ایشان تشکیل نظام اسلامی است. رهبر انقلاب در این باره می گویند: «نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلّی اسلامی را در جایی پیاده کردن.» مثل اینکه وقتی در کشور ما نظام سلطنتیِ استبدادیِ موروثی برداشته شد و به جای آن، نظام دینیِ مردمیِ گزینشی جایگزین شد.

سومین گام از فرآیند تشکیل دولت اسلامی، به معنای اسلامی شدن روش و منش دولتمردان و طراحی سازوکارها و نهادهای نظام بر اساس معارف اسلامی است.

گام چهارم نیز همان تشکیل جامعه‌ی الگو و نمونه‌ی اسلامی است، که از سویی حیات طیبه را برای مردم ایران رقم می‌زند و از سوی دیگر الگویی برای سایر ملت‌های مسلمان است و به وسیله‌ی الگوسازی خود راه را برای تشکیل تمدن نوین اسلامی هموار می کند. اما از نظر حضرت آیت الله خامنه‌ای ما هنوز در مرحله‌ی دولت سازی به سر می‌بریم و در حالِ گذار از دولت پیش اسلامی به دولت اسلامی هستیم.

بدیهی‌ست در مسیر تحقق دولت اسلامی، کشور ما با چالشها و موانعی روبه روست که بخشی از آن ناشی از دشمنی نظام سلطه بوده است و بخشی از نارضایتی‌ها و اختلالات، محصول کژکارکردی مدیریت در کشور بوده است.

نوشتار پیشِرو عمدتاً بر مشکلات و عوامل داخلی و گله‌مندی‌ها و نارضایتی‌ها متمرکز شده است. به این ترتیب، نوشتار حاضر با معرفی شاخص‌های تحقق دولت اسلامی بر اساس نظرات مقام معظم رهبری به طرح این سؤال پرداخته است که چالش‌ها و موانع تشکیل دولت اسلامی به عنوان یکی از مراحل تحقق تمدن اسلامی در ایران کدام است؟ و نظام اسلامی چگونه و با چه فرآیندی می‌خواهد این آرمان بلند خود را محقق سازد؟



شاخص‌های تحقق دولت اسلامی

در میانه ی تعیین مصداق بر تحقق دولت اسلامی نگاهی انداخته ایم به هفت شاخصی که رهبر معظم انقلاب برای محقق ساختن تشکیل دولت اسلامی برشمرده اند:



۱

■ شاخص اول: سلامت اعتقادی، اخلاقی و عملکردی

از شاخص‌های برجسته‌ی دولت مطلوب اسلامی، اعتقادات و نگاه صحیح به حقایق جامعه است، که منجر به سلامت عملکرد دولت خواهد شد. رهبر معظم انقلاب در همین زمینه، تأکید کردند: «اصول و ارزش‌های انقلاب در سخنان و مواضع امام، متجلی است و اگر عملاً پایبند و دلبسته‌ی آنها باشیم و در مواقع ابهام نیز به آنها رجوع کنیم،

به فضل الهی، کارها خوش آینده خواهنـــد بود و به پیـــش خواهیم رفت.»

۲

■ شاخص دوم: خدمت به خلق و روحیه ی خدمت

دومین شـــاخصی که رهبر معظم انقلاب بر آن تأکید دارند، خدمت به خلق است. ایشان خدمت به مردم را گفتمان اصلی دولت اســـلامی و فلسفه‌ی وجودی مسئولان می‌دانند و تأکید دارند: «هیچ مسئله‌ای نباید مسئولان را از خدمت به مردم غافل کنـــد، دیدگاه‌ها و ســـلایق متفـــاوت سیاســـی اقتصـــادی و اجتماعی، حاشیه است و خدمت به مردم، متن. اجازه ندهید حاشیه‌ها بر متن اثر بگذارند.»

۳

■ شاخص سوم: عدالت طلبی

ایشـــان در بیان اهمیـــت عدالت طلبی و عواقب بـــی توجهی به آن می‌فرمایند: «ما در پی پیشرفت یا به تعبیر رایج، توسعه هستیم، اما قطعاً این پیشـــرفت باید با عدالت همراه باشـــد، وگرنه جامعه مانند کشـــورهای غربی دچار شکاف و تبعیض و نارضایتی خواهد شد.»

۴

■ شاخص چهارم: سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد

چهارمین شاخص دولت مطلوب از نگاه رهبر معظم انقلاب، سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد است. ایشان «منصب حکومتی را جایگاه وسوسه‌انگیز قدرت و منابع مادی می دانند، که مدیران نظام مانند یک چشم بصیر و یک نورافکن قوی و دائم، باید مراقب باشند دستگاه تحت مدیریتشان از وسوسه ی فساد، دور و در امان بماند.»

حضرت آیت الله خامنه ای فساد را هم چون موریانه می دانند: «کارگزاران نظام باید با قاطعیت و تدبیر جلوی رخنه ی فساد، پارتی بازی، رشوه و اسراف را بگیرید، تا اصولاً نیازی به ورود دستگاه های نظارتی به حیطه ی مدیریتی آنها، پیش نیاید.»

«هیچ مسئله‌ای نباید مسئولان را از خدمت به مردم غافل کند، دیدگاه‌ها و سلایق متفاوت سیاسی اقتصادی و اجتماعی، حاشیه است و خدمت به مردم، متن. اجازه ندهید حاشیه‌ها بر متن اثر بگذارند.»

۵

■ شـــاخص پنجم: حکمت و خردگرایی در امور

رهبر معظم انقلاب بـــا توصیه ی مؤکد به دولت ها برای استفاده از ظرفیت خوب کارشناسان داخلی در همـــه ی زمینه هـــا و عرصه ها معتقدند: «باید قبل از هر اقدام و حتی هر اظهارنظر و موضع گیری-ای، مطالعات کارشناسی لازم انجام شـــود، چرا که هزینـــه ی برطرف کردن تبعات منفی کارهای ناپخته و سخنان ناســـنجیده بسیار زیاد است.»

۶

■ شاخص ششـــم: تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور

رهبر معظـــم انقـــلاب کلید حل مشکلات را در ظرفیت ها و امکانات داخل کشـــور می داند، که باید با خردمندی از آنها بهره گرفت. «این حرف به معنای استفاده نکردن از ظرفیت های بیرونی نیست، بلکه نکته ی اساسی این است که نباید به خارج امید بست.»

موانع تحقق دولت اسلامی

در حال حاضر ایران با چالش ها و موانعی روبه روست، که مانع از شکل گیری دولت اسلامی به عنوان مرحله ی سوم از مراحل پنج گانه‌ی تحقق تمدن نوین اسلامی شده اســـت. بدون تردید، برای تحقق دولت اسلامی ابتدا باید مشکلات را شناخت و سپس به ارائه ی راه حل پرداخت. در ادامه ی این نوشتار به بیان موانع داخلی بر سر راه ایجاد دولت اسلامی پرداخته شده است، که به تفکیک در سه حوزه‌ی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ـ فرهنگی به آنها اشاره خواهد شد. البته بسیاری از این حوزه ها با یکدیگر هم پوشانی دارند، اما برای تسهیل فهم پژوهش، این تقسیم بندی ضروری بود.

■ زمینه های اقتصادی

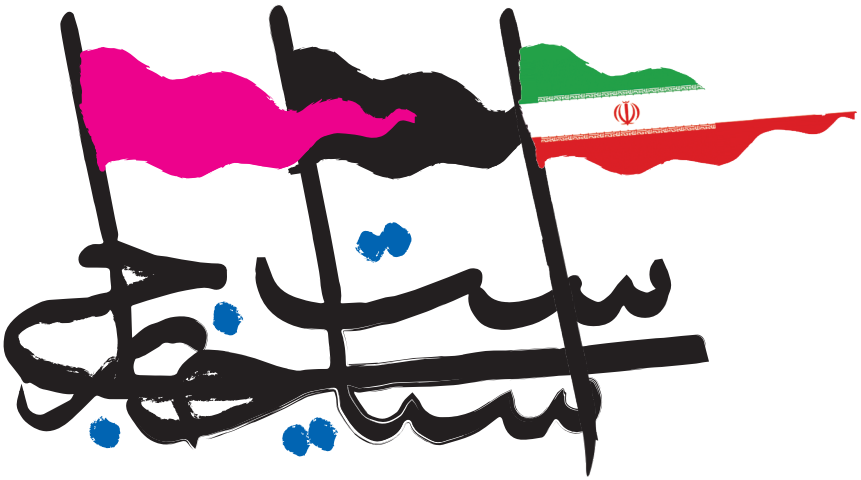
کشـــور مـــا بـــا ابرچالـــش های متعـــددی در حـــوزه ی اقتصادی روبه روست؛ رکـــود اقتصادی و بحران واحدهای تولیـــدی، تورم افسار گســـیخته، بیکاری، شکاف طبقاتی و...

ـ الگوهای توســـعه‌ی ایران، از نظر عدالت و برابری ناموفق بوده است. کشور امروز با جدایی اقشار فقیر از سایر اقشار جامعه روبه روست. این جدایی را در افزایش فاصله‌ی میان نواحی مختلف و عدم دسترســـی برخی از مناطق به حداقل خدمات آموزشی و بهداشتی می‌توان دید.

ـ اقتصاد تـــک محصولـــی ایران همچنـــان متکی به اســـتخراج و صادرات نفت و گاز بوده است و این خود از چالش‌های عمده در تحقق اســـتقلال اقتصادی کشور است، کـــه از الزامات تحقـــق یک دولت اسلامی است. در این نوع اقتصاد با هر بار نوسان و کاهش درآمد نفت، مشکلات شـــدیدی در برنامه‌ها و بودجه‌ی دولت ایجاد می‌شود.

■ زمینه های سیاسی

عامـــل اقتصادی، تنها پوســـته‌ی بیرونی وضعیت نابســـامانی‌ها در نظام اسلامی است. ناکارآمدی‌ها، فقط مربوط به حـــوزه‌ی اقتصاد و عملکرد یک دولت نیســـت، بلکه محصول رویکرد نظام مدیریتی در ابعاد سیاســـی، اجتماعی، امنیتی است. تقریباً هیچ معضل اقتصادی- ای را نمی‌توان یافت که پیوستی در مسائل سیاسی، اجتماعی، قضایی و شـــیوه‌ی کلان مدیریت دولت نداشته باشد.



- در جامعـــه با تقدم مناســـبات سیاسی روبه‌رو هســـتیم. الگوی توزیع قدرت سیاســـی در ساختار سیاســـی ما روند تولید در اقتصاد ایران را تضعیف کرده است. در واقع اهداف سیاســـی بر اهداف ملی و منافع اقتصادی کشور تقدم دارد.
- از جمله حقوق شهروندی، حق برخـــورداری از حکمرانی کارآمد است. حق حکمرانی خوب به علت فســـاد گســـترده و سیستماتیک در بدنـــه‌ی دولتها از مردم ســـلب شده اســـت. وقتی فساد اقتصادی گسترده اســـت، دولت نمی‌تواند به وظایفی که در قبال شهروندان دارد به طور شایســـته عمل کند. ازاینرو، شهروندان متضرر می‌شوند و حقوق آنها به اشکال مختلف به جیب رده‌های گوناگون مفسدان اقتصادی می‌رود.
- سیاست خارجی کشور، قطعاً در «سامان» یا «نابسامانی» اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مملکت مؤثر است. شـــاخص‌ها و آمار بیکاری، فقر، توزیع ثروت، بحـــران بانکی، رشد اقتصادی، حجم نقدینگی و تورم و رکود، همه با جهت گیری‌های دولت در سیاست خارجی، در تعاملند.
- حملات و افشاگری‌های عجیب مســـئولان مملکتی علیه یکدیگر و متهـــم ســـاختن دیگـــری بـــه سوءمدیریت و فساد مالی و خیانت به کشـــور، طبعاً اعتماد مردم را به مســـئولان از میان میبرد و باعث فقدان سرمایه‌ی اجتماعی می‌شود.

هنگامی که آسیب‌های اجتماعی خاصیت سلسله‌ای، پیوسته و شتابزا به خود بگیرند و به گونه‌ای فراگیر شوند که کلیت جامعه را در بر بگیرند و خود به موتور محرکه‌ی تولید آسیب‌های دیگر تبدیل شوند، آنگاه می‌توان گفت جامعه وارد مرحله‌ای از «شکست اخلاقی» شده است

- در مجموع کاهش اعتماد عمومی به‌دلایل گوناگون، از جمله: ضعف کارآمدی سازمانها و نهادها در پاسخ‌گویی به شرایط کنونی جامعه، نارضایتی ناشی از منازعات و مدیریت ناصحیح افکار عمومی، افزایش مطالبات و انتظارات چه در رقابتهای انتخاباتی و چه در رقابت‌های سیاسی بدون توجه به منابع و امکانات کشور و درنتیجه انباشت انتظارات تحقق نیافته و شیوع ویروس بدبینی در جامعه را می‌توان از عوامل اساسی نارضایتی مردمی برشمرد. بنابراین، علاوه بر کاستی‌های اقتصادی، در سال‌های اخیر برخی مشکلات سیاسی روانی، زندگی روزمره‌ی شهروندان را تحت تأیید قرار داده است و بر آستانه‌ی تحمل مردم تأثیر منفی داشته است.

■ زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی

- بروز رفتارهای غیراخلاقی از طرف شهروندان هر جامعه‌ای کمابیش وجود دارد. نمی‌توان جامعه‌ای را یافت که از آسیب‌های اجتماعی همچون سرقت، زورگیری، قتل، تجاوز، طلاق و ... مبرّا باشد. در عین حال شیوع معضلات و آسیب‌های اجتماعی در کشورها و حتی مناطق مختلف، گوناگونند و علل خاص خود را دارد. هنگامی که آسیب‌های اجتماعی خاصیت سلسله‌ای، پیوسته و شتاب‌زا به خود بگیرند و به گونه‌ای فراگیر شوند که کلیت جامعه را در بر بگیرند و خود به موتور محرکه‌ی تولید آسیب‌های دیگر تبدیل شوند، آنگاه می‌توان گفت جامعه وارد مرحله‌ای از «شکست اخلاقی» شده است، که از آن به فروپاشی اخلاقی تعبیر می‌شود. متأسفانه، در سالهای اخیر، ارزش های اخلاقی در جامعه‌ی ما به شدت تضعیف شده است. و این شبهه برای مردم به وجود آمده است (شبهه‌هایی که بی‌علت هم نیست) که اگر دست به رفتار اخلاقی بزنند، سرشان بی‌کلاه می‌ماند و به این دلیل به رفتارهای غیراخلاقی گرایش پیدا کرده‌اند. رواج چنین نگرشی بسیار خطرناک است، زیرا روشن است جامعه‌ی بی اخلاق نمی‌تواند دوام پیدا کند.

راه کار تحقق دولت اسلامی

مقدمه‌ای بر اهمیت کارآمدی

در ایدئولوژی اسلامی، دین اسلام منبع نهایی مشـــروعیت تعریف می‌شود و حاکمیت، حقی الهی‌ست که تفویض آن به بشر در انحصار خداوند است. حقانیت در تفکر اسلامی، مبنای اصلی و کلیدی مشروعیت شناخته می‌شود. از دیگر منابع مشروعیت، مقبولیت حکومت است. گرچه مقبولیت یا عدم مقبولیت، نافی «برحق بودن» یک حکومت نیست، اما مقبولیت، تضمین کننده‌ی مشروعیت نظام است. ازاینرو، حقانیت را می‌توان مشروعیت اولیه و مقبولیت را مشروعیت ثانویه نامید.

در حکومت‌هایی که مبنای مشروعیتشان، معیارهای الهی‌ست، کارآمدی یا ناکارآمدی گرچه تأثیری بر مشروعیت اولـیه نمی‌گذارد، ولی در مشروعیت ثانویه و قوام و دوام حکومت تأثیرگذار است.

در واقع مشروعیت اولیه (حقانیت)، نوعی صلاحیت ذاتی است که اقبال مردمی تأثیری در آن ندارد، اما این صلاحیت ذاتی باید با کفایت و صلاحیت‌های اکتسابی دیگر تکمیل شود تا به غایت خود برسد.

اگر نظام سیاسی از کارایی برخوردار نباشد و نتواند پاسخگوی خواسته‌های مردم باشد، پشتیبانی توده‌ها از نظام کاهش می‌یابد و سلب می‌شـــود. بدون حمایت مردم هم، مشروعیت حکومت با چالش روبه‌رو خواهد شد. ازاینرو، کارآیی و پویایی نظام سیاسی بستگی به پاسخگویی نظام به خواسته‌هایی دارد که از سوی افراد و گروه‌های اجتماعی مطرح می‌شود.

با این توضیحات باید گفت؛ با توجه به آفتهای درونی و موانع موجود در کشور اولین شرط تحقق دولت اسلامی، افزایش کارآمدی و کارایی نظام سیاسی است.

■ پیش شرط‌های تحقق دولت اسلامی

برای تحقق شکل گیری دولت اسلامی لازم است؛ همه‌ی نهادها و سازمانهای حاکمیتی به صورت منسجم نسبت به افزایش کارآمدی خود و پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم اقدام کنند. تقویت احزاب و انتخاب افراد کارآمد و مستقل برای ورود به مراکز تصمیم سازی می تواند اثر گذار باشد. «بحران ناکارآمدی» بسیار خطرناک است، اما ترکیب آن با بحران بی اعتمادی انفجار در پی دارد.

رفع مشکل ضعف پاسخگویی روندهای اداری در بخش‌های مختلف سازمان‌ها و نهادهای مسئول در قبال امور جاری مردم، و نیز رفع مشکل‌زا بودن فرآیندهای غیرضروری و بوروکراسی موجود اداری و قوانین و مقررات انباشت شده.

چنانچه فرآیند انجام امور و اصلاح مدیریت کشور در دستور کار قرار نگیرد، نمی توان انتظار داشت که نارضایتی از ساختار اداری کاهش یابد.

رسیدگی به اعتراضات مردم، اعتراضات مردم در سال‌های اخیر به واضح‌ترین شکل ممکن تخاصمات طبقاتی و اجتماعی را نشان داده است و ثابت کرد پیوند آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی ضرورت امروز جامعهٔ ما است.

توجه به پیوند میان گروه‌های سیاسی؛ فرهنگ سیاسی جدیدی در جامعه‌ی ایران بروز کرده است، که تفاوتی بین دیدگاه‌ها و سیاست‌های جریان اصلاح‌طلب و جریان محافظه‌کار قائل نیست. جوانان و نسل‌های نو منتقد وضعیت موجودند

اگر نظام سیاسی از کارایی برخوردار نباشد و نتواند پاسخگوی خواسته‌های مردم باشد، پشتیبانی توده‌ها از نظام کاهش می‌یابد و سلب می‌شود



و خواســـتار اجرای اصول و مبانی سیستم حکمرانی خوب هستند. آنها خواهان سیســـتمی اند که در آن همه‌ی نهادهای کشـــور مورد بازخواســـت و نظارت قرار بگیرد و مردم سهم بیشـــتری در تصمیم گیری‌ها داشته باشـــند، تا بتوانند صدای خود را به گوش مســـئولان برسانند و مسئولان هم رفتار مثبت و سازندهای در ارتباط با مطالبات مردمی داشته باشند.

رســـیدگی به مشـــکلات محیط زیست؛ وضعیت محیط زیست در کشور ما به شـــدت وخیم و بحران خشکســـالی و کم‌آبـــی فاجعه بار شده اســـت. لازم اســـت با تدوین مقـــررات لازم و انجـــام اقدامات ضروری جلوی آلودگی هوا، نابودی جنگل‌ها و مراتع، خشـــک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها گرفته شود و استفاده‌ی بهینه از انرژی و کاهش پخش مواد آلوده‌کننده و بر پایه‌ی استانداردهای زیســـت محیطی تشویق و برنامه‌ریزی گردد.

شرط تحقق نخست:

■ کارآمدی سیاسی

در ادامه با عنایت به فرمایشـــات و توصیه‌های مقام معظم رهبری و برای مقابله بـــا چالش‌های موجود بر ســـر راه تحقق دولت اســـلامی راهکارهایی ارائه شده است:

افزایش نقدپذیری، تحمل مخالف، برقراری ارتبـــاط قوی‌تر با مردم و تقویت روحیه‌ی مردمی از اهمیت بســـزایی در راه تحقـــق دولـــت اســـلامی برخوردار است. تقویت ارتباط دولت با مردم به تصمیمات واقع‌بینانه و منطبق با مشـــکلات مردم منجر می‌شـــود. از آن‌طرف فاصله گرفتن دولتمردان از مردم، موجب خطا در نوع تحلیل دولت از نیازهای واقعی جامعه خواهد شد.

«حضور وزرا و دولتمردان در جامعه و بین مردم و شنیدن بی‌واسطه‌ی دردها و مشکلات مردم به کاهش

برای تحقق شکل گیری دولت اسلامی لازم است؛ همه‌ی نهادها و سازمان‌های حاکمیتی به صورت منسجم نسبت به افزایش کارآمدی خود و پاسخ‌گویی به نیازها و خواسته‌های مردم اقدام کنند.



فاصله‌ی دولتمردان و مردم کمک می‌کند و از اینکه وزرا صرفاً تحت تأثیر یکسری از اطرافیان و مشاوران خاص، اطلاعات حوزه‌ی کاری خود را دریافت کننـــد جلوگیری می‌کند، وزرا از ایـــن طریق می‌توانند تصمیمات واقعبینانه و دقیق‌تری اتخاذ کنند.»

شرط تحقق دوم:
■ اقتصاد به‌سامان

در خصوص مســـائل اقتصادی و با توجه به زیرســـاخت‌های کشور، ایجاد ثبات و آرامش ذهنی در مردم و بازار، کاهش تورم، تأمین نیازهای اساسی مردم و تحرک بخشیدن به تولید ملی باید در دستور کار فوری قرار گیرد.

وقف ســـازوکارهای سلب مالکیت از توده‌ها که مشـــخصاً اشـــاره به سیاست‌های ذیل است:

- توقف سیاست خصوصی سازی. در تمام دنیا حتی در کشـــورهای پیشـــرفته در مواجهه بـــا بحران، پدیده‌ی ملی‌ســـازی برای امنیت شـــرایط موردتوجه قرار می‌گیرد. جنبش واگـــذاری در اوج بحران، هیچ نسبتی با منافع ملی ندارد. اگر شرایط بحرانی باشـــد به نفع افراد سودجوســـت، چون این واگذاری به‌شـــکل ارزان‌تری برای آنها تمام می‌شود.
- تغییـــر الگـــوی توزیـــع مخارج دولت به نفـــع خدمات اجتماعی و به زیان ســـازوکارهای حکمرانی، تغییر الگوی عوارض گیری به زیان نیروهای نامولد و به نفع نیروهای مولـــد و طبقـــات فرودســـت‌تر اجتماعی.
- توقـــف انـــواع زمین‌خواریهـــا و تصحیح مقررات حاکـــم بر تغییر کاربری اراضی بـــا هدف صیانت از محیط زیـــست، کالایی‌زدایی از خدمات اجتماعـــی دولت با هدف توقف سازوکارهای سلب مالکیت از توده‌ها.
- انحلال بخش غیرمتشـــکل بازار پولی کـــه زیر نظر بانـــک مرکزی نیست و در خلق نقدینگی و ایجاد تورم بسیار مؤثرند. حرکت به سمت ملی‌سازی بانک‌ها و سایر نهادهای پولی، مبارزه با فساد اقتصادی در بدنه‌ی دولت، تغییر الگوی توزیع تسهیلات در شبکه‌ی بانکی به نفع نیروهای مولد و نیز به نفع نیازهای اجتماعی طبقات فرودستتر، تغییر الگـــوی مالیات‌ســـتانی از رهگذر حـــذف مالیات برمصرف و بســـط مالیات بر ثروت و مالیاتبردرآمد و لغو معافیت‌های مالیاتی بخشهای شبه دولتی.



▫دائمی سازی قراردادهای کاری در زمینه‌ی مشـــاغلی که ماهیت دائمی دارند، انحلال شـــرکتهای پیمانکاری تأمین نیروی انسانی که به زیان کارفرمایان مستقیم عمل می‌کنند و هم به زیان نیروهای کار، شـــمولیت مجدد قانون کار برای تمام نیروهای کار که تابعیت ملی یا حق اجازه‌ی کار در واحد ملی دارند.

▫با توجه به نشـــانه‌های مختلف از کاهش اعتماد به نظام سیاســـی کشور، رســـیدگی ســـریع قوه‌ی قضاییه به پرونده‌های مختلف رانت-خواری و فساد در کشور، قطعاً در میان مدت و درازمـــدت پایه‌های اعتماد مردم به این نهاد و متعاقباً به کل نظام را استوارتر خواهد ساخت.

شرط تحقق سوم:

■ رسانه‌ی به روز و کارآمد

▫فضای مجازی و به ویژه ابزارهایی مانند تلگرام و اینستاگرام نقش قابل توجهی در تحولات سیاسی کشور دارند. بخشی از اقبال مردم به این رسانهها و قابلیت تأثیرگذاری فضای مجازی به دلیل ضعـــف ابزارهای داخلی ســـت. اغلب رســـانه‌های موجود در کشـــور به دلیل دولتی بودن، سیاســـت‌زدگی محض و یا به دلیـــل عطش مخاطبـــان آنها به بدگویی از جناح‌هـــای رقیب و محدودیت‌های مختلف رسانه‌ها، نقش محدودی در تحولات کشور دارند. اگر رسانه‌های دولتی به ویژه صداوسیما رویه‌ی خود را با تحولات جدید در عصـــر ارتباطات اصلاح نکند، تأثیرگذاری ویرانگر شـــبکه های اجتماعی در آینده‌ی بیشتر خواهد شد. دوری از سیاستزدگی و استقلال رسانهٔ ملی از جناحهای سیاســـی و حتی دولت مستقر و داشتن رقیب در عرصه‌ی داخلی در این زمینه مفید خواهد بود.

▫مبارزه‌ی واقعی علیه رانت‌خواری و فســـاد نیازمند شـــفاف سازی فعالیت‌های اقتصادی، رسانه‌های آزاد و فراهم آوردن امکان نظارت رســـانه‌ها و اتحادیه‌هـــا، مجامع صنفی و ســـازمان‌های غیردولتی بر فعالیت‌های اقتصادی حکومت و مســـئولان آن اســـت. ازاینـــرو، اصلاح و پاکسازی محیط داخلی، شـــرط ضروری بقای نظام و جلب اعتماد ملّی و کاهش شکافها است. نباید از بیان واقعیت ترســـید و به خودسانســـوری در گزارش‌هـــای رسمی روی آورد.

داشتن الگو و زنجیره ی حکمرانی اسلامی زمینه ساز تحقق دولت اسلامی است!

در گفت و گو با: حجت الاسلام والمسلمین دکتر نجف لک زایی

اشاره:

دولت اسلامی، یک رؤیای محقق شده نیست و برای رسیدن به آن باید اقدامات بسیاری صورت بپذیرد. جامعه‌ی اسلامی امروز ما در این زمینه ضعف‌هایی که دارد که البته قابل اصلاح و برنامه‌ریزی است.

با حجت الاسلام والمسلمین نجف لکزایی، پژوهشگر علوم دینی و سیاسی، معاون پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم و رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پیرامون دولت اسلامی و چالش‌های مسیر تحقق دولت اسلامی گفت‌وگویی انجام داده‌ایم، که خوانش این موضوعات را برای مخاطب نشریه‌ی محراب بنیادی‌تر و شفاف‌تر خواهد کرد.

جناب لکزایی برای خوانندگان نشریه‌ی محراب بفرمایید که پیشینه‌ی تئوریک مسیر انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی مبتنی بر کدام بخش از اندیشه‌ی دینی است؟

همانطور که مستحضرید بحث دولت گره می‌خورد به نیازهای



اساسی انسان. ضروری‌ترین نیاز انسان نیاز به امنیت است. امنیت هم در پایه‌ای‌ترین معنا به معنای نیاز به بقاست، یعنی ما آنچه را که داریم، می‌خواهیم حفظ کنیم، تداوم داشته باشد و کسی این را از ما سلب نکند. ما جانمان را دوست داریم و نمی‌خواهیم کسی جان ما را بگیرد. خب اینجا بحث امنیت جانی مطرح می‌شود. اموالی را که در اختیار داریم می‌خواهیم این‌ها را داشته باشیم و از آن بهره‌مند بشویم و کسی این‌ها را از ما تصاحب نکند. اینجا بحث امنیت اقتصادی مطرح می‌شود. آبرویی که داریم نمی‌خواهیم از بین برود. اینجا بحث امنیت اجتماعی...

و به همین سیاق امنیت روان‌شناختی، امنیت اخلاقی و امنیت فرهنگی و دیگر انواع امنیت‌ها مطرح می‌شود.

بشر به صورت فطری متوجه شد که: خب، این نیازها اگر بخواهد برطرف بشوند و این‌ها از سوی دیگران وجودشان تهدید نشوند، احتیاج به یک ابزاری دارد که از آن به عنوان قدرت و توانایی یاد می‌شود. یعنی برای اینکه امنیت من تأمین بشود باید قدرتمند باشم، باید توانمند باشم. منتها فرض این است که اگر همه به دنبال این باشند که قدرت خودشان را زیاد بکنند، یک هرج و مرجی پیش می‌آید. یعنی هر کسی که قدرت بیشتری دارد طبیعتاً بر آن کسانی که قدرتشان ضعیف‌تر است، زور خواهد گفت.

خدای متعال در آیه‌ی ۲۱۳، سوره‌ی بقره این وضعیت را برای ما تصویر کرده و می‌فرماید:

ـ اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

«كانَ النَّاسُ أُمَّةً واحِدَةً فَبَعَثَ اللهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ...»

می‌گوید: اول آدم‌ها با هم بودند، تعدادشان کم بود، بعداً که تعداد زیاد شد بین این‌ها اختلاف پیش آمد، ما انبیا را با قانونی در دست، با کتابی در دست که اینجا کتاب کنایه از قانون است، فرستادیم «لیحکم بین الناس فی ما اختلفوا فیه»، تا اینکه بین مردم بر اساس آن قانون الهی داوری بکنند و نزاع‌ها و ناامنی‌ها فصل بکنند، به سرانجام برسانند، بر اساس عدالت.

بر همین اساس است که در واقع تکوین دولت به‌لحاظ رویکرد قرآنی

بزرگ‌ترین چالش ما، آنگونه که من از فرمایشات مقام معظم رهبری استفاده کردم مربوط می‌شود به چالش جامعه‌سازی و دولت‌سازی که این باید ان‌شاءالله مورد توجه قرار بگیرد.

می‌توانیم بگوییم بـــه انبیای الهی برمی‌گردد. با توجه به اینکه شروع ســـکونت آدمیان در زمین با یک پیامبر همراه است که در قرآن کریم با عنوان حضرت آدم از او یاد شده است، وقتی که نسل انسان از آدم گسترش پیدا می‌کند، اختلافاتی پیش می‌آید که در قرآن کریم اولین اختلاف را هم می‌گویـــد که بین هابیل و قابیل اتفاق افتاد، به هر حال سرانجام می‌رسد به تأسیس دولت. البته در قرآن کریـــم در ماجرای حضرت نوح ایـــن بحث اختلاف و نزاع‌های اعتقادی، فرهنگی و دینی پررنگ‌تر شده اســـت. در دوره‌ی حضرت ابراهیم خیلی برجسته‌تر شد. به دوره‌ی حضرت موسی که می‌رسیم دیگر خیلی خیلی پررنگ اســـت. یعنی ما در قـــرآن کریم از هر دو دولـــت خوب و بـــد داریم، دولت‌هایـــی مثل دولـــت فرعون، دولت نمرود، امپراطوری رُم...، به عنوان دولت‌های نامطلوب از آن‌ها یاد شده است. اما از دولت حضرت یوســـف، حضـــرت داود، حضرت سلیمان و دولت جناب طالوت که تحت امر یک پیامبر الهی تشکیل شده بود و نیز دولت ذوالقرنین به عنوان دولت‌های مطلوب و خوب یاد شـــده اســـت. بنابراین دولت، محصول نیـــاز طبیعـــی و فطری انسان‌هاســـت که با کمک انبیای الهی شکل گرفته است.

◆ امروز به نظـــر جنابعالی بزرگ‌تریـــن چالش‌های این مســـیر کدامند و مـــا در چه وضعیتی در این مسیر تحقق قرار داریم؟

مقام معظم رهبـــری فرمودند که برای تحقق اهداف اسلامی ما باید پنج مرحله را طی بکنیم:

مرحله‌ی اول، انقلاب اسلامی بود که خب در کشـــور ما این در سال ۱۳۵۷ انجام شد.

مرحلـــه‌ی دوم، تأســـیس نظـــام اسلامی مبتنی بر رهبری الهی بود که خب الحمدلله اینهم انجام شد.

مرحلـــه‌ی ســـوم، ایجـــاد دولت اسلامی‌ســـت بـــه عنـــوان بازوی اجرایی نظام اسلامی. یعنی اینجا آن بحث سامانه‌ی اداره‌ی جامعه اســـت. که درباره‌اش حالا توضیح خواهم داد.

مرحله‌ی چهارم، تشکیل جامعه‌ی اسلامی است.

مرحله‌ی پنجم، نیل به تمدن نوین اسلامی و امت اسلامی است.

خب، چالش‌هایی که اینجا وجود در مرحله‌ی سوم، چهارم و پنجم اســـت که ما می‌توانیـــم از تعبیر حمکرانی اسلامی برایش استفاده کنیم، که مربوط می‌شود به حوزه‌ی

ممکن است یک متفکر ما بیاید بگوید که الگوی مثلاً اقتصاد اسلامی‌ست، الگوی بدون رباست، اما این می‌شود یک حلقه از حلقه‌های زنجیره‌ی حمکرانی اقتصادی. حلقات دیگر آن هم باید طراحی بشود.

الگوی اســلامی ایرانی پیشرفت. یعنی ما بر اساس چه الگویی یا چه الگوهایی قصد داریم قوای سه‌گانه را شکل دهیم، جامعه‌سازی کنیم و دولت‌سازی کنیم تا برسیم انشاءالله به تمدن‌سازی.

اینجا بحث وجــود دارد، چالش‌ها اینجاست. به‌تعبیر دیگر، چالش، چالش کارآمد و کارایی‌ست. یعنی آیا این مثلاً سیســتم قضایی الان کارایی دارد یا ندارد؟ آیا سیســتم اجرایی ما کارایی دارد یا ندارد؟ آیا سیستم پارلمانی و قانون‌گذاری ما کارایی دارد یا ندارد؟

بزرگ‌ترین چالش ما، آنگونه که من از فرمایشــات مقام معظم رهبری اســتفاده کردم مربوط می‌شود به چالش جامعه‌سازی و دولت‌سازی که این باید انشاءالله موردتوجه قرار بگیرد. و البته یکی از راهکارهایش هم همین الگوی اســلامی ایرانی پیشــرفت اســت که امیدواریم ان‌شاءالله هرچه زودتر نهایی بشود و برای اجرا ابلاغ بشود.

جناب لکزایــی، به طور کلی مراد از الگوی حکمرانی اسلامی چیست؟

الگــوی حمکرانــی اســلامی، الگویی‌ست که به ما بگوید چگونه راهبری قدرت بکنیــم و چگونه از قــدرت قانونی بــرای جریان پیدا کردن دیــن در ســطح نهادهای اساسی جامعه یعنی نهاد خانواده، نهاد اقتصاد، نهــاد تعلیم و تربیت، نهاد بهداشــت و نهــاد حکومت اســتفاده بکنیم. به عنــوان مثال عرض می‌کنم خانواده‌ی اسلامی چه جــور خانواده‌ای‌ســت؟ آیا ما الگوی خانواده‌ی اســلامی را ارائه کردیم؟ جایگاه خانواده‌ی اسلامی در جامعــه‌ی اســلامی و دولــت اسلامی چیست؟ خانواده به‌عنوان هسته‌ی مرکزی جامعه‌ی اسلامی اســت، الان جایــگاه آن در دولت اسلامی کجاست؟

یا شــما اقتصاد را ببینید؛ مراجع ما، علمــای ما و بــزرگان ما، همه یا اکثریــت از ربوی بــودن نظام اقتصادی ناله می‌کنند، گلایه‌مند هســتند و شــکایت دارند. خب ســؤال: الگوی اقتصاد اسلامی ما چیســت؟ و حمکرانی اســلامی چگونه می‌تواند این الگــو را اجرا بکند؟ یعنــی در الگوی حمکرانی اســلامی ما باید این را بتوانیم به شکل واقعی نشان بدهیم و بگوییم که ما بــه این شــکل می‌توانیم از قدرت قانونی استفاده بکنیم. برای اینکه این الگوی اقتصادی اسلامی را اجرایی بکنیم. ما الان نسبت به این چرخه و زنجیــره توی خیلی از جاها ابهــام داریم. یعنی ممکن است یک متفکر ما بیاید بگوید که الگوی مثلاً اقتصاد اسلامی، الگوی بدون رباســت، اما این می‌شــود



یک حلقــه از حلقه‌های زنجیره‌ی حمکرانی اقتصادی. حلقات دیگر آن هم باید طراحی بشــود. یعنی اگر ما بحث را سیســتمی در نظر بگیریم، این باید بیایــد مثلاً ده تا زنجیره را برای ما به هم وصل بکند، تا زنجیــره‌ی حمکرانی اقتصادی در دولت اســلامی برای ما تعیین تکلیف بشود.

توی این قسمت‌ها الان ما چالش داریــم و در این قسمت‌هاســت که الان ما می توانیــم بگوییم که مشــکلات عمده‌ای داریــم. برای همین اســت که باید روی الگوی حمکرانی اسلامی بیشتر کار کنیم، چون در الگوی حمکرانی اسلامی عناصــر این زنجیره‌ها مشــخص خواهد شد، مبدأ و مقصد برای ما مشخص خواهد شد، محرک‌های معرفتی و انگیزشی برای ما مشخص خواهند شــد، یعنی بگوید که این تصمیمی که ما داریم می گیریم از چه دانشی برخاسته است؟ از چه محرک معرفتی‌ای برخاسته است؟ از چه محرک انگیزشی‌ای برخاسته اســت؟ باید نهادهــای مختلف را درگیر کند. اعم از نهادهای دولتی، نهادهــای مردم‌نهــاد، نهادهای فرهنگی، مذهبی، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، نماز جمعه‌ها و ...

یعنی ما اگر این الگوها را ارائه بکنیم می توانیــم بگوییم بین مدرســه، مسجد، دانشگاه، خانه و دولت یک پیوند و ارتباطی برقرار کردیم، در حالی که الان این طوری نیست.

◆ در چالشی که بیان کردید نقش امام جماعت و مسجد را در این میان چگونه می‌بینید؟

ببینید، پیش‌نماز ما در یک مسجد احســاس می کند که تنهاست. ما چه الگویــی طراحــی کردیم که بین مســجد با خانه ارتباط برقرار کند؟ بین مسجد با مدرسه ارتباط برقرار بکند؟ بین مسجد با دانشگاه و حــوزه‌ی علمیه ارتبــاط برقرار کند؟ بین مسجد با فرمانداری‌ها و استانداری‌ها و بخشــداری‌ها و نهادهای اقتصــادی و فرهنگی و این‌ها ارتباط برقــرار کند؟ حتی بین مسجد با مثلاً ارشاد اسلامی، اداره‌ی ارشــاد در هر شهرســتان ارتباط برقرار کند؟ ارتباط قانونی منظور من است. یعنی یک الگویی طراحی شده باشد، این را ما بدهیم دست پیش‌نماز مســجدمان و یا دست امام مسجد بگوییم این الگوی عمل شماســت، این الگوی اقدام شماست. بدهیم دست هیئت‌امنای مســجد، بگوییم این الگوی اقدام شماست.

اساســاً خود جایگاه مســجد در حکمرانی اســلامی چیســت؟ ما می‌دانیم به شــکل ارتــکازی که مسجد در صدر اســلام مهم‌ترین پایگاه و نهاد بوده اســت، از صبح تا شــب هم فعال بوده است. مرکز اعزام لشــگر بــوده، مرکز همه‌ی مســائل جامعه توی مسجد رتق



وفتق می‌شده است. خب الان وضع مساجد ما چگونه است؟ ببینید این‌ها همه چالش‌های ماست که ناشی از ضعف در الگوی حکمرانی اسلامی‌ست. اگر ما الگوی حکمرانی اسلامی را ارائه بکنیم این ضعف‌ها، این ابهامات، این‌ها باید برطرف بشوند. ما الان از این امکاناتی که داریم به خاطر این ضعف در الگوی حکمرانی اسلامی استفاده نمی‌کنیم، از مسجد درست استفاده نمی‌کنیم. الان مساجد ما باید بشوند محور فرهنگی یک محله، و در سطح شهر، مسجد جامع باید بشود محور فرهنگی یک شهر. خب الان به ارتکاز خودمان مراجعه می‌کنیم و می‌بینیم اینگونه نیست دیگر.

فقط می‌خواهم برای روشن شدن اذهان مثال بزنم: می‌گفتیم که قلب هر شهر مسجد است، این مسجد باید قلب هر پارک و بوستان ما باشد. یعنی وقتی مردم مسجد می‌روند، بوستان هم رفته باشند، گردش هم رفته باشند. می‌آمدیم می‌گفتیم که مهد کودکمان را هم باید در کنار مسجد ایجاد بکنیم. مثلاً نمونه‌ی این را الان در لبنان داریم، شما وقتی به لبنان می‌روید، مساجدی که حزب‌الله ایجاد کرده، فقط مسجد نیست، بلکه به تعبیر ما، برای اینکه به تصور دوستان نزدیک بشود، مجتمع‌های فرهنگی مذهبی است. یعنی یک ساختمان هفت طبقه است که وقتی شما آنجا می‌روی می‌بینی که مسجد هست، ورزشگاه هست و همین‌طور تفریح‌گاه، حتی خیاط‌خانه هست، مرکز آموزش‌های مهارتی به افراد بیکار هست و.... خیلی چیزهای دیگر، کتابفروشی هم هست و الی آخر.

فکر می‌کنید نبود الگوی حکمرانی اسلامی و زنجیره‌ی قوا، موجب ایجاد چه چالشی در آینده‌ی نظام اسلامی خواهد شد؟

ما اگر این چالشها را حل نکنیم، در واقع کارآمدی ما زیر سؤال خواهد رفت. چنان که الان هم زیر سؤال رفته است، هم‌افزایی ما زیر سؤال می‌رود. ببینید الان نیروها به شکل پراکنده خیلی کار می‌کنند، ولی هم‌افزایی‌ها ضعیف است.

فارابی یک تمثیل خیلی جالبی دارد می‌گوید که، مملکت‌داری مثل معماری‌ست، معمار چه می‌کند؟ معمار خودش نه گچ‌کار است، نه آهنگر است، نه دروپنجره‌ساز است، نه برق‌کار است و نه لوله‌کش، هیچ‌کدام از این‌ها نیست. اما کسی‌ست که فعالیت همه‌ی این‌ها را هم هماهنگ می‌کند، هم به موقع برق‌کار را وارد ساختمان می‌کند، هم به موقع دروپنجره‌ساز را وارد می‌کند و هم به موقع لوله‌کش وارد می‌کند، در آخر شما می‌بینی عجب ساختمان قشنگی شد. یعنی یک

معمار خوب، معماری‌ست که برای کار خودش الگو دارد، هر تخصصی را به موقع وارد می‌کند. محصول کارش می‌شود یک محصول بسیار زیبا، یک ساختمان بسیار زیبا. اگر این الگوها نباشد، هم‌افزایی ای اتفاق نمی‌افتد. اگر هم‌افزایی اتفاق نیفتد ما پیشرفت نمی‌کنیم و این چالش بزرگ پیش روی ماست. الان هم این بحران آب و برقی که داریم، این بحران‌هایی که داریم مال چیست؟ مال این است که ما به الگوی حضرت یوسف توجه نکردیم.

در قرآن آمده است که حضرت یوسف با یک خواب پیش‌بینی کرد، بررسی کرد گفت: آقا شما هفت سال آب دارید، بعد هفت سال دچار خشک‌سالی می‌شوید، باید از الان برنامه‌ریزی کنید برای آن هفت سال خشک‌سالی.

ما الان اصلاً نمی‌دانیم که الگوی مملکت‌داری‌مان چطوری است، یعنی یک دفعه می‌بینید خب امسال باران نیامد، دچار خشک‌سالی شدیم، خب شما پارسال چه‌کار می‌کردید؟ چرا این روندها بررسی نشده است؟ در روند مملکت‌داری امروزی با این امکانات علمی، بعضی از کشورها تا پنجاه سال آینده‌شان را برنامه‌ریزی کرده‌اند. بعضی از کشورها حتی تا پانصد سال آینده را در دستور کار قرار داده‌اند. این تأکیداتی که مقام معظم رهبری دارند در بیانیه‌ی گام دوم، دیگر به اوج خودش رسیده است که پنجاه سال آینده‌مان را برنامه‌ریزی بکنیم. خب، این‌ها باید مورد توجه قرار بگیرند، تا یک مملکت به این بزرگی با این همه استعداد به مشکل کمبود مرغ و تخم‌مرغ نرسد. این‌ها همین چالش‌های کارآمدی است، چالش‌های مربوط به این است که روندها را عزیزان طراحی نمی‌کنند و هم‌افزایی‌ها هم اتفاق نمی‌افتد و این مشکلات به وجود می‌آیند. بعد آن وقت دودش به چشم چه کسی می‌رود؟ امام جماعت مسجد. یعنی گرانی می‌شود، مرغ کم می‌شود امام جماعت باید جواب بدهد، برق قطع می‌شود امام جماعت، خب چه ربطی به امام جماعت دارد؟ مگر این‌ها اصلاً حرف امام جماعت را گوش کردند، حرف مثلاً اسلام را گوش کردند. آقا اگر حرف اسلام را گوش می‌کردند خب اسلام سوره‌ی یوسف است دیگر که می‌گوید دولت باید برنامه‌ریز باشد.

در پایان اگر نکته خاصی مانده در خدمت شما هستیم؟

محفوظ باشید.

امروزه تبلیغ دین و انتقال مفاهیم معرفتی و تربیتی به عنوان یک تخصص شناخته می‌شود. تخصص در امر تبلیغ دین یعنی برای تربیت و تاثیر گذاری بر جامعه هدف نیازمند فرایندی مهندسی شده می‌باشیم. یکی از ارکان این فرایند، رصد مسئله‌ها و موضوعات تربیتی، معرفتی و فرهنگی مخاطب و در نتیجه پاسخ به نیازهای او است.

پرونده پیش رو به صورت ویژه به مبحث موضوع شناسی منابر محرم و صفر و مهارت‌های عزاداری می‌پردازد.

موضوع شناسی منابر حسینی



موضوع شناسی
نقطه آغاز...



بالای منبر
چه بگوییم؟



موضوع شناسی منابر
محرم از منظر تاریخی

موضوع‌شناسی، نقطه‌ی آغاز یک فعالیت تبلیغی

گفت و گو با: حجت الاسلام دکتر سید محمد حسین هاشمیان
پیرامون امام جماعت و موضوع شناسی فرهنگی



اشاره:

یکی از مهمترین شاخصه‌ها در تبلیغ دین، میزان اثرگذاری بر مخاطب است؛ بر این اساس رصد موضوعات مورد نیاز جامعه در این حوزه به وضوح احساس می‌شود؛ چرا که موضوع شناسی، حلقه وصلِ متولیان فرهنگی به خصوص امام جماعت محله با مخاطب است. مصاحبه با حجت الاسلام دکتر سید محمد حسین هاشمیان عضو گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام در موضوع موضوع شناسی تبلیغ محرم می تواند گره‌های این گزاره تبلیغی را برای ائمه جماعات باز می کند



به نظر شما؛ اساساً یک امام جماعت مسجد چه نیازی به موضوع‌شناسی دارد؟ و در وهله‌ی دوم، ضرورت‌ها و آثار موضوع‌شناسی برای یک امام جماعت چیست؟

موضوع‌شناسی به یک معنا نقطه‌ی آغاز یک فعالیت تبلیغی قلمداد می‌شود. به عبارتی دیگر، اگر فعالیت‌های تبلیغی را از سنخ فعالیت‌های فرهنگی بدانیم؛ اصلی‌ترین نقطه‌ی این فعالیت نیازسنجی و نیازشناسی است؛ که خود ریشه در مخاطب‌شناسی دارد. یعنی مبلغ باید اولاً، بداند جامعه هدفش کدام دسته از مخاطبان است و ثانیاً، نیاز و مسائل این مخاطب چیست و سپس بر مبنای این شناخت فعالیت تبلیغی خود را ساماندهی کند. بنابراین از نظر من تعریف علمی موضوع‌شناسی، نیازشناسی و مسئله‌شناسی جامعه هدف است.

اتفاق مهمی که اگر به درستی رقم نخورد، تمام فعالیت تبلیغی بی‌فایده خواهد بود. حتی اگر مبلغ، عالی‌ترین محتوا را و بهترین ابزار و بیان را، در خدمت داشته باشد. چرا که مسئله ی مخاطب چیز دیگریست.

ولی من به عنوان امام جماعت به مسئله‌ی دیگری می‌پردازم؛ لذا ارتباط سازنده‌ای که باید بین مبلّغ و مخاطب شکل بگیرد اساساً برقرار نخواهد شد. بدین ترتیب، اصلی‌ترین رکن در یک فعالیت تبلیغی، بحث موضوع‌شناسی یا به تعبیری مسئله‌شناسی تبلیغی است.

آثار و پیامدهای موضوع‌شناسی،



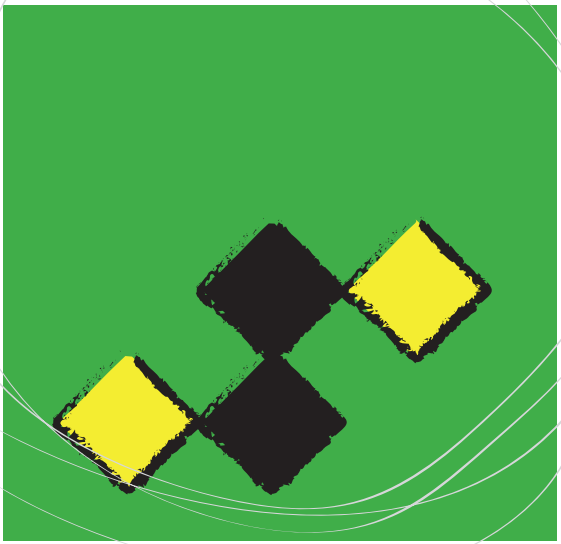
وقتی خود را نشـــان می‌دهند که مبلغ به مســـئله‌ی اصلـــی جامعه هدفش دســـت پیدا کرده باشد و می‌تواند محتوا و نحـــوه‌ی ارائه‌ی خود را ناظر به آن مسئله آماده کند؛ اینکه ببیند ابزار و فناوری مناسب و یا زاویهـــی ورود به بحث چه باید باشد خیلی در نتیجه‌بخش بودن فعالیت تبلیغی حائز اهمیت است، زیرا همانطور که می‌دانید مخاطبان ما و جامعه هـــدف مبلغان ما، هم متکثر هســـتند، هم مسائلشـــان متنوع و پیچیده اســـت. یعنی این نیســـت که بگوییم ما تنها با یک مسئله روبه‌روییم. حالا ممکن است کسی بگوید من میخواهم مسائل نظام را بیان کنم؛ مسائلی از قبیل جمعیت، بحران طلاق، بی‌تفاوتی اجتماعی و...

ایـــن خیلی خوب اســـت، اما خب نمی‌تـــوان دغدغه‌های مخاطب را نادیده گرفت؛ مسائلی که شاید در ظاهر سنخشان با مسائل کلان نظام متفاوت باشد، اما در یک نگاه کلان ذیل همان مســـائل تعریف شود. بنابراین باید امـــام جماعت توجه داشته باشد که شاید برای بعضی از مباحث، الزاماً قالب منبر کارایی لازم را نداشته باشد.

مثلاً بـــرای موضوعی لازم باشـــد جوانان را به یک اردو ببرند. یا مثلاً در حل فلان مسئله‌ی اقتصادی با همراهی هیئـــت امنا یک صندوق قرض‌الحسنه تأسیس کند، باشگاه ورزشی تأسیس کند و کارهایی از این دست.

حال پرسش مهم این است که این مسئله‌شناسی‌مان چگونه باید اتفاق بیفتد؟ آیا می‌شود این مهم را در یک چهارچوب ثابت پیگیری کرد؟ مثلاً بگوییم نهاد متولی امر تبلیغ موظف باشد ده تا، پنج تا، سه تا مسئله با داده‌ها و مستندات آماری دقیق و پاسخ‌های شفاف علمی مبتنی بر آیات و روایات آماده کند، و این‌ها را توشه‌ی تبلیغ مبلغان و امامان مساجد کند؟

پاسخ این است که، این شیوه ممکن اســـت در رابطه با مســـائل کلان



ملی مانند، مسـئله ی جمعیت یا انتخابات جواب بدهـد؛ (مثلاً در ایام انتخابات برای حل مسـئله‌ی کاهش مشارکت عمومی، بسته‌ی محتوایی‌ای آماده کرده و به عنوان یک بسـته‌ی محتوایـی تبلیغی بفرسـتیم برای امامـان جماعت که در فعالیت تبلیغـی خود از آن اسـتفاده کنند)، امـا در رابطه با مسـائل میدانی محله، منطقه یا شهر یا روسـتا این روش کارآمد نیست. در این دسته مسائل، نهاد عهده‌دار سـاماندهی مبلغین باید روش موضوع‌شناسـی را به مُبلغ خود بیاموزد که خودشان بتوانند به مسائل کف جامعه هدفشان دست پیدا کنند. چرا که خیلی از مسائل و معضلات فرهنگی در ظاهر یکی اسـت؛ ولی صورت‌بندی‌شان در این شهر با آن شهر، این منطقه با آن منطقه، این محلـه با آن محله فرق می‌کند. به عنوان مثال مسئله ی بدحجابـی؛ در منطقه ی یک تهران، یکسری زمینه‌ها و علت‌ها دارد و در منطقه‌ی بیست، زمینه‌ها و علت‌های متفاوتـی دارد. برای مخاطب دانشجوی ما یکطور است، برای مخاطب خانـه‌دار ما یکطور دیگر. در واقع مسـئله یکی‌ست، ولی صورت‌بندی آن متفاوت است. بنابراین نکته‌ی بسیار مهم این است که بتوانیم امامان جماعتمان را یک مقدار تقویت کنیم، که خودشان در حـوزه‌ی مسـائل اجتماعی و فرهنگی، چشم‌های بینا و رصدگر باشند، نه اینکه ما از بالا فقط بیاییم یکسری مسـائل و محتوای کلان ملی را به آن‌هـا بگوییم؛ کاری که شاید خیلی وقت‌ها بتوان از طریق تلویزیون، برنامه‌های رسـانه‌های جمعی دیگـر هم انجـام داد و از ساحت منبر برای مسائلی خاص‌تر، (به اقتضای آن فضا و زیسـت‌بوم فرهنگی اجتماعی آن محله) بهره برد.

بنابراین به نظر می‌رسـد که لازم اسـت مبلغان عزیز مـا در بحث موضوع‌شناسـی و مسئله‌شناسی آموزشی ببینند، و خودشان در این فضا وارد بشوند.

آثار و پیامدهای موضوع‌شناسی، وقتی خود را نشان می‌دهند که مبلغ به مسئله‌ی اصلی جامعه هدفش دست پیدا کرده باشد

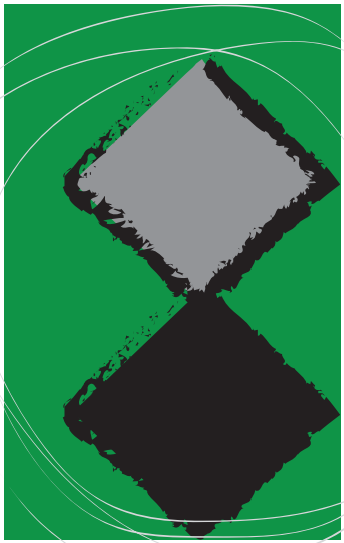
از نظر شما آیا برای موضوع شناسی می توان متد و روش خاصی تعریف کرد؟ اگر پاسخ مثبت است؛ نکات اساسی‌ای که در این روش باید مد نظر قرار داد چیست؟

خب، یکی از نکات همین است که موضوع‌شناسی یکی از مباحث تحلیل محیطی است، لذا دیدن زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ارتباطاتی که این زمینه‌ها با یکدیگر دارند یکی از محورهای مهم در موضوع‌شناسی است. اینکه مثلاً جست‌وجو کنیم و ریشه‌ی فقر اقتصادی یک خانواده را پیدا کنیم، که بفهمیم ریشه‌اش در حوزه‌ی اقتصاد جامعه است، یا ریشه در فقر فرهنگی و عدم اطلاعات است؛ بهتر می‌توانیم مسئله را حل کنیم، تا اینکه بخواهیم با معضل به‌طور موقتی برخورد کنیم و باز بعد از مدتی دوباره آن مسئله برگردد؛ چون ریشه‌ی مسئله هنوز به‌قوت خود باقیست.

نکته‌ی دیگری هم که می‌توان در بحث روش به آن اشاره کرد؛ در رابطه با خود مخاطب‌شناسی است. اینکه خود مخاطب را از منظر دینی، مطالعات اجتماعی و روان‌شناسی تحلیل کنیم و ابعاد شخصیتی، رفتاری و نیز شناخت خوبی نسبت به او پیدا کنیم. و از این جهت متوجه بشویم سمت وسوی حرکت این محله چگونه است. بنابراین مخاطب‌شناسی بحث بسیار مهمی دیگریست که هم در حوزه‌ی جامعه‌شناسی و هم در حوزه‌ی روان‌شناسی ابعاد مختلفی دارد.

نکته سوم، توجه به بحث آینده‌پژوهی در موضوع‌شناسی است. اگر امام جماعت ما فهم آینده پژوهانه داشته باشد می‌تواند پیش‌بینی کند که مثلاً با این روندی که دارد اینجا رقم می‌خورد و مثلاً دارد فلان خیابان کشیده می‌شود، فلان پارک زده می‌شود، فلان فرهنگسرا یا سینما تأسیس می‌شود، چه فرصت‌ها و یا تهدیداتی متوجه جامعه هدف خواهد شد و قبل از مواجهه خودش و مخاطب را آماده کند.

با توجه به شناختی که جناب‌عالی از فضای شهر تهران دارید؛ به نظر شما در شهر تهران برای امام جماعت چه موضوعات دست اولی وجود دارد که باید به آن‌ها



بپردازد. موضوعاتی که به نوعی مسئله‌ی همه‌ی مردم است، و امام جماعت باید در موضوع شناسی آنها را در نظر داشته باشد؟

مسائل زیادی از جمله:

مسائل خانواده (با تمام مسائل و زیر موضوعاتش اعم از آمار ازدواج و طلاق، الگوی معیوب ازدواج، بالارفتن سن ازدواج، ازدواج سفید، تسهیل در ازدواج و...)

مسائل حوزه‌ی مهارت‌های زندگی (با همه‌ی زیر مجموعه‌هایش)

مسائل حوزه‌ی تربیت (که در حوزه‌ی کودک، جمعیت و فرزندآوری بسیار کاربرد دارد)

مسائل حوزه‌ی بحث مشارکت اجتماعی (که یکی از آثارش در بحث بی‌تفاوتی اجتماعی است و در عرصه‌ی انتخابات و این‌ها خودش را نشان می‌دهد)

مسئله‌ی ناامیدی اجتماعی (که خصوصاً به دلیل جنگ روانی در فضای مجازی شیوع پیدا کرده است) و ارائه‌ی نقاط امیدبخش و امیدآفرینی است. به نظر من اگر بخواهیم یک برند را سرلوحه‌ی تبلیغ محرم قرار بدهیم؛ امیدآفرینی است که مورد تأکید حضرت آقا در بیانیه‌ی گام دوم بوده است. به عبارتی دیگر مبارزه با این جنگ روانی، جنگ شناختی است.

جنگ هیبریدی دشمن در فضای مجازی و ماهواره جامعه‌ی ما را خسته کرده است. چه خوب که ما بتوانیم از ظرفیت امام جماعت برای مبارزه با این جنگ روانی استفاده کنیم.

مسئله‌ی فضای مجازی و سواد رسانه‌ای (اینکه مخاطب بداند باید بر فعالیت خودش و خانواده‌اش در فضای مجازی به واسطه‌ی آموختن سواد رسانه کنترل داشته باشد. اینگونه نباشد که بچه‌ها مخصوصاً با توجه به این فضای شاد و شبکه‌ی دانش‌آموزی مدارس آزادانه و بدون دانستن راه و چاه و مهارت‌های لازم در این فضا بچرخد و خدایی‌نکرده به خودش و دیگران آسیب بزند.)

با توجه به شناختی که جنابعالی از فضای شهر تهران دارید؛ به نظر شما در شهر تهران برای امام جماعت چه موضوعات دست اولی وجود دارد که باید به آن‌ها بپردازد. موضوعاتی که به نوعی مسئله‌ی همه‌ی مردم است.

با توجه به اینکه ما راجع به محرم داریم صحبت می‌کنیم، همین مسائل بی‌تفاوتیِ اجتماعی، خانواده، یا مثلاً امیدآفرینی، گریزهای محرمی و برش‌های محرمی آن را فرض کنید، سیدالشهدا، چطور باید....

حماسه‌ی کربلای سیدالشهدا تابلویی از فرهنگ و تمدن اسلامی است؛ همان‌طور که می‌دانید در حوزه‌ی فرهنگ و تمدن، خانواده بسیار حائز اهمیت است. لذا شما می‌بینید در واقعه‌ی عاشورا مسئله‌ی خانواده جایگاه ویژه‌ای دارد، تا جایی که اکثر روضه‌های واقعه‌ی عاشورا حول محور خانواده است، از کودک شیرخوار گرفته تا طفل سه ساله و چهارساله و زن و دختر و جوان و پیرمرد.

در رابطه با امید هم اساساً پیوند عاشورا با مسئله‌ی مهدویت، پیوندی ناگسستنی‌ست که رکن آن مقوله‌ی ظهور و بحث انتظار است و انتظار سازنده است. چرا که بر اساس احادیث ما، آخرالزمان زمان ابتلای جامعه‌ی شیعه با بلاهای شدید است. بنابراین کاملاً زمینه‌ی پردازش مسئله از منظر محتوای عاشورایی برای این مسائل وجود دارد.

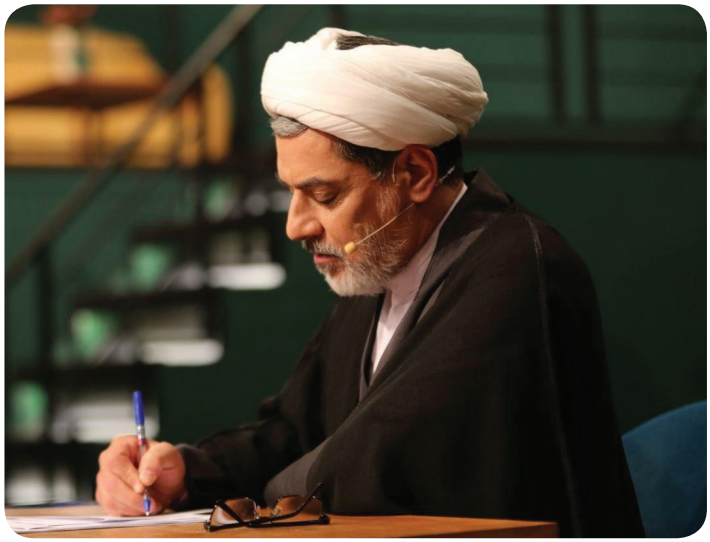
یا مثلاً در موضوع بی‌تفاوتی اجتماعی می‌توان این گونه به مسئله ورود کرد که خب اصلاً حضرت برای چه قیام کردند؟ برای اینکه بی‌تفاوت نباشند.

«أَنِّی لَمْ أَخْرُجْ أَشِراً وَ لَا بَطِراً وَ لَا مُفْسِداً وَ ما ارید الا الاصلاح [وَ لَا ظَالِماً وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِی أُمَّةِ جَدِّی ص أُرِیدُ أَنْ آمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَی عَنِ الْمُنْكَرِ] وَ أَسِیرَ بِسِیرَةِ جَدِّی وَ أَبِی» فلسفه‌ی قیام عاشورا امر به معروف، نهی از منکر بوده و این یعنی عدم بی‌تفاوتی اجتماعی.

به عنوان سؤال آخر، با توجه به جو شهر تهران که خودتان واقف هستید، بعد از اینکه مبلغ از موضوع‌شناسی به درستی عبور کرد و نیاز مخاطبش را شناخت، باید از چه زاویه‌ای برای بیان و طرح مسئله ورود کند که هم بتواند حرف‌هایش را خوب بیان کند، هم بتواند خوب مسئله را تحلیل کند و به سمت حل آن پیش برود؟

اولین مرحله همراهی با مخاطب است، یعنی از جایی شروع کنیم که مسئله‌ی اوست. در افق معنایی و ذهنی او وارد بشویم و همدلانه با او پیش برویم تا به یک نقطه‌ی اشتراک برسیم. مثلاً از مسائل اقتصادی، اجتماعی (که در قالب مناطق تهران جزو دغدغه‌های اصلی است) شروع کنیم و همدلانه پیش برویم.

دومین مرحله که بسیار اهمیت دارد این است که سعی کنیم مشکلات را انکار نکنیم. بپذیریم که مشکلات وجود دارند، منتها کمک کنیم که متوجه بشود بخشی از این مسئله واقعیت اجتماعی است، و بخش دیگرش برساختی غیرواقعی است که رسانه‌های بیگانه و فضای مجازی برای تو ساخته‌اند.

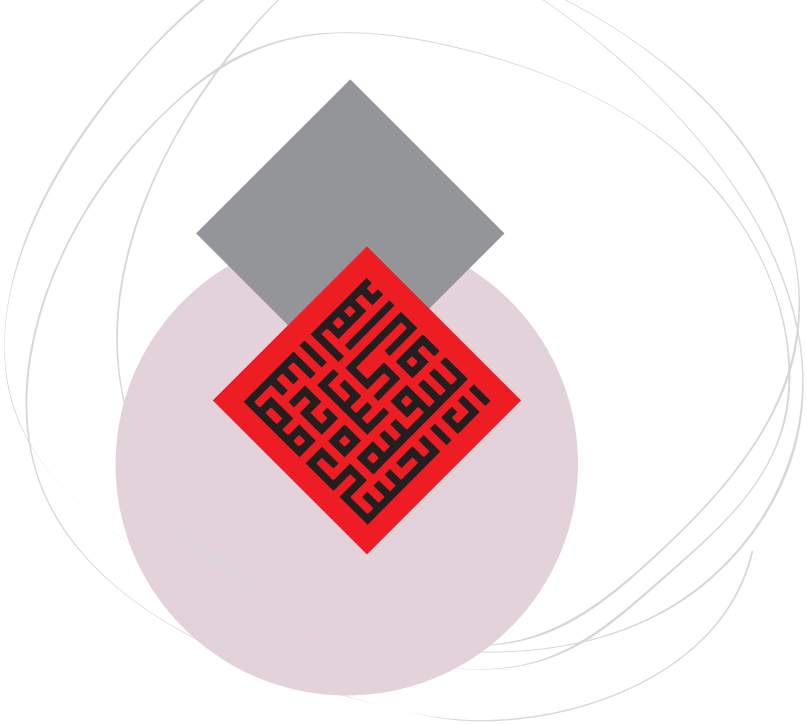


بالای منبر چه بگوییم؟

گفتاری در باب موضوع‌شناسی منابر محرم و صفر

گفتاری از: حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی

عنصر علم در کنار گنجی به نام تجربه، تولید کننده ساختاری هدفمند براساس چشم‌اندازی واقع‌بینانه در امر تبلیغ دین است. یک روحانی جهت امر ابلاغ دین، نیازمند فراگیری علوم اسلامی و انسانی و همچنین کسب مهارت‌های تبلیغی مورد نیاز است. این علوم و مهارت‌ها گاهی در فضای تدریس و تدرّس فراگرفته می‌شود و گاهی تجربه همچون چراغ راه مسیر استفاده از آموخته‌ها را بیش از پیش فراهم می‌آورد. براین اساس با محور چگونگی موضوع‌شناسی در منابر محرم و صفر از تجربیات حجج اسلام دکتر ناصر رفیعی و سیدحسین حسینی قمی بهره می‌بریم.



عناصر اساسی منبر

چهار عنصر اساسی در بحث منبر وجود دارد:

۱- مخاطب‌شناسی
۲- موضوع‌شناسی
۳- محتواسازی
۴- محتوا

اگر مخاطب‌شناسی کردیم، به دنبال آن نیازسنجی هم به وجود می‌آید. مخاطب را که بشناسیم، خود به خود نیاز او دیده می‌شود. مخاطب را این گونه می‌توان دسته‌بندی کرد:

مخاطب تشنه، مخاطب بی‌تفاوت، مخاطب نوطلب، مخاطب داوطلب، مخاطب مجبور، مخاطب بدبین و مخاطب خوش‌بین.

راه‌های شناسایی نیاز مخاطب

چگونه نیاز مخاطب را بشناسیم؟ یکی از راه‌های شناسایی نیاز مخاطب منطقه شناسی است.

خاطره‌ی اول:

برای تبلیغ به دُبی رفته بودم. شب اول رفتم منبر، شب دوم یک آقایی آمد گفت: «این حرف‌ها را اینجا نزن. اینجا زنا می‌کنند، شراب می‌خورند، دوست‌دختر دارند، اینجا که صحبت می‌کنی تقوا و نماز شب را بگذار کنار، اینجا بگو شراب می‌خورید مسجد نیایید.»

خاطره‌ی دوم:

بنده در شهر ارومیه بالای منبر رفته بودم، یک شبهه‌ای را مطرح کردم و آمدم پایین. آقایی آمد و گفت: «آنچه مطرح کردید شبهه و مسئله‌ی مردم این منطقه نیست.» گفتم: «آقا، تهران این شبهه...» گفت: «این بچه‌ها بکر و یک‌دست هستند، این‌ها خبر از این شبهات ندارند.»

لذا یک آقایی رفته بود کرج، می‌گفت: «عصری آمده بودم توی کوچه و خیابان قدم می‌زدم برای تبلیغ، ببینم نیاز مردم این منطقه چیست.»

یکی دیگر از راه‌های شناخت نیاز مخاطب، از طریق سؤال مطرح کردن است. مثلاً سؤال کنید سال قبل منبری چه کسی بوده است؟

مبلّغ چه گفته است؟ مطالب چه بوده‌اند؟
مورد دیگر از راه‌های شناخت، نیاز مخاطب مناسبت و مکان و زمان است. یک سال کنار قبر حجر بن عدی بودیم، یک کاروانی آمده بود، من دیدم روحانی کاروان دارد احکام شکیات می گوید. گفتم: «بابا این‌ها آمده‌اند قبر حجر، می‌خواهند ببینند حجر کیه؟» مگر می‌شود من شب شهادت امام عسگری اصلاً هیچ اشاره‌ای نکنم و رد بشوم؟ می‌شود مثلاً من مناسبت نیمه‌ی شعبان از امام زمان نگویم؟
یکی دیگر از راه‌های نیازسنجی مخاطب این است که آدم با دو سه تا مخاطب ارتباط برقرار کند. یک کاغذ بدهند دست مردم که: «آقا چه بحثی بکنیم؟ چه نیازی هست؟ چه نکاتی وجود دارد؟»

■ راه‌های شناسایی نیاز مخاطب (مثال‌های مخاطب‌شناسی در قرآن و روایات)

مثال اول:
لقمان می‌خواهد پسرش را نصیحت کند، پسرش که مال ندارد، ثروت ندارد. شما توی قرآن هرچه در این مورد می‌خوانید اینهاست: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاه...»، «یقیمون الصلاه و یؤتون الزکاه».
ایشان وقتی می‌خواهد بچه‌اش را نصیحت کند میگوید: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ...»
آقا شما توی دانشگاه برای بچه‌ها خمس را می گویی؟ این‌ها گورشان کجا بود که کفنشان باشد.

مثال دوم:
توی روایات داریم به زن‌ها سوره‌ی نور را یاد بدهید: «علموهن سوره نور»، چرا؟ چون عفاف توی آن هست، حجاب توی آن هست، غیرت توی آن هست و نیز حساسیت روی مسئله‌ی روابط جنسی.
در واقع سوره‌ی نور، سوره‌ی عفاف، سوره‌ی حجاب و سوره‌ی زندگی باعفت است.

مثال سوم:
روایت داریم: «لاتحدثوا الجهال بالحکمه؛ توی مجلس جهال حکمت نگویید.»
آقای فرحزاد تعریف می کرد: «یک کسی رفته بود راجع به بداء در یک جایی صحبت کرده بود، بعد از پنج جلسه یکی آمد گفت آقا کی راجع به خوب‌ها صحبت می کنید؟ این‌ها چه می‌دانند بداء چیه، بداء یک مسئله‌ی اعتقادی سنگینه، شما چرا وارد بحث قضاوقدر شدی برای این مخاطب؟»
«لاتحدثوا الجهال بالحکمه» این‌ها مخاطب‌شناسی است.

مثال چهارم:
پیغمبر گرامی اسلام، کاروان را فرستاد حبشه، تا وارد شدند جناب نجاشی گفت که قرآن بخوانید ببینم قرآن چه می گوید. چه سوره‌ای را خواند؟ سوره‌ی مریم.
این مخاطب‌شناسی است. برای نجاشی که نمی‌آیند بخوانند «الزانی و الزانیه فاجلدوهما».
نمی‌آیند بخوانند که «السارق و السارقة فاقطعوا...»، نه. گفت «ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا»
اصلاً اشک از چشم‌ها جاری شد. عجب قشنگ است، قرآن چه زیبا عیسی بن مریم را توصیف کرده است. این مخاطب‌شناسی است، فهمید چه چیزی را کجا بخواند.

نگران انتخاب موضوع باش!

گفتاری از: حجت‌الاسلام و المسلمین سید حسین حسینی قمی

■ پیدا کردن نیاز مخاطب

ما گاهی خیلی منبرهای خوبی می‌رویم، ولی مخاطب ما به این منبر نیازی ندارد. مثلاً می‌رویم در یک منطقه یا شهری که گرفتاری مردم رباخواری است، ولی ما ناآگاهانه راجع به شراب‌خواری صحبت می‌کنیم.

پس در این صورت، ما به عنوان یک فرد که چشم عده‌ای به دهان اوست، نیاز مخاطب را چگونه پیدا کنیم؟

از خود مخاطب؛ مثلاً اعلام کنید هر کسی هر موضوعی به نظرش می‌رسد، پیشنهاد بدهد. من گاهی حتی جایزه می‌گذارم. یک جایی که می‌روم سخنرانی (برای ده شب، دو هفته یا یک ماه)، می‌گویم هر کسی زیباترین موضوع و یا بهترین نیازهای مردم را به ما منتقل کند که من در موردش صحبت کنم، به او جایزه می‌دهیم.

من حتی الان هم این کار را می‌کنم، حتی اگر برای سه شب یک جا بروم برای سخنرانی، می‌گویم یک تابلو بزنند و یک شماره‌ی همراه هم اعلام کنند و یا اگر می‌شود سامانه‌های گسترده‌ی پیامرسانی قرار دهند. اعلام می‌کنیم: «ببینند گان عزیز، شرکت کنندگان عزیز، مردم عزیز، هر کسی راجع به سخنرانی ما سؤالی، پیشنهادی و یا انتقادی دارد به این شماره پیامک بکند.»

اگر ارتباط با مردم را زیاد کردیم، نیاز مردم را پیدا کردیم، حتماً در سخنرانی‌مان و تأثیرش بر مخاطب‌مان بیشتر موفق می‌شویم. رمز موفقیت یک منبر خوب ارتباط خیلی صمیمی با مخاطب است.

■ انتخاب موضوع منبر

بعضی‌ها نمی‌دانند موضوع منبر را چگونه انتخاب کنند، و همیشه نگران انتخاب موضوع هستند.

در آغاز راه این نگرانی‌ها طبیعی‌ست، اوائل از منبری‌هایی که نوع و لحن صحبت‌هایشان را



می‌پســـندید، موضوع را انتخاب کنید. حتی اگر لازم شد بروید اول ســـبک را پیدا کنید. شـــما سبک چه کسی را می‌پســـندید؟ آقای انصاریان، آقای رفیعی، آقای عالی، آقای نقویان یا آقای پناهیان؟ چه کسی را می‌پسندید؟ اینکه اول کار از سبک آنها پیروی کنید اشکالی ندارد. اوائل سبک را از آن‌ها بگیرید و تا وقتی کـــه راه افتادیـــد ادامه بدهید.

این کار را بـــرای همیشـــه ادامه ندهید، ولی اوائل ببینید شـــخص مورد نظرتـــان از چـــه موضوعی صحبت کرده است، بعد کمکم راه خودتان را پیدا می‌کنید.

■ بیان مطالب نو در منبر

از بیان کردن مطالـــب تکراری در ســـخنرانی‌ها باید اجتناب کنیم. برخورد داشته‌ام که؛ متأسفانه آقا رفته منبر، داســـتانی را می‌گوید که مستمع او قبل از اینکه این آقا داســـتان را ادامه بدهد، برای بغل دستی‌اش ادامه‌ی داستان را تعریف می‌کند.

حتی گاهی اختلاف نســـخه‌اش را هم می‌گوید. مثـــلاً این منبری یک‌جور نقل کرده، یک آقای دیگر یک‌جور دیگر نقل کرده است. برای حل این مشکل ما طرائف داریم. ما کتاب‌هایی داریم به نام «طرائف» و «حدیث‌های نـــو». هم جذاب‌تر است و هم حتماً مؤثرتر است.

گفت: «نو آر، که نو را حلاوتی دگر است.»



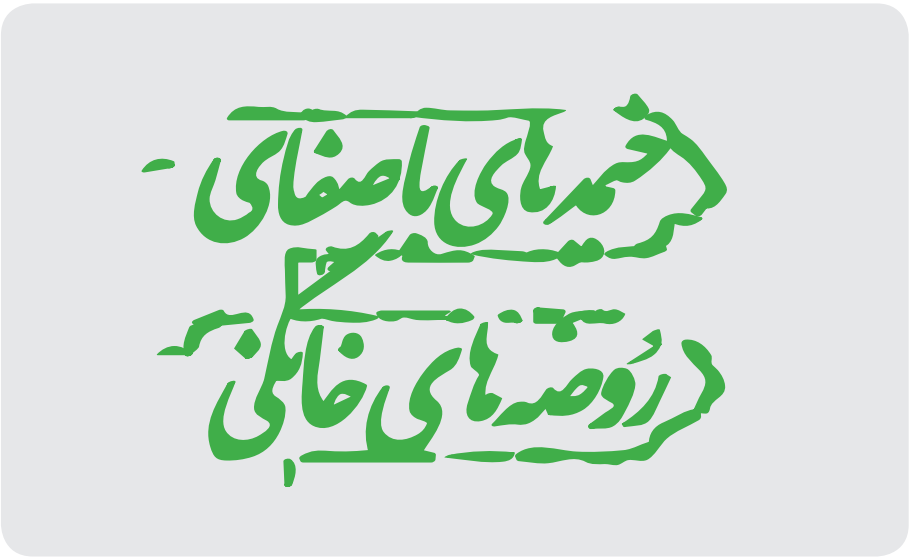
منبر کمتر، مطلب عمیق‌تر

مروری بر بیانات مقام معظم رهبری درباب مخاطب‌شناسی و موضوع‌شناسی



ویژگی‌های مجالس حسینی

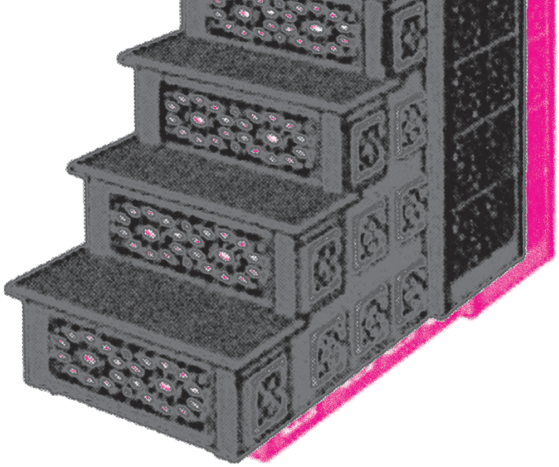
اوّلیـــن ویژگی باید این باشـــد که چنین مجالسی، محبّت به اهل بیت علیهم‌السّـــلام را زیاد کنند. چون رابطه عاطفی، یک رابطه بســـیار ذی‌قیمت است. شما، روحانیون، بایـــد کاری کنیـــد کـــه محبّت شرکت‌کنندگان در مجالس مذکور، روزبه‌روز نسبت به حسین‌بن‌علی علیه‌السّـــلام، خانـــدان پیغمبر و مناشیء معرفت الهی، بیشتر شود. اگر شما خدای ناکرده، در مجالس مذکـــور وضعی را به‌وجـــود آورید که مســـتمع یا فرد بیـــرون از آن فضا، از لحـــاظ عاطفی به اهل‌بیت علیهم‌السّـــلام نزدیک نشد، بلکه



احســـاس دوری و بیزاری کرد، نه فقط چنین مجالسی فاقد یکی از بزرگ‌ترین فواید خود شده، بلکه به یک معنا، مضّر هم بوده است. حال شما که مؤسّس یا گوینده چنین مجالسی هستید، ببینید چه کاری می‌توانید بکنید که عواطف مردم، براثر حضور در این مجالس، نسبت به حسین‌بن‌علی علیه‌السّلام و اهل بیت پیغمبر علیهم افضل صلواه الله روزبه‌روز بیشتر شود.

دومین ویژگی‌ای کـــه باید در این مجالس به وجود آید، این است که مردم نسبت به اصل حادثه عاشورا، معرفت روشن‌تر و واضح‌تری پیدا کنند. این‌طور نباشـــد کـــه ما در مجلس حسین‌بن‌علی علیه‌السّلام، به منبر برویم یا سخنرانی کنیم، اما موضوع ســـخنرانی، حضّار آن مجلس، اعم از جوان و غیرجوان و زن و مردِ اهل فکـــر و تأمّل را - که امروز در جامعه ما بسیارند و این از برکات انقلاب است - به این فکر فرو ببرد که «ما به این مجلس آمدیم و گریه‌ای هم کردیم؛ اما برای چه؟ قضیه چه بود؟ چرا باید برای امام حســـین علیه‌الســـلام گریه کرد؟ اصلاً چرا امام حسین علیه‌السلام به کربلا آمد و عاشـــورا را به وجود آورد؟» بنابراین، به عنوان منبری یا ســـخنران، باید به موضوعاتی بپردازید که جواب گـــویِ چنین سؤالاتی باشد. باید نسبت به اصلِ حادثه عاشـــورا معرفتـــی در افراد به‌وجود آید...

سـومین ویژگـی لازم در ایـن مجالس، افزایـش ایمان و معرفت دینـی در مردم اسـت. در چنین مجالسی باید از دین، نکاتی عنوان شـود که موجب ایمان و معرفتِ بیشتر در مستمع ومخاطب گردد. یعنـی سـخنرانان و منبری‌ها، یک موعظه درسـت، یک حدیث صحیح، بخشـی از تاریخ آموزنده درست، تفسـیرِ آیه‌ای از قرآن یا مطلبی از یک عالم و دانشمندِ بزرگ اسلامی را در بیانات خود بگنجانند و به سمع شرکت‌کنندگان در این مجالس برسـانند. این‌طور نباشد



که وقتی بالای منبر می‌رویم، یک مقدار لفّاظی کنیم و حرف بزنیم و اگر احیاناً مطلبی هم ذکر می‌کنیم، مطلب سستی باشد که نه فقط ایمان‌ها را زیاد نمی‌کند، بلکه به تضعیف ایمانِ مستمعین می‌پردازد.

■ برنامه‌ریزی برای نیازشناسی

ما این را همیشه سفارش می‌کنیم به مبلغین، به طلاب، به فضلا که نیازسنجی کنید و بر طبق نیاز مخاطب و استفهام مخاطب، حرف بزنید؛ اما این کارِ یک فرد نیست. افراد ممکن است در این شناخت و ارزیابی هم بعضاً اشتباه بکنند. این، کار یک جمع متمرکز و یک برنامه‌ریزی است، که ان‌شاءالله باید انجام بگیرد.

■ عالمانه مشکلات را حل کنیم

گفته‌ها و گفتارها باید عالمانه باشد. از سخن سست باید پرهیز شود. از منبر بی‌مطالعه باید اجتناب شود. بهترین گفته‌ها و آخرین گفته‌های جدید درباره مسائل اسلامی، باید دانسته شود. البته ممکن است چهار منبر کمتر برویم؛ اشکال ندارد. انسانی که خوب بخواهد بگوید، ناچار است کمتر بگوید: «لاف از سخن چو در توان زد - آن خشت بود که پر توان زد.» اگر دُرش را بخواهیم پیدا کنیم، البته باید زحمت بکشیم؛ چاره‌ای نیست. آن کس که فرضاً در دانشگاه‌ها مشغول تبلیغ و کارِ مخصوص روحانی است یا در ارتش و یا در سپاه مشغول تلاش روحانی است، باید نیاز فکری آن مجموعه و مخاطبین خودش را هوشمندانه و زیرکانه بشناسد. باید ببیند مخاطب او چه عقده و ابهام و سؤالی در ذهن دارد؛ ولو به زبان نیاورد. باید عالمانه آن مشکل را حل کند. اگر میتواند، خودش حل کند و اگر نمی‌تواند پیش عالم‌تر از خودش برود و مشکل را حل کند. این گونه است که سطح علم بالا می‌رود.

■ واقعه‌خوانی، نه چیزهای من‌درآوردی

واقعه خوانی، تا حدّ ممکن، باید متقن باشد. مثلاً در حدود «لهوفِ» ابن‌طاووس و «ارشادِ» مفید و امثال اینها - نه چیزهای من‌درآوردی - واقعه‌خوانی و روضه‌خوانی شود. در خلال روضه‌خوانی، سخنرانی، مدّاحی، شعرهای مصیبت، خواندن نوحه سینه‌زنی و در خلال سخنرانی‌های آموزنده، ماجرا و هدف امام حسین علیه‌الصّلاه والسّلام. یعنی همان هدفی که در کلمات خود آن بزرگوار هست که: «وانی لم اخرجِ اشراً و لابطرا و لا ظالماً و لا مفسداً، و انّما خرجت لطلب الاصلاح فی امّه جدّی» (۱)، بیان شود. این، یک سرفصل است. عباراتی از قبیل «ایها النّاس، انّ رسول اللّه، صلّی اللّه‌علیه‌وآله‌وسلّم، قال: من رأی سلطاناً جائراً، مستحلاً لحرم الله، ناکثاً لعهد الله...، فلم یغیّر علیه بفعل و لاقول، کان حقاً علی الله ان یدخله مدخله» (۲) و «من کان بادلاً فینامهجته و موطّناً علی لقاءالله نفسه فلیرحل معنا» (۳)، هر کدامْ یک درس و سرفصلند. این‌ها باید بیان شود. این‌ها هدف‌های امام حسین است. اینها خلاصه‌گیری‌ها و جمع‌بندی‌های نهضت حسینی است.

روزآمد، منطبق بر قرآن، منطبق بر عاشورا

موضوع‌شناسی منابر محرم از منظر تاریخی

حجت‌الاسلام دکتر جواد سلیمانی امیری،
عضو هیأت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

حماسه عاشـــورا تاثیرگذارترین و در عین حال ماندگارترین برهه از تاریخ است. حماسه عاشـــورا را از ابعاد مختلف می‌توان مورد تحلیل و بررســـی قرار داد. آنچه در ادامه خواهید خواند، بررسی موضوعات قابل پرداخت برای مخاطبین ائمه جماعات، ناظر بر واقعه عاشـــورا و از منظر تاریخـــی به همراه معرفی کتاب جهت مطالعه بیشتر است.

■ ویژگی‌های موضوع

موضوعاتی که در محـــرم مطرح می‌شود باید سه تا ویژگی به صورت هم زمان داشته باشد.

ویژگی اول:

این است که مبتنی بر معارف قرآن و سنت باشد یعنی مبتنی بر آیات قـــرآن و روایـــات اهل‌بیت علیهم السلام باشد.

ویژگی دوم:

این اســـت که باید روز آمد باشد و گره‌ای از مســـائل روز را باز بکند و ناظر به مسائل و مشکلات فرهنگی، سیاســـی، اجتماعـــی و اقتصادی جامعه ما باشد.

ویژگی سوم:

این است که باید منطبق بر نهضت امام حسین علیه السلام باشد و از نهضت امام حســـین علیه السلام مثال متناظر داشته باشد.

بررسی نمونه موضوعات قابل طرح:

۱- موضوع جاهلیت مدرن:

یکی از مشکلات اصلی که جامعه ایرانی و اســـلامی ما را درگیر خود کرده فرهنگ غرب و نظام مدرنیته است. نظام مدرنیته دین ساختگی بشری را جایگزین ادیان آسمانی کرده و انسان مداری را به جای خدا محوری در جامعه مطرح کرده است



و به جنگ احکام الهی رفته است. در زمانه ما، سید قطب در کتاب خود، اسم آن را گذاشت جاهلیت مدرن، جاهلیت قرن بیستم که مقام معظم رهبری این کتاب را ترجمه کرده‌اند. سردمدار جاهلیت دنیای مدرن، غرب و در رأس آن آمریکا است.

■ ■ ■

در زیارت اربعین وقتی که صفوان بن مهران جمال رفت از امام صادق علیه السلام خواست که می‌خواهد برود زیارت اربعین چه بخواند، آن جا امام صادق علیه السلام فرمودند در زیارت این طور بگو «بَذَلَ مُهْجَتَهُ فیکَ لِیَسْتَنْقِذَ عِبَادَکَ مِنَ الْجَهَالَهِ وَ حَیْرَهِ الضَّلَالَه» حسین بن علی، خون داخل قلبش را داد تا انسان‌ها را از جاهلیت نجات بدهد، از حیرت و گمراهی نجات بدهد.

شاخصه‌های جامعه جاهلی چیست؟

شاهد مثال ۱:
«وَ لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِیَّهِ الْأُولی» (احزاب/۲۲)

شاهد مثال ۲:
«یَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَیْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجاهِلِیَّه» (آل عمران/۱۵۴)

شاهد مثال ۳:
اِذْ جَعَلَ الَّذینَ کَفَروا فی قُلوبِهِم الحَمِیَّهَ حَمِیَّهَ الجاهِلِیَّه (فتح/۲۶)
حمیت جاهلیت یعنی تعصب‌های ناروا و غیرمعقول مثل همیتی که امروز در ناسیونالیست عرب هست، یا حمیت و تعصبات عدیده‌ای که در کشور ما هست، تعصبات قومی و قبیله‌ای، تعصبات بالا شهری و پایین شهری و ...

شاهد مثال ۴:
اِنْ یَتَّبِعُونَ اِلاَّ الظَّنَّ وَ ما تَهْوَی الْأَنْفُسُ: قانون گذاری براساس هواهای نفسانی

امام حسین علیه السلام و مبارزه با جاهلیت:

نوع مبارزه امام حسین در ظاهر یک فرهنگی نبود یعنی کلاس درس برگزار نکرد، امام حسین علیه السلام از بیعت با یزید سر باز زد و قیام کرد. این نوع قیام در دالانی از مظلومیت و عقلانیت و حماسه رخ داد. لذا امام حسین علیه السلام هم چنین که در وصیت‌نامه‌اش دارد که می‌فرماید: «إِنِّی لَم أَخرُج أشراً ولا بَطراً، وَلا مُفسداً، وَلا ظالماً، وَإِنَّما خَرَجتُ أطلُبُ الإصلاحَ فی أُمَّه جَدِّی» قصد اصلاح دارد. اما اصلاح دو راه داشت؛ یک: پیروزی نظامی و تشکیل حکومت. دو: غلبه



خون بر شمشیر. این دومی اتفاق افتاد. هم چنان که در زمان رسول خدا با جاهلیت أولی، رسول خدا با شـــکل خاص مبارزه کرد در زمان امام حسین علیه السلام امام حسین علیه السلام شیوه‌اش را عوض کرد، شـــیوه‌اش را کرد فتح خون یعنی مبارزه در قالب جهاد و شهادت. با فرهنگ جهاد و شهادت آمد در برابر این جاهلیت دوم ایستاد. در زمان انقلاب اسلامی شیوه‌های مبارزه سردمداران جاهلیت قرن بیست و یکم پیچیده‌تر شده. این جاست که انقلاب اسلامی آمده با بازآفرینی اسلام ناب با ادبیات و گفتمان امام خمینی و با ساختار دولتی به نظام ولایت فقیه و با همان فرهنگ جهاد و شـــهادت روبروی این جاهلیت بایستد.

معرفی کتاب:

برای ایـــن موضـــوع می‌توانید به کتاب امام حســـین علیه الســـلام و جاهلیت نو، ایـــن کتاب چند بار چاپ شـــده الان هـــم دارد چاپ جدید می‌شود توسط نشر معارف، کسانی که نشر معارف که مال نهاد رهبری هست روی سایت آن بروند می‌توانند آدرس این کتاب را بگیرند و با مطالعه این کتـــاب می‌توانند قشـــنگ به جوانب این بحث واقف بشـــوند. کتاب دیگر به نام تاریخ تحلیلی اســـلام که توی آن کتاب هم مقدمه‌اش شاخصه‌های جامعه جاهلی آمده بعد دلایل بازگشت آن آمده و در قسمت آخر هم مواضع تک تک اهل بیـــت در مقابل این جاهلیت نویی که زمانش برگشت این جا آمده که مفصل‌تر اســـت. کتاب دیگر راز بازگشت جاهلیت در عصر عاشورا است که نشر معارف چاپ کرده است.

۲-موضوع جریان‌شناســـی فکری سیاسی حاکم بر عصر عاشورا

جریان‌های فکری سیاســـی عصر امام حسین علیه السلام که برخی از این‌ها با امام حسین همراه بودند، برخی با او تقابل و کمک کردند به



سپاه عمرسعد، معرفی افکار این‌ها و رفتارهای این‌هـــا می‌تواند یک شاقولی باشـــد، یک میزانی باشد برای سنجش اعتبار صدق و کذب ایـــن جریان‌هایی کـــه در زمان ما هستند توی جامعه ما

جریانهای فعال عصر امام حسین علیه‌السلام:

الف- جریان رهـــروان بابصیرت:
مصداقش شهدای کربلا هستند، و امروزه شـــهدای جنگ تحمیلی و مدافعین حرم هســـتند. این‌ها هم شـــناخت صحیحی از ولایت دارند، هم شـــناخت صحیحی از دشـــمنان ولایت دارنـــد، هم اهل استقامت هســـتند. در آیات قرآن داریم «مُحَمَّدٌ رَسُـــولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِـــدَّاءُ عَلَى الْكُفَّـــارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُم» (فتـــح/۲۹) و آیاتی از این دست، در روایت هم امام علی علیه السلام در اواخر حکومتش فرمود: «أَيْنَ عَمَّارٌ وَ أَيْنَ ابْنُ التَّيِّهَانِ وَ أَيْنَ ذُو الشَّـــهَادَتَيْنِ» کجایند آن‌هایی که قرآن را تـــلاوت می‌کردند، به آن عمـــل می‌کردنـــد و اهتمـــام می‌ورزیدند به انجام واجبات الهی و بپا داشـــتن احکام الله در جامعه و احیای سنت‌های الهی و در برابر امام‌شـــان مخالفت نمی‌کردند و حرف امام‌شان را گوش می‌کردند که این‌هـــا این جریـــان رهروان با بصیرت هستند.

ب- جریان زر سالار برانداز:
در عصر امویان همان فرماندهان جبهه عمرســـعد هســـتند که در رأسش یزید است و عبیدالله است و شمر اســـت و عمرسعد و این‌ها و آن جبهه‌ای کـــه با این‌ها همراهی کردنـــد و آمدند در میـــدان نبرد. انحصارطلب هســـتند، زیاده‌خواه هســـتند، برنامه‌ریز هستند، اهل پیگیری هســـتند توی مســـائل و همیشه نقشـــه می‌چینند بر علیه حکومت اسلامی. در مورد جریان زرسالار برانداز آیاتی در قرآن مجید وجود دارد مانند آیاتی که در سوره بقره در مورد کفار هســـت، یکی از مصادیق بارز آن بنی‌امیه هستند. و رسول خدا هم در روایتی فرموده که «إِذَا بَلَغَ بَنُو أَبِي الْعَاصِ ثَلَاثِينَ رَجُلًا اتَّخَذُوا دِينَ اللهِ دَغَلًا وَ عِبَادَ اللَّهِ خَوَلًا وَ مَالَ اللهِ دُوَلًا» در نهج‌البلاغه می‌فرماید «سِيرُوا إِلَى بَقِيَّةِ الْأَحْزَابِ قَتَلَه» بروید به جنگ کســـانی که باقیمانده جنگ احزاب هســـتند همین‌ها را می‌گوید.

ج- جریان اعتدال:
در حالی که اعتدال در اســـلام به معنای حرکت بین افراط و تفریط

است ما در تعریف خود جریان اعتدال را در حقیقت اعتدال نما می‌دانیم و اعتدال واقعی نمی‌دانیم. آنها کسانی هستند که کناره‌گیری می‌کنند و می‌گویند ما نه با امام حسین علیه السلام هستیم نه با عمر سعد و به امام حسین علیه السلام یک نوع خیرخواهی می‌کنند می‌گویند شما نرو کشته می‌شوی. شاخصه‌های این جریان این است که سعی می‌کند با احتیاط دینی و محافظه‌کاری خودش را حفظ کند و موقعیت و رفاه خودش را حفظ کند و یک دینداری آسانی را به جامعه ارائه می‌دهد. و به نوعی القاء می‌کند که کار سید الشهداء علیه السلام یک کار کم‌ثمری است و اساساً زمانه ما زمانه‌ای است که باید یک کاری بکنیم که جنگ نشود، جنگ با اهل فتنه و این جور چیزها دیگه زمانه‌اش گذشته، باید با تعامل و بده و بستان و کوتاه آمدن‌ها و این‌ها مشکلات را با دشمن و استکبار حل کرد.

اما در خصوص جریان اعتدال روایتی داریم از سلمان فارسی، از رسول خدا صلی الله علیه و سلم نقل می‌کند که رسول خدا فرمودند که بعد از من، امت من سه فرقه می‌شوند یک فرقه بر حق هستند، مَثَل من و اهل‌بیت من را دوست دارند، مثلشان مثل طلا است که هرچه در داخل کوره این را داغ کنی بر خلوصش اضافه می‌شود و یک قسم دیگر بر باطل هستند، آن‌ها من و اهل‌بیت‌ام را دشمن می‌دارند، مثل‌شان مثل آهن سیاه است که هرچه حرارت بدهی بر سیاهی‌اش اضافه می‌شود و جریان سوم جریان اعتزال است. چون توی این روایت دارد این‌ها متزلزل هستند، بعد آن جا حضرت می‌فرماید مثَل این‌ها مثل سامری است در زمان بنی‌اسرائیل که آمد گفت نه خدای موسی، نه فرعون، بیایید این گوساله را بپرستید. این‌ها برای جامعه بشری هر روز یک گوساله‌ای را توی صحنه می‌آورند. این جا بود که رسول خدا فرمود رهبر این فرقه عبدالله بن قیس اشعری است، یعنی ابوموسی اشعری است که این‌ها بین حق و باطل یک خط سومی را ترسیم می‌کنند. در قرآن آیاتی داریم که دعوت می‌کند به عدل و از اعتدال واقعی میگوید، عدل در مسائل فرهنگی به چه معناست، مسائل سیاسی، مسائل اقتصادی به چه معناست.

د- جریان خواص تجدیدنظر طلب:

قبل از عاشورا بعد از رحلت رسول خدا یک عده‌ای از خواص اهل تجدید نظر شدند گفتند:

۱. اسلام حق است ولی در برخی اموری را که رسول خدا به نام اسلام به ما معرفی کرد باید تجدید نظر بشود.

۲. قبول داریم امام علی و اولادش باتقواتر، عالم‌تر، سابقه‌شان در میان اصحاب بیشتر است اما قبول نداریم رأی ایشان مثل رأی رسول خدا و یک رهبر آسمانی حجت و نظرشان مقدس است. قداست‌زدایی از ولایت و راه انداختن مردم سالاری صرف و اینکه هر کسی که اصحاب با او بیعت کردند همان رأی اکثریت

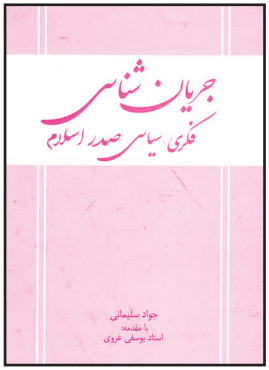
را آورد او خلیفه می‌شود. این همان خمیرمایه مردم‌سالاری هست که در این دوران نظام دموکراسی غرب آن را ترویج می کنـــد ولی ما قائل به مردم سالاری دینی هستیم که مردم سالاری دینی، مردم سالاری در دایره دین و ولایـــت خدا و ولیّ الهی اســـت که در عصـــر حضور؛ پیامبران و امامان و در عصر غیبت ولی فقیه است.

در خصـــوص خـــواص تجدیـــد نظرطلب، در قـــرآن مجید آیاتی داریم که در مورد مسلمانان ضعیف الایمان است، در ســـوره منافقون و ســـوره بقره به آیاتی درباره این جریان اشاره شده است.

امروز زمـــان ما خـــواص تجدید نظرطلبی هستند که می گویند امام شعار مرگ بر آمریکا را می‌خواست بردارد، چه کســـی گفتـــه هرچه ولی‌فقیـــه می گوید بایـــد بگوییم چشم؟ کی گفته رأی ولایت فقیه قداست دارد؟ اصلاً ولایت فقیه را باید برداریم و...

پیشنهاد کتاب:

در ایـــن زمینه می‌تـــوان به کتاب جریان‌شناسی فکری سیاسی صدر اســـلام مراجعه کرد. در آن کتاب جریانات فکری سیاسی صدر اسلام و سران آنها شـــاخصه‌های فکری و رفتاری‌شـــان بیان و جمع‌بندی شده است.



۳-موضوع فلســـفه تاریخ و سنت‌های الهی در عاشورا.

اساساً تحولات تاریخی و اجتماعی براســـاس ســـنت‌های الهی پیش می‌رود. از جمله آیه شریفه هست که می‌فرماید «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلاً وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللهِ تَحْوِيلا» (غافر/۴۳)

این ســـنت‌های الهی که بر تاریخ حاکم است تغییری نمی کند و بر آن امتی که باید نازل میشود و جای آن را عوض نمی کند.

مخاطبان سنت:

۱. ســـنت‌ها مربوط بـــه اهل حق هستند، ۲. ســـنت‌های مربوط به اهل باطل

۳. سنت‌های مربوط به هر دو دسته

انواع سنت ها:

۱- یاری خداوند برای اســـتقامت ورزان، ۲- سنت استدراج

۳- سنت آزمایش

پیشنهاد کتاب:

کتاب فلسفه تاریخ نشر المصطفی. آیت‌الله علامه مصباح یزدی رضوان الله علیه هم یک کتابی دارد تحت عنوان جامعه و تاریـــخ از دیدگاه قرآن.



بسترهای تربیتی به خودی خود نمی توانند موجب تربیت شوند. از کلیدهای تربیت مکان، زمان، تربیت کننده، نقشه راه، شناخت ظرفیت های موثر در فرایند تربیت و نگاه تشکلی و سیستمی در جهت استفاده از همه این ظرفیت ها است. پرونده پیش رو نگاهی به مدیریت امام جماعت در مسجد، با توجه به ایام محرم و صفر و مروری بر نگاه تشکلی می باشد.

امام مسجد



تعطیل نبودن عزاداری امام حسین علیه السلام



تشکل باید متعلق به مسجد باشد



کرونا، فرصتی برای حضور مسجد در محله

کرونا، فرصتی برای حضور مسجد در محله

حجت‌الاسلام مهدی منصوری / امام جماعت محله بلوار ابوذر

ضرورت‌های برگزاری مراسم محرم

در ایام بیماری کرونا زمان مراسم محرم بسیار کوتاه تر شده است. قبلاً در مساجد با در نظر گرفتن سخنرانی و مداحی و روضه خوانی و سینه‌زنی و حتی پذیرایی و پخش غذا، مراسم دو ساعت، حتی بیشتر طول می کشید، اما در این ایام چون مساجد کوچکند، این امکان را ندارند که در فضای بسته با فاصله‌گذاری بهداشتی مراسم را برگزار کنند و چون اغلب مساجد امکان تهویه ی هوای مناسب را ندارند، زمان برگزاری مراسم نهایتاً یک ساعت یا یک ساعت و ربع شده است. به همین جهت سخنران باید تبحر و توانایی ارائه ی مطلب را با لطایف و ظرایفی که خودش بلد است، داشته باشد و بتواند جان مطلب را مثلاً در پانزده دقیقه، بیست دقیقه با روضه خوانی جمع‌بندی کند و حرفش را در سخنرانی سلسله‌ای ده جلسه‌ای محرم بزند. بنا به دلایلی که قبل‌تر ذکر شد، همین نکته در مورد مداحی و سینه‌زنی و شورآفرینی و ایجاد آن فضای هیئت‌گونه و سینه‌زنی نیز وجود دارد. در نتیجه مسئولین بهتر است بیشتر به روضه‌خوانی توجه کنند.

با توجه به تجربه ی سال گذشته باید برنامه ی عزاداری مسجد طوری اجرا شود، تا برای افرادی که از پنجره و بالکن خانه‌هایشان نگاه می کنند هم قابل استفاده باشد. یعنی تنظیم صوت طوری باشد که اولاً آزاردهنده نباشد، ثانیاً برای آن کسی که مثلاً توی طبقه چهارم و پنجم منزلش است و در بالکن خانه‌اش می خواهد استفاده کند، قابل استفاده باشد.

فرصت هایی که کرونا برای مسجد و امام جماعت به وجود آورد

از وقتی که بیماری کرونا همه گیر شد سبک زندگی ها عوض شد؛ ماسک زدیم، فاصله‌گذاری کردیم، با هم دست نمی‌دهیم، دیدوبازدیدها محدود شد، حضور در فضاهای بسته کمتر شد، حضور در مساجد کمتر شد و در نتیجه یک سری از برنامه‌های جمعی مساجد مثل عزاداری‌ها، مولودی‌ها که احتیاج به ارتباط چهره به چهره دارند تحت الشعاع قرار گرفتند. این اتفاق موجب شد مسجدی که محور محله است و باید برای همه ی مردم برنامه داشته باشد برای برگزاری مراسم خود مجبور شود که برود بیرون و در فضای باز مراسم اجرا کند. به نظرم مهم‌ترین فرصتی که به وجود آمد این بود که مسجد محله پس از سالها توانست برنامه های خودش را برای همه ی مردم محله برگزار کند.

طبق تجربه، کرونا برخی مواقع



برایمان تبدیل به یک فرصت شد. در این مدت به خاطر شرایط شیوع بیماری، بعضی از مساجد در اوج کرونا نماز جماعت را در حیاط مسجد و حتی در پارک کنار مسجد برگزار کردند. برگزاری مراسم در فضاهای باز مثل پارک و خیابان و کوچه باعث شد مسجد و نماز خواندن در بین مردم حضور فیزیکی پیدا کنند، اینگونه شد که برخی از افراد محله مانند کسانی که مذهبی هستند، ولی ارتباطشان با مسجد کم است و یا عده‌ای هم که شاید ظاهرشان مذهبی نباشد، ولی به هر حال عاشق امام حسین هستند، ولی مثلاً به دلیل نوع حجاب شان وارد مسجد نمی شدند، الان با بیرون آمدن مراسم مسجد این قشر هم خود به خود در آن برنامه‌ها شرکت کنند.

در محرم سال قبل در هنگام سخنرانی می‌دیدم؛ حتی خانمی که حجابش هم مثل مسجدی‌ها نیست می‌آمد و روی صندلی می‌نشست و غذای نذری‌اش را هم می‌گرفت، بچه‌اش هم بود، همسرش هم بود؛ اینگونه همه شان در مراسم شرکت می کردند. کمترین نکته‌ی این نوع ارتباط هم این است که این خانواده‌ها می‌دانند مسجد یک چنین برنامه‌هایی دارد، سخنران کیست، روضه‌خوان مسجد کیست و یا با امام جماعت آشنا می‌شوند. اگر مثلاً ماه‌های بعد هم یک کاری داشته باشند رویشان می‌شود بیایند یک ارتباطی با مسجد و روحانی مسجد برقرار کنند. قبلاً در مساجد محله اگر صوت اذان پخش می‌شد بعضی‌ها معترض می‌شدند، ولی وقتی به خاطر کرونا مراسم خارج از مسجد و در فضای باز برگزار شد، همین خانواده‌های معترض هم از مسجد حمایت می کردند و یا بعضی جاهایی که لازم باشد می گویند مسجد ما برنامه دارد و اهمیت می‌دهند.

فرصت دیگری که بیماری کرونا در اختیار مساجد گذاشت، استفاده‌ی بهینه از فضای مجازی بود؛ فضای مجازی، کانال‌ها و گروههای مجازی و شبکه‌ها و برنامه‌های لایو در اختیار پیام رسانی مساجد قرار گرفتند. این اهمیت و لزوم آن برای ارائهی برنامه‌ها توی آن فضا هم خیلی خیلی مشهود بود، در واقع فضای مجازی فرصتی به وجود آورد که ما بتوانیم از این فضا استفاده کنیم برای تبلیغ مسجد، توی ابعاد مختلف، مانند جمع کردن نذورات و مشارکت بیشتر مردم در خدمات مسجد.

■ امام جماعت و مدیریت بهداشت و سلامت

اول

باید خود امام جماعت قائل باشد به رعایت دستورالعمل‌ها، در نتیجه خودبه خود زیرمجموعه هم این مسائل را رعایت می کنند. امام جماعت بعد از رعایت شخصی، باید دستورالعمل‌ها را هر چند وقت یک بار در سخنرانی‌هایش تذکر بدهد.

دوم

باید امنا و ارکان مسجد شکل



بگیرد و برنامه ریزی دقیقی شود تا امنا و ارکان مسجد در تذکر دادن و در نظارت کردن بر رعایت دستورالعمل‌ها به‌عنوان بازوهای اجرایی و کمک کننده به امام جماعت نقش پررنگی ایفا کنند.

سوم

باید جلسه‌ی شورای فرهنگی مسجد شکل بگیرد و ارکان اجرایی مسجد مثل بسیج، کانون فرهنگی، بسیج خواهران و اعضایی که در شورای فرهنگی هستند، دقیق توجیه بشوند و در جلسات شورای فرهنگی و امنا تقسیم کار بشود.

چهارم

در مورد شخصی که در مسجد کرونا دارد یا مشکوک به کروناست و دستورالعمل‌ها را رعایت نمی‌کند یکی از موارد مهم مدیریت در لحظه است. به تعبیری برخورد با چنین افرادی از لحاظ سنی، جنسیتی، شأن و جایگاه متفاوت است. مثلاً نوع برخورد و تذکر به نوجوان با پیرمرد خیلی متفاوت است. قاعده‌ی کلی این است که در این جور موارد امام جماعت از افراد ریش سفید و بزرگترها کمک بگیرد و خود امام جماعت در سخنرانی‌هایش به صورت غیرمستقیم بستر را آماده کند، و نکاتی بگوید در خصوص رعایت دستورالعمل‌ها، حتی از مداح نیز می‌تواند کمک بگیرد. ورود مستقیم امام جماعت و تذکر دادن او به نظرم شاید در عمده‌ی موارد درست نباشد. مگر در موارد خاصی که واقعاً از امام جماعت تبعیت دارند و طرف می‌گوید هرچه حاج آقا بگوید قبول دارم.

این را تجربه کردم که بنده در منبر محرم به مسائل شرعی کرونا اشاره می‌کردم که اگر شخصی کرونا داشته باشد و به عمد یا غیرعمد در جمع و مسجد حاضر شود چه حکم شرعی‌ای دارد. مداحمان مستقیم به رعایت دستورالعمل‌ها اشاره می‌کرد، گاهی یکی از امنای یا حالا آن کسی که اعلام برنامه می‌کرد نیز به نکاتی اشاره می‌کرد که این خودش می‌شود یک زمینه‌سازی برای اینکه همه‌ی مردم رعایت کنند.

تجربه‌ای که برای رعایت مسائل بهداشتی در سال قبل داشتیم این بود: آشپزخانه‌ی مسجد با توجه به شرایط کرونا امکان پخت وپز غذای ششصد هفتصد نفر را نداشت. در نتیجه رفتیم در یک آشپزخانه خارج از مسجد که یک مقدار امکان فاصله‌گذاری و رعایت

مسائل بهداشتی جهت طبخ غذا در ایام کرونا را داشت، غذا پختیم. نوع توزیع‌مان هم اینگونه بود که بلافاصله بعد از مراسم ماشین می‌آمد و مرتب غذا توزیع می‌شد، بدون شلوغی و ازدحام و با رعایت فاصله گذاری.

برای رعایت بهداشت، تنها ضدعفونی کردن ملاک نیست، جمع دستورالعمل‌ها و شرایط بهداشتی باید رعایت بشوند. مثلاً تهیه‌ی ماسک برای افرادی که ماسک ندارند، یا احتیاج به تعویض ماسک دارند. تهیه‌ی محلول ضدعفونی دست یا اسپری کردن برای مردم. قبلاً توی مراسم ختم گلاب کف دست تک تک شرکت کنندگان می‌ریختند، حالا می‌شود برای هر کسی محلول ضدعفونی کننده ریخت و دست‌ها را ضدعفونی کرد.

رعایت فاصله گذاری مهم است، ضدعفونی کردن محل برگزاری مراسم با مواد و محلول‌هایی متناسب با فضای باز و فضای بسته. باید جمیع این‌ها قبل و بعد از مراسم چک بشود، رصد و بررسی بشود. اگر مثلاً صندلی استفاده می‌شود، بعد از مراسم حداقل دسته‌های این صندلی‌ها ضدعفونی بشوند که برای شب بعد آماده باشند. میکروفونی که دست سخنران و مداح است با رعایت مسائل فنی ضدعفونی شود.

پیشنهادهایی برای امام جماعت مسجد محله‌محور

ایده‌هایی که می‌شود در محله اجرا کرد، برای این که مردم و خانواده‌ها را توجه بدهیم به عزاداری در ایام کرونا:

راه اندازی ماشین‌هایی برای پخش روضه:

مسجدی که محور محله است، در اطرافش کوچه‌ها و خانه‌هایی وجود دارد. حرکت یک ماشین معمولی در کوچه‌ها و محله‌ها با پرچم عزا و یک باند ساده و پخش یک عزاداری ملایم زنده یا ضبط شده در زمان مناسب مثلاً قبل از اذان مغرب که مزاحمتی هم برای مردم نداشته باشد خیلی می‌تواند اثرگذار باشد.

نصب بنرها و پیامک‌های تسلیت و حتی اطلاع‌رسانی برنامه‌های مسجد در محرم و سیاه‌پوش کردن محله به‌وسیله‌ی پرچم‌هایی که زده می‌شود، می‌تواند اثرگذار باشد.

اجرای مراسم مسجد در فضای باز عامل متوجه کردن محله به برپایی عزاداریست. نکته‌ی مهم این است که قاعدتاً یکسری از فروشگاه‌ها و آپارتمان‌ها و خانه‌های اطراف هم درگیر مراسم می‌شوند و ممکن است مشکلاتی مثل تردد ایجاد شود که در این صورت با توجیه مردم محله و محدود کردن زمان جلسه می‌توان مراسم را مدیریت کرد. این شیوه را نیز تجربه کردیم.

امام جماعت و هیئت امنا می‌توانند در روزهای اول هدیه ای محرمی در قالب یک پیام تسلیت یا کتیبه‌هایی قابل نصب تهیه کرده و جهت نصب در سردر خانه‌ی همسایه‌ها و مغازه‌های اطراف مسجد تقدیم آنها کنند. یکی از عباراتی که می‌توان روی کتیبه‌ها نوشت، عبارت «این خانه عزادار حسین است.» است. این همدلی می‌تواند اثرگذار باشد.

پیشنهاد بعدی ارسال پیامک تسلیت برای همسایگان مسجد است. این کار ساده، اما مؤثر است.

پیشنهاد آخر فعال کردن شبکه‌ها یا کانال‌های مجازی مسجد چه داخلی مانند ایتا، سروش و بله و چه خارجی مانند اینستاگرام است. کاربرد استفاده از این شبکه‌های اطلاع‌رسانی، پخش مراسم به‌صورت زنده در صفحه‌ی اینستاگرام، تهیه‌ی کلیپ‌های کوتاه، گزارش‌های کوتاه، تهیه‌ی نظرسنجی از مردم و اعضای کانال و صفحه برای کیفیت‌بخشی به مراسم یا حتی مثلاً خداقوت گفتن و تشکر از همسایه‌ها است. هر شب بعد از مراسم این روش می‌تواند محله را در ایام کرونا متوجه عزاداری کند

تعطیل پذیر نبودن عزاداری امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین احمد بصیری
امام جماعت مسجد امام حسین(ع)، قلهک زرگنده

مراسم عزاداری امام حسین در زندگی ما، جزو مواردی به حساب می‌آید که تعطیل‌پذیر نیست، یعنی ما هیچ زمان نباید به تعطیلی آن فکر کنیم و تحت هر شرایطی، با هر سختی و با هر مشکلی باید این مراسم برگزار شود، چون تعطیلی مراسم امام حسین در ماه محرم و صفر، عواقب غیرقابل جبرانی برای ما به همراه خواهد داشت.

به یکی از علما گفتند: «شما چرا محرم را این‌قدر باشکوه برگزار می‌کنید، چرا این‌قدر به عاشورا اهمیت می‌دهید؟» گفت: «ما یک بار تجربه‌ی تلخی داشتیم؛ اینکه غدیر را فراموش کردیم، آن را خوب برگزار نکردیم و خوب به میدان نیامدیم. حال از آن تجربه استفاده می‌کنیم و نمی‌گذاریم بلای غدیر سر محرم بیاید.»

البته اگر خواسته باشیم یک مقدار بدبینانه هم قضاوت کنیم، می‌گویند اصلاً این کرونا به وجود آمد، تا مناسبت‌هایی را که جلوه‌ای از جلوات اسلام بوده است، به گونه‌ای تعطیل کند و تحت تأثیر قرار دهد. هم مراسم محرم و هم اربعین و مناسبت‌هایی به این شکل که برگزاری‌شان بالاخره جبهه‌ی استکبار را متزلزل می‌کند. تعطیلی مراسم عزاداری باعث می‌شود که آن صلابت و آن جذابیت و آن انگیزه‌هایی که برای شیعیان داشت کم‌کم کمرنگ شود.



مثلاً زمان رضاخان آن‌همه سختی برای مراسم عزاداری امام حسین در نظر گرفته شـده بود، حتی از طرف حکومت می‌ریختند و مراسم را جمع می‌کردند، ولی مؤمنین با تمام سختی‌های آن دوره نگذاشتند که مراسم امام حسین تعطیل شود. الان هم در شرایط کرونا باید مبنای ما بر این باشد و آن شعار اصلی‌مان این باشد که محرم و صفر تعطیل نیسـت و باید با همین شعار کار را پیش ببریم. اینکـه ما بخواهیم صورت مسئله را پاک کنیم و بگوییم حال که این وضعیـت پیش آمده مراسمی نداشته باشیم، این قطعاً به مصلحت هیچکس نیست.

■ چگونگی برگزاری درست مراسم

حال اینکه مراسـم را چگونه باید برگزار کنیم؟ کیفیـت آن چطور باید باشد؟ پاسخ به این پرسش‌ها را باید تدبیر کرد.

سـال گذشـته هم ما در همین وضعیـت بودیم، اگرچـه محرم سال گذشـته شـاهد موج اول و دوم نبودیم، محـرم در فاصله‌ی بین موج‌هـای بیماری بـود، اما دیدیم سال گذشته با تدبیری که مؤمنین داشـتند مراسم عزاداری امام حسین برگزار شد. جلوه‌های خاصی از مراسم سال گذشته دیدیم و فضاهای جدیدی ایجاد شد. مثلاً مراسم عزاداری امام حسین غالباً محدود در فضاهای سرپوشـیده بود و آن جلوه‌های ظاهری خود را شاید کمتر نشان می‌داد، اما سال گذشـته این فضاهای باز جلوه‌ای از خودش نشان داد و همین باعث شد بالاخره بیشتر مراسم عزاداری امام حسین در منظر و دید مردم قرار گیرد، در همان سال گذشته بعضی از روضه‌خوانی‌های خانگی رونق پیدا کرد، البته گذشتگان ما این مراسم روضه خوانی خانگی را داشـتند، ولی کم‌کم روضه‌خوانی خانگی تعطیل شـده بود، اما سال گذشته در محرم و صفر این سنت قدیمی در بین مردم جلوه‌ای دوباره پیدا کرد.

عزاداران باید تدبیر کنند و ما این را هم می‌دانیم که مؤمنین در محافل از همه بیشـتر رعایـت می‌کنند. خود مسئولین اعلام کردند که تا ۹۴ درصد در این تجمعات مذهبی پروتکل‌هـای بهداشـتی رعایت می‌شوند.

اگر شـخصی مشـکوک به کرونا بود، برای حفظ شـأن او و رعایت پروتکل‌هـای بهداشـتی بایـد پیشگیری کنیم، یعنی با برخی از اعلانات و نوشـته‌ها و با استفاده از ابزار سنجش تب و میزان اکسیژن با احترام از ورود افراد مشکوک به مراسم جلوگیری کنیم.

■ تفاوت برگزاری مراسـم‌ها قبل و بعد از کرونا

بعد از همه گیری ویـروس کرونا فضـای مجالـس از مکان‌هـای سرپوشیده در قالب مساجد به مکان های باز تغییر کرده اسـت. ما قبل از شـیوع کرونا از مکان‌هایی مثل پارک ها و یا حیاط مدارس اطراف مسجد غافل بودیم، اما این بیماری باعث شد از این فضاها استفاده‌ی بهینه‌ای شود.

نکته‌ی بعد اینکه، سال‌های قبل به فضاسازی‌هایی که لازمه‌ی محرم بود، کمتر توجـه می‌کردیم، لذا می‌آمدیم فضای شبستان مسجد یا حسینیه یا آن مکانی را که هیئت در آن برگزار می‌شـد سیاه‌پوش می‌کردیم، اما سال گذشته مقداری این جلوه‌ها به فضاهای پیرامونی مسـجد و حسـینیه منتقل شد و معابر بیشتر سـیاه‌پوش شدند، پرچم‌های امامحسین نصب شدند و آن جلوه‌های بصری عزاداری امام حسین در سال گذشـته بیشتر خودش را در چشـم مردم نشان دادند. انتقال عزاداری امام حسین از مکان‌هایـی خاص بـه جاهای مختلف و پراکنده شدن این مراسم، مثل همین روضه‌خوانی خانگی که اشاره شد، سال‌های گذشته رونق بیشـتری پیدا کرد. ویژگی دیگر مراسم در زمان کرونا، منتقل شدن اطعام و غذاهای نذری حسینی از هیئت‌ها و مسـاجد و حسینیه‌ها

به خانواده‌ها، به ویژه خانواده‌های محروم که از نظر معیشتی دچار مشکل بودند، است.
و نکته بعدی هم انتقال مراسم عزاداری امام حسین و روضه‌خوانی و این‌ها، به جاهایی که کمتر در آن جاها مراسم برگزار می‌شد. مثل ابتکاری که بعضی از مداح‌ها به خرج دادند و در سال گذشته عزاداری‌شان را سیار برگزار کردند.

■ فرصتی که استفاده نشد

بنده شنیده ام در کشورهای غیرمسلمان، مثل کشورهای اروپایی و بعضی از کشورهایی که دارای ادیان الهی هستند؛ مخصوصاً در این ایام کرونا، مردم برای رفع مشکل‌شان و برای دعا کردن به کلیساها و کنیسه‌ها و مراکز مذهبی خودشان بیشتر مراجعه می‌کنند، به نظر من فرصتی که باید کرونا برای جامعه ایجاد می‌کرد و ما از آن خوب استفاده نکردیم این بود که باید طوری مدیریت می‌کردیم که مردم اقبال‌شان نسبت به مراکز مذهبی مثل مساجد و حسینیه‌ها و امامزاده‌ها بیشتر می‌شد، ولی طوری شد که کرونا را تهدیدی برای مراکز مذهبی خودمان قرار دادیم.

■ فرصت فضای مجازی

فرصت دیگری که کرونا برای ما ایجاد کرد این بود که بالاخره متولیان مساجد متوجه شدند که باید از فضای مجازی بیشتر استفاده کنند. کرونا باعث شد که بدانیم فضای دیگری هم داریم که می‌توانیم بسیاری از مخاطب‌های گوناگون و با نقطه نظرات مختلف را جذب کنیم. کرونا فرصتی شد که عزاداری امام حسین به خانه‌ی کسانی هم برود که آن‌ها شاید کمتر در این مناسبت‌ها، در مراسم شرکت می‌کردند. پراکنده شدن عطر امام حسین در همه‌ی جامعه نکته‌ی مهمی بود.

■ نقش امام جماعت در مدیریت عزاداری‌ها در دوران کرونا

مدیر طبیعی مسجد، امام جماعت است. این تعبیر رهبر معظم است که فرمودند: «مدیر طبیعی مسجد امام جماعت است.» با توجه به اینکه امام جماعت مدیر است، پس مدیر می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد، لذا ائمه‌ی جماعات در هر شرایطی می‌توانند بسیار مؤثر باشند، به ویژه در این شرایط بیماری کرونا، با مدیریت و با برنامه‌ریزی‌هایی که باید داشته باشند و با جلساتی که با دست‌اندرکاران عزاداری امام حسین پیش از ماه محرم می‌توانند داشته باشند، راه‌های مختلف را به نوعی پیش‌بینی کنند، سناریوهای گوناگون را در نظر بگیرند، بهترین آن را انتخاب کنند، همه ی این‌ها با مدیریت امام جماعت می‌تواند پیش برود تا بهترین مراسم را برای ماه محرم و صفر شاهد باشیم.

■ ایده‌های مؤثر در دعوت مردم محله برای عزاداری

فضای مجازی در دعوت مردم به عزاداری‌ها می‌تواند بسیار مؤثر باشد. فضاسازی‌ها، سیاه‌پوش کردن و مسائلی از این قبیل خیلی می‌تواند مؤثر باشد. انتقال عزاداری به مکان‌های سرباز مثل پارک‌ها و مساجد و بعضاً در خیابان‌هایی که مناسب برگزاری مراسم است. توزیع غذای نذری برای منازل نیز بسیار مؤثر است. البته رسانه‌ی ملی هم بسیار می‌تواند مؤثر باشد و الحقُّوالانصاف در ماه محرم سال گذشته، ماه رمضان و مناسبت‌های دیگر هم به وظیفه‌ی خود عمل کرد و مردم در خانه‌هایشان به واسطه‌ی صدا و سیما در فضای عزاداری قرار گرفتند.

اول توجیه مردم، سپس برنامه‌ریزی

حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمد شریفانی
امام جماعت مسجد جامع الزهرا، شهرک آتیه‌سازان



چرا عزاداری تعطیل نمی‌شود

یکی از مصادیق تقوا بزرگ‌داشت شعائر دینی‌ست: «وَمَنْ یُعَظِّمْ شَعائِرَ اللهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَی الْقُلُوبِ» و عزاداری هم قطعاً یکی از شعائر کلیدی مذهب شیعه است، وقتی که از نگاه قرآن دو تکه سنگ یا یک شتر در سرزمین منا «وَ الْبُدْنَ جَعَلْناها لَکُمْ مِنْ شَعائِرِ اللهِ» یا «إِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَهَ مِنْ شَعائِرِ اللهِ» از شعار دین باشند. خون مظلومانه‌ی حسین بن علی علیه‌السلام و عزاداری بر اهل‌بیت به عنوان شاخص‌ترین و برجسته‌ترین مظهر شعار دینی است.

در زمان امام حسین علیه‌السلام در مکه سیل آمد و مقام ابراهیم از جا کنده شد و گم شد. به امام حسین علیه‌السلام گفتند که مقام ابراهیم گم شده است، حضرت فرمود: «مقام از شعائر دین است و شعائر دین گم‌شدنی نیست، همیشه زنده است.»

امام صادق علیه‌السلام به فضیل فرمودند که «تجلسون و تحدثون»؛ جلسه برای ما می‌گیرید، حدیث ما را مطرح می‌کنید و خدا رحمت کند آن کسی را که احیای امر ما کند:

«رحم الله إمرءاً أحیا امرنا».
سوره ی آل عمران چهار تا توصیه را به عنوان عامل فلاح و رستگاری مطرح می کند: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اتَّقُوا اللهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ» بحث مرابطه و تثبیت قلوب و اجتماع قبول مردم و بالاخره دل دادن مردم به همدیگر و آثار و برکاتی که دارد، اینهم یکی از مصادیق ربط القلبی است که قرآن روی آن تکیه می کند. باز اینهم مظهر دین است.

بُعد معرفتی این مجالس مهم است. مردم با مواعظ و بُعد الگویی اهل‌بیت : و جایگاه امام و منزلت امام آشنا می‌شوند که جا انداختن این موضوع وظیفه‌ی امام جماعت است.
بُعد ثواب‌ها و پاداش‌های آخرتی مجالس متعلق به امام حسین علیه‌السلام است. در واقع این مجالس شعبه‌ای از زیارتگاه و حرم امام حسین علیه‌السلام است.

چگونگی مدیریت عزاداری مسجد در ایام کرونا

مرحله‌ی اول، توجیه فکری مردم:

در درجه‌ی اول توجیه این مسئله است که در هر زمانی و مکانی چه وظیفه‌ای داریم. اصل نماز یک وظیفه‌ی ثابت است، ولی اینکه نماز را در جنگ، در حالت عادی، در مکان مناسب و نامناسب، در مسجد، در هنگام مریضی، در سفر و ... چگونه بخوانم، به حسب شرایط زمان و مکان و حالات متفاوت است.

در درجه‌ی دوم توجیه این مسئله است که انسان، به ویژه در ایام کرونا نسبت به اطراف و اطرافیان خودش مسئول است. در روایت داریم؛ در روز قیامت توی کوچه که داری راه می‌روی، اگر نوک انگشت تو بخورد به دیوار مردم یک خطی بکشد، از همین خط هم سؤال می کنند. مسجد می‌رویم حواسمان به سلامتی خودمان، به سلامتی مردم، به سلامتی محیط باشد. حتی یک چایی که می‌خواهیم برداریم، یک بیسکویت که می‌خواهیم بخوریم، حواسمان باشد که کمترین آسیبی به خودمان و دیگران نزنیم: «وَ لا تُلْقُوا بِأَیْدیکُمْ إِلَی التَّهْلُکَه».
هرجا سوژه‌ای به وجود بیاید که در اهمیت مسائل بهداشتی است و موجب آسیب زدن به دیگران یا احتمال خطر داده شود، مردم را توجیه می کنیم. مثلاً قرارمان این است که اگر کسی کرونا دارد یا مشکوک به کروناست خیلی محترمانه نامه‌ای به او داده بشود، با این محتوا که: لطفاً با توجه به این شبهه‌ای که در مورد شما وجود دارد به خاطر سلامتی خودتان، رعایت کنید، کار سنجیده و قابل تقدیری است. بیشتر هم اهمیت مسئله را می‌بریم به طرف خود خودش.

مرحله‌ی دوم، برنامه ریزی:

بعد از توجیه فکری نوبت به برنامه ریزی میرسد. برنامه‌ریزی باید جوری باشد که در آن برای افراد گوناگون مسئولیت تعیین شود. در مسجد خودمان از دم در مسجد آدم گذاشتیم که دو ماسک زده، قاب روی سرش را هم گذاشته، فرم لباسش را خاص طراحی کردیم که برای مردم درس و پیام دارد و بدانند موضوع چقدر بااهمیت است و درس عملی به مردم داده بشود. یک نفر مسئول اسفند است و در چند جای مسجد پشت‌سرهم اسفند دود می کنیم، یک نفر مسئول پخش گلاب است، مرتب گلاب پخش می کنند، اول مجلس، وسط مجلس. هم با فضای عزاداری می‌خواند هم کاملاً یک کار بهداشتی ست. انواع ماسک دم در گذاشته شده است، دستمال کاغذی مرتب در جاهای گوناگون مسجد با مواد ضدعفونی کننده گذاشته شده است، اول مسجد، وسط مسجد و آخر مسجد. حتی منِ منبری وقتی می‌خواهم بروم منبر میکروفن را وقتی می‌خواهم بدهم به مداح ضدعفونی می کنم. اگر مثلاً غذایی اطعام داده بشود کاملاً بسته‌بندی است و بُعد بهداشتی آن رعایت می‌شود. خرما را می گذاریم در

پلاستیک و منگه می‌کنیم. ممکن است پذیرایی از نظر پیمانه ای کم باشد، ولی بُعد بهداشتی آن را بالا می‌بریم.

■ ازدحام جمعیت در ایام کرونا

مسجد ما صحن بزرگی دارد و تمام مراسم در صحن برگزار می‌شود. در حیاط صندلی گذاشته شده و بعد از اینکه نماز جماعت تمام می‌شود، مردم می‌نشینند روی صندلی و تقریباً فاصله‌ی یک مترونیمی رعایت می‌شود. در مسجد ما شائبه‌ی عدم رعایت فاصله به وجود نمی‌آید. بُعد دیگر این است که مراسم ما سه مرحله دارد؛ مرحله‌ی اول نماز جماعت است که در پایان نماز پس از یک صلوات به امام حسین علیه‌السلام، عده‌ای می‌روند. مرحله‌ی دوم سخنرانی است که خیلی مختصر است، حداکثر مثلاً بیست و پنج دقیقه تا نیم ساعت. پس از سخنرانی یک عده‌ای بلافاصله می‌روند، مرحله‌ی سوم هم مرحله‌ی عزاداری است و مداحی و مرثیه‌سرایی، که آنهم نیم ساعت کمتر است، عده‌ای که علاقه‌مند هستند تا پایان مراسم می‌مانند.

شب‌هایی که غذا سرو می‌شود، از دو سه جای مسجد غذا داده می‌شود، دم درهای مختلف و با فاصله مردم می‌آیند و می‌روند. این است که مراسم آسیب آنچنانی‌ای ندارد. چند بار هم که مراسم شلوغی داشتیم، چون مسجد درهای مختلفی دارد ازدحام کنترل می‌شود، و مراقب هستند که مردم از چند در خارج بشوند.

■ چند نکته‌ی کلیدی برای امام جماعت

۱- امام جماعت بنا نیست همه‌ی امور مسجد را در اختیار بگیرد، بلکه باید به وظیفه‌ی ذاتی خودش عمل کند. اصل، سپردن مسئولیت‌ها به اشخاص است و وظیفه‌ی امام‌جماعت یک نظارت کلی است. به فرض هم یک جایی اختلاف به‌وجود بیاید؛ بهتر است تا آنجایی که به مصالح اصلی مسجد ضرر نزند، امام جماعت دخالت نکند و امور را به خود هیئت امنا تفویض کند.

اختلاف بیشتر جایی به وجود می‌آید که امام جماعت می‌خواهد همه کاره‌ی مسجد باشد و همه‌ی امور را صفر تا صد در اختیار خودش بگیرد، که خودبه خود تعارض به‌وجود می‌آید. وقتی در حوزه‌ای که به ما ربط ندارد دخالت کنیم یا برخوردمان از بالا به پایین باشد، آن وقت است که از مردم فاصله می‌گیریم.

۲- بها دادن به مسئولین و مردم مسجد بسیار مهم است. مردم را با بها دادن و شخصیت دادن و با اغماض می‌توان مدیریت کرد. شخصی دلش می‌خواهد مدیریت آشپزخانه دستش باشد، نهایتاً حالا برنج یا شور می‌شود یا بی‌نمک که معمولاً در این مورد جای نگرانیای نیست، چرا که آن‌ها باز در آن کارها تخصص‌شان از ما بیشتر است.

۳- کار اصلی امام جماعت تبیین معارف، مباحث اخلاقی، رفتار و منش اخلاقمدار، ارتباطات اجتماعی و مردمی‌ست؛ مانند اینکه با سلام وارد بشود، بعد از نماز قدری روبه روی مردم بنشیند، حال مردم را بپرسد، به مردم بها دهد، تواضع نسبت مردم داشته باشد، به آن‌ها تلفن بزند، به مناسبت‌های مختلف به آن‌ها تبریک بگوید، در کانال مسجد هر چند وقت یک بار به مناسبت‌های مختلف پیام برای مردم بگذارد، حتی پیام عاطفی که موجب دلگرمی می‌شود بفرستد و ... همین جزئیات که یک مجموعه است، به نظرم امام جماعت را می‌تواند موفق کند.

۴- شیرین‌ترین و مؤثرترین و جذاب‌ترین کار دینی، فرهنگی، اجتماعی برای یک طلبه، وظیفه‌ی امام جماعتی است. یکی از بهترین کارها که اول خود آدم را می‌سازد، بعد می‌تواند نقش تأثیرگذار توی مردم داشته باشد و توفیق بزرگی است و ما باید خدا را شکر کنیم از این فرصت که خدا در اختیار ما قرار داده است و حداکثر استفاده را داشته باشیم.

تشکل باید متعلق به مسجد باشد، نه پیوند یافته با مسجد

در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین حمید رضا مهدوی ارفع

مسجد یک جایگاه اصیل برای تشکل سازی در جامعه‌ی اسلامی است، که امروز دچار یکسری اختلالات در این کارکرد خود شده است. برای خروج از این مرحله توجه به کدام بایسته‌ها ضروری‌ست، برای کند و کاو در این کارکرد و دریافت نکات تحول بخش با حجت‌الاسلام والمسلمین مهدوی ارفع، فعال فرهنگی و پژوهشگر حوزه‌ی مسجد، گفت‌وگویی کرده‌ایم که در ادامه خواهید خواند:

■ به نظر جنابعالی به عنوان یک فعال فرهنگی آشنا با فضای تشکل‌های اسلامی، مسجد نقطه‌ی آغاز یک تحول است یا نقطه‌ی استقرار یک تحول؟

با نگاهی به صدر اسلام دورهٔ پیامبر اسلام و دوران انقلاب اسلامی، به نظر می‌رسد اگر چه مسجد کانون همهٔ تحولات بوده است، اما یک نکته پیش‌نیاز هم داشته است و آن اینکه؛ همیشه و در هر دوره‌ای اساس تحولات جامعه از جایی شروع می‌شده است و بعد آن تفکر و جریان نیاز به پایگاه‌سازی داشته است.

لذا اول پیغمبر مبعوث می‌شود و بعد مسجد بنا می‌شود؛ نه اینکه پیغمبر از مسجد بیرون بیاید. مگر آنکه بگوییم کارکرد مسجد در همه جا وجود داشته است، مثلاً غار حرا برای پیغمبر مسجد بوده است و اصلاً کل زمین به تعبیر پیغمبر مسجد است: «جُعِلَتْ لِی الْأَرْضُ مَسْجِداً وَ طَهُورا؛ تمام زمین برای من مسجد (محل سجود) و پاک قرار داده شده است.»

یعنی از هر قسمتی از زمین می‌شود برای بندگی خدا استفاده کرد.

در انقلاب هم همین‌طور است، اول حرکت امام خمینی و بعد اندیشه‌ی اسلامی آغاز می‌شود، این‌طور نیست که تمام حرکت‌ها از مساجد باشند، بلکه دانشگاه، بازار، مدرسه و هم سهم عمده‌ای در خیزش مردم و جامعه‌ی اسلامی داشته‌اند، ولی باید توجه داشت که نقطه‌ی عطف مرکزی مورد اتفاق همه‌ی آن‌ها نهایتاً مسجد بوده است.

■ حال واقعاً مسجد نقطه‌ی آغاز یک حرکت بوده است و یا



نقطه‌ی قرار یک حرکت؟

به نظر می‌رسد مسجد نقطه‌ی قرار بوده است، بی‌شک اگر همین پذیرفته شود و یا قابل اعتنا تلقی شود، می‌شود بررسی کرد که چرا الان مساجد خیلی فعال نیستند؟ در حال حاضر جامعه‌ی ما از یک گفتمان عمومی قابل قبول و مورد اعتماد همه که بتواند حرکت ایجاد کند، محروم شده است و یا نتوانسته‌ایم آن گفتمان را حفظ کنیم. چون فضای بعد از دوران انقلاب، جنگ و بعد از جنگ، کم کم ضعیف شده و مساجد دیگر نتوانسته‌اند به عنوان قرارگاهِ گفتمان جدیدی مطرح شوند. پس اگر قرار باشد، چه تشکل‌ها و چه آحاد مردم به مسجد برگردند، باید دید فضای عمومی جامعه و گفتمان آن به چه آفتی گرفتار شده است که تجمعات مردم ضرورتی برای حضور در مساجد پیدا نمی‌کنند؟ وقتی یک مکان یا یک فضا از کارکرد آرمانی‌اش خالی بشود، خودبه خود محل تاخت وتاز امیال و هواهای نفسانی و آرزوهای کوچک وبزرگ می‌شود. ما زمان جنگ هم حتماً این اختلافات را داشته‌ایم؛ لکن هیچ‌گاه توجهی به آن‌ها نمی‌کردیم. چون در مقابل آن فضا و آرمان موردنظر خیلی کوچک بوده است، حتماً همیشه چند بزرگ‌تر و ریش‌سفید بوده‌اند که به جوان‌ها و کارهای آن‌ها در مسجد اعتراض کنند و مانع آن‌ها شوند، ولی هیچ‌کس یادش نمی‌آید که گفته شود در مساجد نمی‌شود کار کرد. پس برای احیای مساجد هم ما باید بدانیم در جامعه دنبال چه هستیم.

تعریف ما از مسجد این است: مکانی که در آن حدومرز نوع و گسترهٔ فعالیت، فقط حدومرز شرعی است؛ یعنی جایی‌ست که همه می‌توانند جمع شوند و کار نیک انجام دهند؛ یعنی کاری که پا را از مرز شرع فراتر نگذاریم

■ به نظر شما نهادهای موازی یا رقیب مسجد برای این نهاد دینی چه محدودیت‌ها و فرصت‌هایی ایجاد کرده‌اند؟

عده‌ای از نخبگان فکری یا مدیران گفتند برای تربیت نسل جوان و هدایت فکری آن‌ها NGO (سازمان‌های مردم نهاد) تشکیل دهیم؛ بدون اینکه بررسی کنند که لازمهٔ این امر چیست! این اتفاق افتاد و ساختارهای موازی با مسجد زیاد شدند و نتیجه این شد که احساس ضرورت حضور در مسجد کم‌رنگ شد.

فرض کنید بیست میلیون جوان را به مسجد آوردیم، هیچ پیرمرد و ریش‌سفیدی هم نبود که به آن‌ها گیر دهد! آیا تنها باید نماز بخوانند؟ اینکه همان کارکرد حداقلی مسجد است، چه انگیزه‌ای و چه آرمانی باید احیا شود؟

وقتی که اولین فرهنگسرا را در تهران تأسیس کردند، با شهردار تهران بحث کردیم که چرا این را راه انداختید؟ گفتند: «همه جوان‌ها که به مسجد نمی‌روند، مساجد برای خیلی از جوان‌ها دیگر جذابیت ندارند، ما می‌خواهیم جوان‌ها را جذب کنیم!» گفتیم: «چرا مسئله را حل نمی‌کنید؟ فکر نمی‌کنید این تفکر غیراسلامی است؟ چون می‌گویید شما که دوست دارید گیتار بزنید بروید اینجا، می‌خواهید قرآن بخوانید بروید واحد قرآن، می‌خواهید موسیقی کار کنید آنجا و هر کسی بنا به کارش باید تفکیک بشود! در حالی که مسجد می‌گوید همگی یک نگاه، یک وظیفه، یک حرکت، یک اثر.»

لذا اینکه چرا تشکل‌ها به مسجد نمی‌روند این‌ها فقط تقصیر مسجد نیست.

ولی چرا روی مسجد اصرار داریم و چرا باید بچه‌ها را به مسجد برگردانیم؟ یکی به خاطر این است که مسجد در جوامع اسلامی آزادترین مکان است برای فعالیت؛ یعنی کسی تا زمینی را وقف کرد از دست او خارج است و مال خداست، روایت داریم که اگر کسی ادعای مالکیت مسجد را بکند جایش در جهنم است، چون وقف است.

تا دیروز مال خودت بوده است، ولو سر نبش خیابان آفریقا هم بوده و کلی هم می‌ارزد، هزار متر، نه دههزار متر! اما تا گفتی من این را برای خدا وقف کردم، دیگر برای تو نیست. سهم تو با سهم دیگری هیچ فرقی نمی‌کند؛ یعنی تو می‌روی در محیطی که نه متعلق به دولت است نه ملت، آزادتر از این می‌شود؟

از طرف دیگر موانع یا محدودیت‌هایی هم هست؛ این مکان، تقدسش باعث می‌شود که محدوده فعالیت آن تعریف‌شده باشد؛ یعنی ما نمی‌توانیم در مسجد کنسرت موسیقی و کلاس یوگا و ... بگذاریم، نمی‌خواهم بگویم این

اگر مسجد نمازش فعال شود به نظر من یک بخشی از مشکل آنطرف حل می‌شود، نماز که فعال شد کم‌کم مردم خواهند آمد و می‌توانند کمک کنند، پیشنهاد دهند، برنامه برگزار کنند

فعالیت‌ها غلط اســت یا نه، بحث این است که مسجد به خاطر روح و فضای حاکم بــر آن برای برخی حوزه‌ها محدودیت‌هایی دارد.

■ بیایید درباره‌ی این موضوع به صــورت شــفاف صحبت بکنیم، که اصولاً قلمرو فعالیت‌های مسجد تا کجاست؟

اعتماد به مسجد در کنار هر ساختار دیگری، حتی هیئت‌ها از نظر نسل جوان و متولیان امر تربیت غیرقابل مقایسه اســت. اگر بگوییم بچه به کلاس مسجد برود یا همان درس را با همان اســتاد در جای دیگری بخواند، هم خود او و هم خانواده‌اش به مسجد بیشتر اعتماد می‌کنند. چرا؟ چــون مکان بــرای خودش اعتبار هم می‌آورد.

کارکردهای مسجد از ابتدا تا انتهای زندگی انسان را پوشش می‌دهد؛ از تولــد، ازدواج، کار اقتصــادی، اجتماعی، علمی و... همه را شامل می‌شود، چون تعریف ما از مسجد این است: مکانی که در آن حدومرز نوع و گستره فعالیت، فقط حدومرز شرعی است؛ یعنی جایی‌ست که همه می‌توانند جمع شــوند و کار نیک انجام دهند؛ یعنی کاری که پا را از مرز شرع فراتر نگذاریم و البته به آن حال وهوای مسجد هم لطمه نزند. لذا اگر قرار باشد در مسجد به عنوان مهم‌ترین ساختار تجمع و تشکل جوان‌ها سرمایه‌گذاری شود، باید ظرفیت‌ها مد نظر قرار گیرد.

■ در بخش تعامل میان تشکل‌ها و مســجد باید چه اتفاقی رخ دهد، که مــا به یک تعامل ســازنده و هم‌افزا دست پیدا کنیم؟

بخشی از ســاختارهای حکومتی (دولتی) که توانســتند مساجد را به هر ترتیب زیر نظر بگیرند، مثل مرکز رســیدگی به امور مساجد یا سازمان تبلیغات، این‌ها باید ابتدا خودشــان یک تغییرات نگرشی درباره مسجد ایجاد کنند. البته الان تفاوت‌هایی با دهه شــصت ایجاد شده است. ساختار مدیریت مسجد عوض شده، روحانی مسجد، محور کار اســت، همه چیز باید با ایشان هماهنگ شود.

اما به نظر من آنچه کــه می‌تواند عامل آشتی جوان‌ها با مسجد باشد، قبل از اینکه بخواهیم یک تغییرات ریــز ســاختاری بدهیــم، تغییر ذهنیت جوان‌هاســت که بخش عمده‌اش واقعاً ذهنیت‌های نابجای جوان‌هاســت، که هنوز مســجد نرفته‌اند، می‌گویند در مسجد که نمی‌گذارند فعالیت کنیم.

ما اول بایــد کارکرد صریح درجه‌یک مســجد را که نماز است فعال کنیم، خود مسجد باید فعال شود، به معنای اینکه همین کارکرد اصلی ارزشمند نماز جماعتش باید جدی

بسیج ساختار دارد، قانون دارد، حرفش پیش می‌رود، ضمن اینکه بالاخره نطفه‌ی بسیج هم در مساجد شکل گرفته است. ولی تشکل‌های دیگر این‌طور نیستند، حتی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد واقعیتشان این است که مال مسجد نیستند

گرفته شود.

من اخیراً در اصفهان یک مسجد رفتم، گفتند امام جماعت آن در شصت سالگی طلبه شده است، مسجد به آن بزرگی جانبود و داخل آن جمعیت جوان و اقشار مختلف موج می‌زد، چرا؟ چون یک روحانی خودش را وقف مسجد کرده بود. از اول هم با مردم قرار گذاشته بود، یکی از جملاتی که از هر کس پرسیدم تأییدش می‌کرد، این بود که می‌گفتند ایشان از همان روز اولی که آمد صحبت کرد گفت: «هر وقت دیدید من به مسجد نیامدم تابوت را بیاورید در خانه‌ام، مطمئن باشید من نه به بهانه‌ی میهمانی و نه سفر مسجد را ترک نمی‌کنم، اگر نیامدم تابوت را بیاورید.»

پس اول باید مساجد اصلاح و فعال شوند و نماز را برگزار کنند. یک گام از این‌طرف اگر مسجد نمازش فعال شود به نظر من یک بخشی از مشکل آن‌طرف حل می‌شود، نماز که فعال شد کم‌کم مردم خواهند آمد و می‌توانند کمک کنند، پیشنهاد دهند، برنامه برگزار کنند.

■ آیا نیازی به پیوند، یعنی رابطه‌ای فراتر از تعامل میان مسجد و تشکل‌های بیرونی هست؟

تشکل‌ها را کجا باید جا بدهیم؟ بسیج همه جا هست، مساجد تعطیل هم بسیج دارند. در ذهن جوان‌ها و حتی بزرگ‌ترها وقتی می‌گویند مسجد یعنی بسیج و وقتی گفتیم برویم مسجد فعالیت کنیم، یعنی بسیجی شویم و لذا آن‌هایی که به هر دلیلی ولو غلط با بسیج میانه‌ی خوبی ندارند، خودبه خود دور مسجد را خط می‌کشند. حداقل اگر بتوانند تفکیک هم بکنند می‌گویند برویم نماز بخوانیم و برویم دنبال کارمان. لذا هر فعالیتی که در مسجد رخ می‌دهد منحصر به بسیج است. بسیج هم خیلی عالی و مقدس و لازم است، اما باید فکری کرد که آیا تشکل‌های دیگر می‌توانند در مساجد جا پیدا کنند یا نه؟ بسیج ساختار دارد، قانون دارد، حرفش پیش می‌رود، ضمن اینکه بالاخره نطفه ی بسیج هم در مساجد شکل گرفته است. ولی تشکل‌های دیگر این‌طور نیستند، حتی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد واقعیت‌شان این است که مال مسجد نیستند، یک ساختمانی می‌گیرند و بعد می‌گویند آن‌طرف خیابان کانون فرهنگی هنری فلان مسجد است! اما بسیج را باید در خود پایگاه مسجد جا داد. پس مشکلی که باید اینجا حل شود این است که ساختاری چید که حداقل آن‌هایی را که از مسجد گریزانند و یا سمت مسجد نمی‌آیند کم‌کم جذب کرد. چون الان برای یک تشکل صددرصد دینی هم هیچ پشتیبانی‌ای نداریم که بگوید یک اتاق بدهند یا سالن مساجد را بیایند هفته‌ای دو جلسه استفاده کنند.

یک راه این است که مساجد ما به این سطح برسند که استعدادها را پرورش داده و شکوفا نماید؛ یکی نویسنده است، یکی استاد دانشگاه، یکی انرژی بازی دارد و... وقتی این‌ها فعال شوند، خودبه خود مسجد پایگاهشان می‌شود

■ اگر امکانش هست این تشکل‌های برآمده از مسجد را بیشتر توضیح دهید که مراد کدام تشکل‌هاست؟

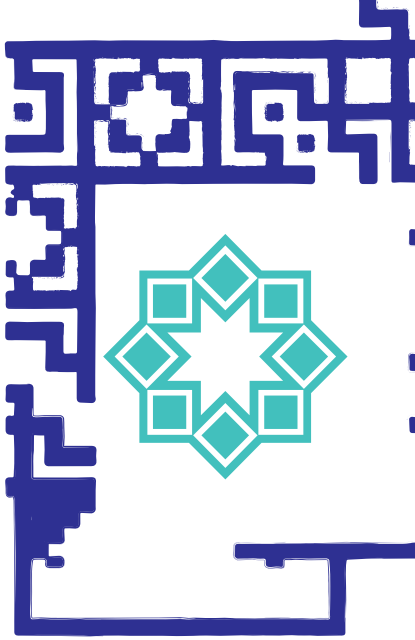
باید مسجدها به این سطح برسند که استعدادهای محله را بشناسند، پرورش دهند و در جهت شکوفایی آنها تسهیل گری کنند. و در ادامه نسبت به متشکل‌سازی هدفمند استعدادها گام بردارند. شاید بتوان تشکل‌ها را از دل مسجد تشکیل داد؛ یعنی به جای اینکه تشکل از بیرون به مسجد بیاید، تولید از مسجد باشد که به بیرون خدمت کند. مگر اردوهای جهادی نمی‌خواهیم؟ بیایند در مسجد فعالیت کنند بگویند هر کس می‌خواهد به فقرا خدمت کند، ثبت‌نام کند و تشکل‌شان را برقرار کنند. بچه که بودیم به مسجدجامع می‌رفتیم؛ آنجا همه امکاناتی از قبیل باشگاه ورزشی و... وجود داشت. من الان هرچه دارم می‌گویم از کار امام جماعت بود؛ ایشان از داخل مسجد تشکل تولید می‌کرد. از داخل مسجد نزدیک پنجاه تشکل ساخته بود. مثلاً چند تا از بچه‌ها را که دانشجو بودند دور هم جمع می‌کرد و یک جلسه‌ی توجیه می‌گذاشت و بعد هم دائماً انرژی می‌داد که کانون دانشجویان را راه انداختند.

کارشان در کشاورزی و خیلی کارهای دیگر توسعه پیدا کرد، حتی به سه اختراع رسیدند. خودش هم در جهاد سازندگی کار می‌کرد، این‌ها را پر و بال داد و رفتند در مازندران کارشان را تست کردند که موفق شد، خط تولید و.. و امثال این‌ها. دید یک عده طلبه‌اند کانون طلاب راه انداخت، کانون طلاب اینقدر توسعه پیدا کرد که یک حوزه‌ی علمیه زدند کنار مسجد. کانون ورزش‌کاران، کانون هنرمندان و ... .

ایشان کارشان این بود که ظرفیت‌های داخل مسجد را به تشکل‌های مسجدی وصل کند. یک شب بین نماز مغرب و عشا بلند شدند و گفتند: «داشتم می‌رفتم قم، دیدم از اینجا تا آنجا بیابان است، گفتم چه خوب می‌شود در اینجا درخت بکاریم! با مسئولین جهاد هم صحبت کردم گفتند ما نمی‌توانیم، نیروی انسانی می‌خواهد که کار کنند، گفتم شما فقط تانکر آبش را به من بدهید.» زن و مرد و همه را جمع کردند و گفتند که در بیابان می‌خواهیم درخت بکاریم، اینطور شد که ما درخت می‌کاشتیم. همین حرکت یک تشکل جهادی تشکیل داد که می‌رفتند روستاها و خدمترسانی می‌کردند.

بنابراین، یک راه این است که مساجد ما به این سطح برسند که استعدادها را پرورش داده و شکوفا نماید؛ یکی نویسنده است، یکی استاد دانشگاه، یکی انرژی بازی دارد .

وقتی این‌ها فعال شوند، خودبه خود مسجد پایگاهشان می‌شود، حالا وقتی پنج تا از دانشجویان خوب ما شدند کانون دانشجویان مسجد، خودشان دوستانشان را هم



مساجد باید «مادر» تشکل‌ها شوند. همه‌ی فعالیت‌ها باید از درون مسجد باشد. چون همه در بیرون مسجد احتمالاً عضو یک جمعی هستند و چرا این جمع را در مسجد شکل نمی‌دهند، چون فکر نمی‌کنند که مسجد به این کار هم اختصاص داشته باشد.

می‌آورند در کانون مسجد.
من خودم جذب شده‌ی ورزشم، یعنی عشقم ورزش رزمی بود، باشگاه‌ها هم که سالم نبودند، شنیدم مسجد کونگ‌فو دارد، استادش هم یک بسیجی قدرتمندی است که خیلی هم درجه‌اش بالاست. ثبت‌نام کردم. شب داشتیم بالای مسجد که باشگاه بود می‌دویدیم که من متوجه شدم یک آقایی با ریش بلند، کچل و با پیراهن و شلوار سفید دارد می‌دود، یک ذره دویدیم، گفت بچه‌ها بنشینید من برایتان گلابی گرفته‌ام بخورید، تا ما بخوریم دو تا حدیث برای ما گفت و ما را جذب کرد. هفته‌ای یک بار برای ورزش می‌آمد.
پنجاه تشکل را ایشان راه‌اندازی کرد، فقط هم استارتش را می‌زد، هدایت معنوی می‌کرد، تشویق می‌کرد، تا آنجا هم که توان داشت پیگیری می‌کرد و بعد خودش می‌رفت کنار.
این آدم بسیار پرکار و خوشفکر بود. یک‌دفعه وسط دو نماز می‌گفت دو تا دخترخانم هستند، اینطوری‌اند، این خصوصیات را دارند، هرکس پسر خوبی دارد بگوید تا من معرفی کنم به آن‌ها. حتی مردم می‌آمدند مثل زمان پیغمبر می‌گفتند ما دختر داریم و اگر آدم مسجدی است بیاید برای خواستگاری.
به مردم کتاب معرفی می‌کرد. گاهی ما را می‌برد کهریزک به پیرزن‌ها و پیرمردها رسیدگی کنیم. ایشان در حد مسجد خودش لااقل گفتمان خدمت‌رسانی‌اش را راه انداخته بود. لذا اگر می‌خواستیم مؤثر باشیم و کار مثبتی انجام دهیم، باید به مسجد می‌رفتیم. بنابراین، مساجد باید «مادر» تشکل‌ها شوند. همه‌ی فعالیت‌ها باید از درون مسجد باشد. چون همه در بیرون مسجد احتمالاً عضو یک جمعی هستند و چرا این جمع را در مسجد شکل نمی‌دهند، چون فکر نمی‌کنند که مسجد به این کار هم اختصاص داشته باشد.
البته آبادانی مسجد و نقطه ی شروعش به روحانی‌اش است. یک روحانی اگر باور کند که در مسجد چقدر ظرفیت است، همه ی هم وغمش مسجد می‌شود، تاریخ ما هم نشان می‌دهد که علمای بزرگ همیشه روی مسجد تمرکز داشته‌اند و یک مسجد را پایگاه خودشان قرار می‌داده‌اند.

همسر، یک شخص بسیار مهم در زندگی خانوادگی و شغلی یک امام جماعت است. او به عنوان یک نیروی یاریگر مسجد و نیز شخصی که دائماً در زندگی فردی و اجتماعی امام جماعت حضور دارد، تأثیر بسیاری در زندگی خانوادگی و اجتماعی او دارد.

در واقع کیفیت ارتباط همسر امام جماعت با همسر و مراجعان محلی و مسجدی و اداری امام جماعت می تواند گره گشای بسیاری از مسائل برای طرفین ماجرا باشد.

در سرویس همسرانه به مسئله‌ی بهبود کیفیت ارتباطات همسر امام جماعت پرداخته‌ایم.

و در انتها مهارت پختن شله زرد نذری برای تعداد نفرات بالا در یادداشتی ارائه شده است که می تواند راهگشا و کاربردی برای این بخش باشد.

همسرانه



از ارتباط تا
ارتباط موثر



گفت و گوی سازنده
متوازن و احترام آمیز



مدیر روابط عمومی دفتر
حاج آقا هستم

از ارتباط تا ارتباط مؤثر

درباره‌ی شناخت ارتباط مؤثر، مهارت‌ها و موانع آن

دکتر نازنین حقیقت بیان / روان‌شناس

تا یک دهه‌ی پیش، داشتن ارتباط و مهارت برقراری ارتباط برای هر فرد تنها یک مزیت محسوب می‌شد، اما امروزه تقریباً تمامی آدم‌ها به برقراری ارتباط مؤثر احتیاج دارند.

ارتباط مؤثر چیست؟ حتماً شما یک تعریفی مثل این در ذهن دارید: یک ارتباط که بتوان در آن تأثیرگذار بود.

اما باید گفت که خوشبختانه یا متأسفانه نه تعریف ارتباط مؤثر کار راحتی‌ست و نه ارتباط برقرار کردن و داشتن مهارت ارتباطی؛ گرچه که در نگاه نخست به نظر می‌رسد کار ساده‌ای است.

در ارتباط مؤثر ما به دنبال مهارتی هستیم که با استفاده از آن بخشی از ساختاری را که در مغزمان شکل گرفته است، به مغز فرد دیگری در نقطه‌ای دیگر منتقل کنیم و ساختار مغز او را تغییر دهیم.

ابزار ما برای این کار چیست؟ ابزارهای ما یا کلامی‌ست و یا غیرکلامی، که درباره‌ی آنها باید صحبت کنیم. اما پیش از آن باید ارتباط مؤثر را تعریف کرد.

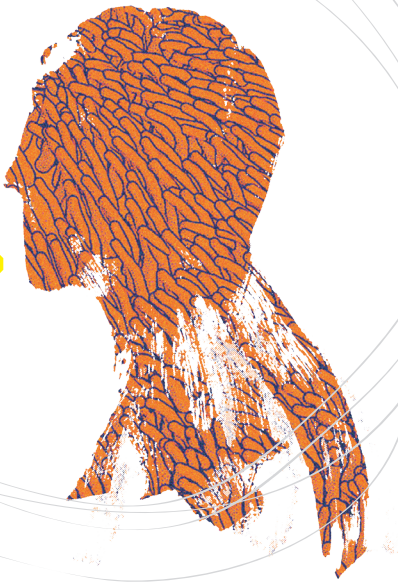
تعریف ارتباط موثر:

ارتباط موثر، رابطه‌ایست که در آن، طرف مقابل پیام شما را با حداکثر دقت ممکن دریافت و درک کند.

یعنی همان چیزی را که شما می‌خواهید او دریافت کند و در این مسیر بخش اصلی (و گاه تمام) مسئولیت ارتباط مؤثر را بر عهده‌ی ارسال کننده‌ی پیام یعنی شماست.

مسئولیت دشواری است و لابد به این فکر می‌کنید که دریافت کننده باید چنین و چنان باید و فلان و بیسار نباشد، بله درست می‌گوئید اما مهارت برقراری ارتباط مؤثر به تأکید دارد که فرستنده‌ی پیام‌ها، مسئولیت دارد از تمام توان خود برای افزایش اثربخشی ارتباط استفاده کند و به سادگی بی‌توجهی یا بی‌دقتی مخاطب را به بهانه‌ای برای کاهش اثربخشی ارتباط تبدیل نکند.

خب حالا ما اینجا داریم اینجا درباره پرورش مهارتی صحبت



می‌کنیم که به این هدف بیانجامد که گیرنده پیام شما در یک ارتباط، همان چیزی را دریافت کند که شما می‌خواهید

فکر می‌کنید سخنران خوبی هستید؟ می‌توانید به خوبی منظور خود را ارائه دهید؟ گوش خوبی برای شنیدن دارید؟ خوب است اینها هدف ما نیستند بلکه ابزارهایی هستند که قرار است به اثربخشی ارتباط کمک کنند.

■ اهمیت ارتباط مؤثر در خانواده

راه دوری قرار نیست برویم، اولین نقطه برای داشتن یک ارتباط مؤثر خانواده است. جایی که قرار است در یک ارتباط متوازن و صمیمی، زن و مرد به بلوغ شخصیتی و بینشی و معرفتی دست یابند و در این پیچیده ترین شکل روابط انسانی بدون ارتباط اثربخش نمی‌تواند شکوفا شود.

اگر مهارت‌های ارتباطی وجود نداشته باشد، عشق میان همسران، دوستان، والدین و فرزندان به مقدار زیادی کاهش می‌یابد، چرا؟ چون طرفین ارتباط قادر به رساندن تمام و کمال پیام خود نیستند.

روش‌هایی که به ما کمک می‌کنند تا شکاف‌های بین فردی ما و دیگران از بین بروند، برای برقراری روابط رضایت‌بخش در خانواده مفید می‌باشند. ارتباط مؤثر بین زوجین سبب می‌شود دو طرف، با وجود تفاوت‌های بسیار خود را برابر احساس کنند.

ارتباط مؤثر، زن و مرد فروتنی را می‌طلبد که بتوانند در یک خط ارتباطی به توصیف و تشریح زندگی، روحیات و مشکلات خود بپردازند.

■ اهمیت ارتباط مؤثر در روابط اجتماعی

یادگیری مهارت ارتباط مؤثر می‌تواند روابط اجتماعی فرد را هم تعمیق بخشد. این ارتباط همچنین اعتماد و احترام بیشتری ایجاد می‌کند. همچنین انجام کارهای گروهی، حل مشکلات و سلامت کلی اجتماعی و عاطفی فرد را بهبود بخشد.

ارتباط موثر، رابطه‌ای‌ست که در آن، طرف مقابل پیام شما را با حداکثر دقت ممکن دریافت و درک کند.

■ چهار مهارت ارتباط مؤثر

□□□

یک گوش مشتاق باشید.

بسیاری اوقات که حتی حرفی گوش می‌کنید، منتظرید تا صحبت فرد تمام شود تا شما حرفتان را بزنید و خلاصه نه شما که بسیاری از افراد در ارتباطات خود، غالباً بر آنچه باید بگویند متمرکز می‌شوند. اما ارتباط مؤثر مهارتی را از شما طلب می‌کند که در آن کمتر به صحبت و بیشتر به گوش دادن بستگی دارد، باید امیدوار باشم که از خود بپرسید من باید در یک ارتباط به چه چیزی خوب گوش بدهم؟ اگر این سؤال را هنوز از خود نپرسیده‌اید نشان می‌دهد که هنوز درگیر یک ارتباط مؤثر نیستید، در ارتباط مؤثر خوب گوش دادن نه تنها به معنای درک کلمات یا اطلاعات منتقل شده است، بلکه درک احساساتی است که گوینده سعی در انتقال آن دارد. تفاوت زیادی بین شنیدن مشتاقانه و به سادگی شنیدن وجود دارد. وقتی واقعاً گوش می‌کنید یا وقتی آنچه گفته می‌شود را می‌فهمید، صدای واضحی را می‌شنوید که به شما می‌گوید حس آن شخص چیست و سعی در انتقال چه احساساتی دارد. وقتی شنونده مشتاقی باشید، نه تنها شخص مقابل را بهتر درک می‌کنید، بلکه به او احساس شنیده شدن و درک شدن خواهید داد. این امر می‌تواند به ایجاد یک ارتباط قوی و عمیق بین شما کمک کند.

□□□

فقط حرف نه

در بخش قبل درباره ابزار ارتباط کلامی و غیر کلامی صحبت کردیم، منور از ابزار شغیر کلامی شما در ارتباطات، نوع نگاه کردن، گوش دادن، حرکت کردن و عکس العمل شما نسبت به شخص دیگر است که در بسیاری از مواقع بیشتر از کلمات در مورد احساس شما به او اطلاعات می‌دهد. با این حال هنوز اگر به دنبال تعریفی از ارتباط غیر کلامی هستید، عبارت است از زبان بدن، شامل حالات صورت، حرکات بدن، تماس چشمی، لحن، تن صدا و حتی فشار عضلانی و حتی تنفس می‌شود

این به شما کمک می‌کند که منظور خود را بیان کنید، در موقعیتهای چالش برانگیز موقعیت خود را مشخص کنید و روابط بهتری در خانه با اهل خانه و با دیگران داشته باشید.

□□□

شما به استرس نه بگوئید

حتماً یا شاید هم احتمالاً چند باری در طی اختلاف با همسر، بچه‌ها، دوستان و همکاران خود دچار احساس استرس شده‌اید و سپس چیزی را گفته اید یا انجام داده اید که بعدا از آن پشیمان شده‌اید. این همان چیزی‌ست که ارتباط مؤثر آن را نمی‌خواهد اگر شما بتوانید استرس خود را به سرعت از بین ببرید و به حالت آرام برگردید، نه تنها از چنین پشیمانی‌هایی جلوگیری می‌شود، بلکه در بسیاری از موارد به آرامش طرف مقابل نیز

وقتی شنونده مشتاقی باشید، نه تنها شخص مقابل را بهتر درک می‌کنید، بلکه به او احساس شنیده شدن و درک شدن خواهید داد.

کمک می‌کنید. فقط در صورتی که در شرایط آرامش به سر می‌برید، می‌توانید بفهمید که آیا وضعیت به پاسخ نیاز دارد یا سیگنال‌های طرف مقابل نشان می‌دهد بهتر است سکوت کنید.

از تاکتیک‌های جلوگیری‌کننده از حرکت استفاده کنید تا به خودتان فرصت فکر کردن بدهید. قبل از پاسخ دادن درخواست کنید سؤال را تکرار کنند یا در مورد آن بیشتر توضیح دهند.

□□□

خودتان را ارائه کنید

در لفافه و کنایه و طعنه و ... حرف زدن جدای از اینکه خیلی مؤدبانه نیست و حالا عصر چنین خودحقیرپنداری‌هایی گذشته، یک ارتباط مؤثر از میان می‌رود. بیان کردن مستقیم و قاطعانه ارتباط واضحی ایجاد می‌کند و می‌تواند به افزایش عزت نفس و مهارت‌های تصمیم گیری کمک کند. ابراز وجود به معنای بیان افکار، احساسات و نیازهای خود به روشی باز و صادقانه است.

در حالی که در مورد خواسته‌های خود صحبت می‌کنید و به دیگران احترام می‌گذارید. این کار به معنای خصمانه بودن، پرخاشگری یا سختگیری نیست. ارتباط مؤثر همیشه در مورد درک طرف مقابل است، نه پیروزی در یک بحث یا تحمیل کردن نظرات خود به دیگران.

برای تأثیرگذاری بیش‌تر لازم است نکات زیر را رعایت کنید:

۱-شما باید برای خود و گزینه‌های خود ارزش قائل شوید. آنها به اندازه خواسته‌های دیگران مهم هستند.

۲-شما باید نیازها و خواسته‌های خود را بشناسید. همچنین بیاموزید که آن‌ها را بدون نقض حقوق دیگران بیان کنید.

۳-شما باید افکار منفی را به روشی مثبت بیان کنید. عصبانی بودن اشکالی ندارد، اما باید احترام خود را حفظ کنید.

۴-شما باید بازخورد مثبت دریافت کنید. تعریف و تمجیدها را با کمال مهربانی بپذیرید، از اشتباهات خود درس بگیرید و در صورت لزوم از افراد کمک بخواهید.

۵-شما باید «نه» گفتن را بیاموزید. محدودیت‌های خود را بشناسید و اجازه ندهید دیگران از شما سوءاستفاده کنند. به دنبال گزینه‌هایی باشید تا همه از نتیجه آن احساس خوبی داشته باشند.

با این حال بد نیست قبل از ادامه‌ی بحث، عناوین چند مورد از موانع برقراری ارتباط مؤثر را با هم مرور کنیم:

۱-موانع فیزیکی در محیط

۲-موانع ناشی از انتخاب نادرست بستر ارتباطی

۳-موانع کلامی

۴-موانع فرهنگی

۵-موانع روانشناختی

۶-موانع ناشی از ادراک متفاوت در مورد موضوع

منظور از موانع فیزیکی، انتخاب زمان نامناسب، مکان نامناسب، فضای نامناسب، حتی آب و هوای

ارتباط موثر

نامناسب، سر و صدای محیط و هر آن چیزی است که می‌تواند مانعی مهم برای دریافت و درک پیام شود. بستر ارتباطی هم اگر به شکل درست و مناسب و هوشمندانه انتخاب نشود، می‌تواند اثربخشی ارتباط را کاهش دهد. برخی پیام‌ها، بهتر است به صورت حضوری منتقل شوند. برخی دیگر مناسب‌تر است که به شکل تلفنی منتقل شوند. برای برخی پیام‌ها، هیچ شیوه‌ای اثربخش‌تر از انتقال مکتوب وجود ندارد.

گاهی اوقات، ما کلمات و جملات درستی را برای ارسال پیام انتخاب نمی‌کنیم. این کلمات و جملات، یا معنای نادرستی دارند و یا برای طرف مقابل، به شکل دیگری تعریف شده‌اند. مجموعه‌ی خطاهایی را که در اثر انتخاب و استفاده‌ی نادرست از کلمات در ارتباط به وجود می‌آیند، به عنوان موانع کلامی در ارتباط اثربخش می‌شناسند.

تفاوت‌های فرهنگی هم، مانع مهم دیگری است که می‌تواند اثربخشی ارتباط را کاهش دهد. البته این تفاوت می‌تواند در شکل‌های بسیار متنوع و متفاوتی ظاهر شود:

تفاوت‌های فرهنگی

تفاوت فرهنگ نسل‌های مختلف

تفاوت فرهنگ اقوام

تفاوت فرهنگ زنان و مردان

تفاوت فرهنگ شهرهای مختلف

تفاوت فرهنگ شغل‌های مختلف

تفاوت فرهنگ گروه‌های اجتماعی متفاوت

کافی است به یک واژه مانند مستضعف توجه کنید.

این واژه نزد افراد مرفه، سیاستمداران، افراد فقیر، افراد خیر، نامزدهای انتخاباتی، معلمان و مردم کوچه و خیابان، بهخاطر پشتوانه‌های فرهنگی متفاوت، می‌تواند معانی بسیار متفاوتی را منتقل کند.

صفات و ویژگی‌های شخصیتی نیز نقش مهمی در افزایش یا کاهش اثربخشی ایفا می‌کنند. ویژگی‌های شخصیتی گوینده بر روی معنای کلماتی که می‌گوید سایه می‌اندازند. همچنین ویژگی‌های شخصیتی مخاطب هم می‌تواند به تفسیرهای بسیار متفاوت و متنوعی از پیام‌ها منجر شود.

آخرین و البته یکی از مهم‌ترین موانع هم، سطح ادراک است. همه‌ی ما از سطح درک یکسانی برخوردار نیستیم. بخشی از این تفاوت‌ها به تجربه‌ها و آموزش‌های متفاوت و بخشی دیگر به تفاوت در توانایی‌های شناختی مغز ما بازمی‌گردد.

این تفاوت هم، می‌تواند به مانعی برای ارتباط اثربخش و نیز منبعی برای ایجاد سوءبرداشت‌ها تبدیل شود.

■ برای یک پایان موقتی

هر یک از این موانع و نحوه‌ی مواجهه با آنها، به تدریج در شماره‌های بعد مورد بررسی قرار می‌گیرند اما آنچه اینجا و در این یادداشت اهمیت دارد شناخت شما و گرایش شما به سمت ارتباط مؤثر است. ارتباطی که زندگی و آؤامش شما را روی ریل صحیح می‌اندازد و همین دو نشان می‌دهند که چقدر اهمیت دارد.

گفت وگوی سازنده متوازن و احترام آمیز

ارتباط مؤثر با همسری که امام جماعت است

مرضیه میرغیاثی
دانشجوی دکترای مشاوره و همسر امام جماعت

هنر ارتباط مؤثر برای زنانی که در موقعیت خاص خانوادگی و اجتماعی هستند، امری لازم و ضروری‌ست. چرا که کوچک‌ترین کج فهمی و اشتباه در ارتباطات چنین خانه و خانواده‌ای به چالش-های گوناگونی می‌انجامد که کیانِ آرامش خانواده را بر هم می‌زند و موجبات برهم‌خوردن تعادل و توازن ارتباطات زوجین در خانواده می‌شود.

همسر امام جماعت بودن، از این بابت قرار گرفتن در یک وضعیت فوق العاده است، که باید با مهارت ارتباط مؤثر از پس ارتباطات بعضاً بیشمار و سنگین خانه‌ی یک امام جماعت بربیاید.

چنین برداشتی منافی با نقش فردی همسر امام جماعت در جامعه نیست؛ بسیاری از این زنان خود در مقام اساتید قرآن و کارشناسان مذهبی و تعلیم و تربیت در جامعه دارای جایگاه مشخص و تعریف شده‌ای هستند و در واقع مهارت ارتباط مؤثر برای نقشِ مستقل این زنان هم یک توانایی لازم و بالقوه به شمار می‌رود.

برای شروع این مبحث، ارتباطات فردی و اجتماعی همسر امام جماعت را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱-ارتباط با همسر
۲-ارتباط با فرزندان
۳-ارتباط با مراجعان مرتبط با همسری که امام جماعت است
۴-ارتباط با دوستان
۵-ارتباطات اجتماعی

همسر امام جماعت باید با تزریق مهارت ارتباط مؤثر به هر یک از این خط‌های ارتباطی در پی بهبود عملکرد، ایجاد آرامش فردی و حفاظت از کیانِ آبرویی و روحی و روانی خانواده باشد.

نکته‌ی قابل توجه این است، همان‌طور که می‌بینید در این تقسیم بندی، ارتباطات اجتماعی به صورت مستقل آمده است، که این نمایانگر اهمیت مسئولیت اجتماعی همسر امام جماعت است. یعنی جایی که او به نام همسر

امام جماعت دارای جایگاه است و ارتباطاتی با جامعه خواهد داشت و احیاناً بر همین اساس قضاوت خواهد شد. بنابراین باید سهمی هم برای این ارتباطات کور قائل شد.

ارتباط با همسر

درست است که همسر یک امام‌جماعت با مردی زندگی می‌کند که به اصل دینی «ما مِن عَمَلٍ أحَبَّ الیَ اللهِ وَ الی رَسولِه مِنَ الایمانِ باللهِ وَالرِّفقِ بالعِیالِ.» پایبند است و بر خلاف تصور بسیاری در جامعه، جایگاه زن برای او یک جایگاه متعالی است، اما با این حال در این رابطه هم هنر ارتباط مؤثر امری حیاتی به شمار می‌رود.

موانع ارتباط مؤثر همسر موارد زیر را شامل شود:

سکوتی مذموم

با یک پایش ساده می‌توان دریافت که مشکل اصلی بسیاری از زوجین نداشتن ارتباط و گفت‌وگو میان همسران است. در خانواده‌ی امام‌جماعت که مشغله‌ی مربوط به شغل وی در بیرون از خانه و حتی در خانه بسیار زیاد است، احتمال قطع گفت‌وگو میان زوجین زیاد است، و طبیعتاً وقتی ارتباط اصولی برقرار نمی‌شود جریان زندگی متوقف و در پی آن، زوجین احساس تنهایی خواهند کرد، که این آسیب با توجه به مشغله‌ی بیرونی آقایان در میان بانوان بیشتر مشهود است. در این حالت زوجین شاید هنوز با هم زندگی می‌کنند، اما به صورت دو انسان تنها، نه یک زوج واحد.

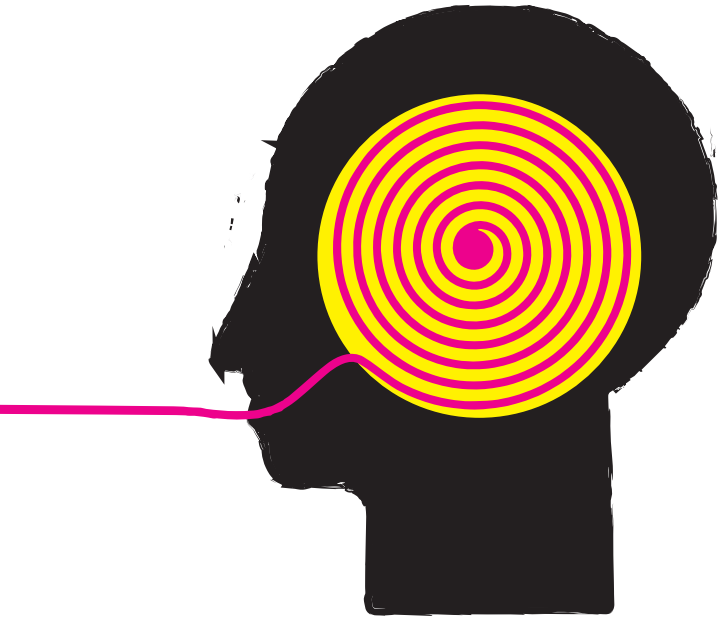
خودداری از حرف زدن

به طور معمول یکی از مشکلات زوج‌ها که بعد از ازدواج متوجه آن می‌شوند، این است که یکی از آنها از حرف زدن خودداری می‌کند و اغلب هم این مردان هستند که ساکت و خاموشند.

هر فردی نقطه ضعفی دارد و ممکن است بنا به دلایلی از کودکی گوشه‌گیر و درون‌گرا شده باشد، اما این به آن معنا نیست که نمی‌توان یاد گرفت که درباره‌ی مسائل و تجارب زندگی با همسر صحبت کرد و لذت یکی بودن را تجربه کرد.

ادبیات غیرسازنده

در یک ارتباط غیرمؤثر ادبیات رایج میان زوجین یک ادبیات غیرسازنده، ایرادگیرنده و بهانه‌جو است. همسر امام‌جماعتی که در پی ارتباط سازنده با همسر خود است، از همسر خود ایراد نمی‌گیرد، بلکه با جمله‌های مثبت نظرش را به او می‌گوید. او از همسرش می‌خواهد تا مشکلشان را حل کنند. به‌طور کلی مردان و به خصوص مردی با شغل امام‌جماعت که عادت به گفت



وگو دارد از ایـــن کار لذت می‌برد، پس نباید با یک ادبیات غیرسازنده توانمندی و قدرت همســـر را زیر سؤال برد.
یکی از ابزارهای ارتبـــاط، ادبیات مبتنی بـــر درک و پذیرش طرف دیگر ارتباط است. در ارتباط مؤثر شما باید اصول ارتباط با همسرتان را بلد باشـــید؛ اینکه چگونه رفتار کنیـــد، به چـــه صورت ســـخن بگویید و کاملاً با زیر و بم اخلاقی او آشنا باشـــید و بفهمید که او در چه زمان‌هایـــی در لایه‌های منفی شـــخصیت خود فرو رفته است و چه زمانی نیاز به حمایت و کمک شما دارد.
به این شـــکل کـــه کامـــلاً بدانید زمان‌هایی که او ناراحت است، چه رفتاری او را خوشـــحال می کند، موقعی که او انگیزه‌اش را از دست داده است با چه کلماتی می‌توانید او را به زندگی برگردانید و یا وقتی حاضر نیســـت که با شما صحبت کند، چگونه با او رفتار کنید. همه‌ی این موارد نیازمند آن اســـت که از قبل همسر خود را کاملاً شناخته باشید و مهارت گفت وگو و ارتباط مؤثر را یاد گرفته باشید.
یکی از مشـــکلاتی که در زندگی مشترک خانواده‌های روحانیون و از آن جمله؛ ائمه‌ی جماعات وجود دارد، متکلم وحده بودن مرد خانه است، یعنی به خاطر نوع شغلشان در ارتباط با همسر آنچنان قدرت شنواییای را که باید داشته باشند ندارند.
این بزرگـــواران بایـــد در ارتباط با زندگی زناشـــویی بدانند که در مرحلـــه‌ی اول باید همســـر خود را با القاب زیبا و پســـندیده مورد خطاب قـــرار دهند، احساســـات همسرشـــان را درک کنند، یعنی به شـــادی، ناراحتی و حال خوب و بد همسرشان توجه کنند و با او همدلی کنند. و یادشان باشند که همسرانشان و به طور کلی زنان با صحبت کردن تخلیه می شـــوند، پس برای ارتباط مؤثر شما لاجرم باید شنوندهی خوبی باشید و اگرچه به نظر شـــما او در صحبت کردن افراط می کند که در بسیاری از مواقع هم این گونه نیست و این برچسب خیلی هم به طیف گســـترده‌ای از زنان نمی‌چسبد، اما هرگز همسرتان را از حرف زدن بـــاز ندارید. هنگام صحبـــت او باعجله چـــاره جویی نکنید. به عنوان مثال: او می گوید سرم درد می‌کند، نگویید برو دکتر، بگذارید به صحبت‌هایش ادامه دهد و با او همدلی کنید.
مشغله و شأنیت یک امام جماعت بیرون از خانه قطعاً موجب اعتبار است، اما در خانه او یک همسر است و باید در یک رابطـــه‌ی متوازن از همسر خود پشـــتیبانی معنوی و عاطفی کند.
اعتمادبه نفســـی که مرده یا نبوده





است

از مهم‌ترین موانع مهم در برقراری ارتباط مؤثر پس از ازدواج «نداشتن اعتمادبه نفس یکی از زوجین» است. در برابر همسری با شغل امام‌جماعت که دارای بیان محکم و قدرت استدلال مناسبی است، احتمال سقوط اعتماد به نفس در همسر زیاد است. سعی کنید که این اتفاق برای شما رخ ندهد و با تلاش و استحکام شخصیت و حتی کمک گرفتن از همسر از چنین سقوطی جلوگیری کنید تا در یک ارتباط مؤثر با وی به پیش بروید. به خاطر علمی نبودن یا متقن نبودن یا حتی لکنت داشتن کلام یا ترس از پذیرفته نشدن عقایدتان را فرو نبرید و مطرح کنید، که ارتباط مؤثر به دو طرف ارتباطی احتیاج دارد که متوازن و قدرتمندند.

خودخواهی

«خودخواهی یکی از زوج ها»، دیگر مانع برقراری ارتباط مؤثر و یکی از موانع ارتباط و وحدت همسران است. انسان به صورت ذاتی تمایل دارد به جهت مخالف برود. در خانواده‌ی امام‌جماعت به صورت کلی بخش زیادی از وقت و فکر مرد خانه متعلق به مراجعان و مأمومان و مردم است. آن بخش باقیمانده‌ی زمان و دغدغه و احساس وی هم طبعاً باید میان خود و همسرش تقسیم گردد. در غیر این صورت به رغم داشتن ارتباطات اجتماعی فوق العاده‌ی شخص امام‌جماعت وی در ارتباط با همسر دچار مشکل خواهد شد. بنابراین برای داشتن ارتباط مؤثر، طرفین باید از دیوار خودخواهی بگذرند.

عصبی شدن

«عصبانی بودن یکی از طرفین»، مانع دیگری برای برقراری ارتباط مؤثر است. مسلماً خشم و عصبانیت مانعی بر سر راه ارتباط است. وقتی کسی عصبانی‌ست، برقراری ارتباط با او اگر غیرممکن نباشد بسیار دشوار است. اگر در رابطه با همسرتان یک‌دفعه دچار خشم شدید یا احساس کردید که او از کوره در رفته است، وقتی آرام شدید عذرخواهی کنید و دوباره درباره‌ی مشکل مورد بحث با همسرتان صحبت کنید.

خشم همیشه آدم‌ها را از هم جدا می‌کند، اما مهار خشم می‌تواند شما را به هم نزدیک کند.

در شماره‌ی بعد درباره‌ی مهارت ارتباط مؤثر در ارتباط با فرزندان صحبت خواهیم کرد، اما عجالتاً در این بخش باید اضافه کرد که:

همسر یک امام‌جماعت برای داشتن یک ارتباط متوازن با وی می‌بایست توانمندی‌های ذیر را داشته باشد:

۱-اعتمادبه نفس مناسب برای ایجاد فرصت گفت وگوی دونفره

۲-قدرت بیان مکفی برای ارائه‌ی خواست‌ها و انتظارات

۳-شخصیتی محکم و مهرورز برای دریافت زمان گفت وگوی دونفره

۴-آرامش برای پذیرش محدودیت‌های همسری که امام‌جماعت است.

کسب این مهارت‌ها نیازمند تلاش گسترده، صبوری و آرامش است. و همه‌ی سختی‌هایش حتماً به داشتن ارتباط مؤثر می‌ارزد.

من مدیر روابط عمومی دفتر حاج آقا هستم

تقریباً تمام محل ایشان را می‌شناسند، آن‌هم با صفتِ خیّری و کارراه‌اندازی. فرقی نمی‌کند که چه ساعتی و برای چه کاری و از چه طریقی به ایشان مراجعه می‌شود، ایشان با هماهنگی با همسر خود که امام جماعت مسجد است، امورات مردم یک محل را تا جایی که امکان دارد روی غلتک می‌اندازند.

با پرسوجو خدمت ایشان رسیدم و در همان ورودی خانه از ایشان درخواست مصاحبه کردم. ایشان بر حسب فروتنی، عذر خواستند و حتی با اصرار هم راضی به انجام این مصاحبه نشدند. در نهایت حاج آقا وساطت کردند. ایشان تصادفاً از این موضوع مطلع شدند، پرسوجو کردند، و من برای ایشان موضوع را توضیح دادم. در نهایت حاج آقا به همسرش پیشنهاد انجام یک مصاحبه‌ی بدون ذکر نام‌شان را دادند که به قول خودشان کار هر دوی ما راه بیفتد. و خانم هم روی پیشنهاد حاج آقا صحبتی نکردند و قرار مصاحبه برای روز شنبه، ساعت چهار عصر گذاشته شد.

آنچه در ادامه خواهید خواند مصاحبه با همسر یکی از ائمه‌ی جماعات استان تهران است که به مدیریت همزمان منزل و محله‌شان معروف هستند. با ایشان درباره‌ی مدیریت ارتباطات یک امام جماعت با مردم و مشکلات محله صحبت کردیم.

خانم شامخ، برای ما بگویید که شما چه سالی با حاج آقا ازدواج کردید و در هنگام ازدواج چندساله بودید؟

بسم الله الرحمن الرحیم، سلام و خیر مقدم عرض می‌کنم خدمت شما و خوشحالم که در خدمت مخاطبان شما، یعنی همسران ائمه‌ی جماعات استان تهران هستم، بنده سال ۱۳۶۰ با حاج‌آقا ازدواج کردم و حالا چهل سال است که با هم زندگی می‌کنیم. بنده در هنگام ازدواج ۱۸ سال داشتم.

خب، از ویژگی‌های زندگی با یک امام جماعت بگویید؟ آیا حاج آقا از همان ابتدا امام جماعت مسجد بودند؟

بله، ایشان تقریباً در تمام طول سال‌های زندگی‌مان امام جماعت بودند، در کنار کارهای اداری‌ای که داشتند و تقریباً بیشتر اوقات ما با ایشان در مسجد گذشته است.

شما خودتان استاد دانشگاه

هســـتید و دارای شخصیت اجتماعی مســـتقلید، آیا این اســـتقلال منجر بـــه تداخل برنامه‌های شما با حاج آقا نمی‌شد؟

بنده این استقلال شخصیتی را از خود حاج‌آقا دارم، ایشان در ابتدای ازدواج‌مان همواره تأکید داشـــت که برای خدمت بزرگ کردن باید تحصیلات و مهارت‌های مورد نیاز را داشـــت و بنده را برای تحصیل در دانشـــگاه ترغیب کردند. حتی در دوران تحصیلم، برخی وظائف بنده را در منزل بر عهده گرفتند، البته بنده هم کـــه چنین رویکرد سازندهای را از ایشـــان می‌دیدم با تلاش بســـیار، فعالیت‌های حاج آقا را تســـهیل می‌کردم. به عنوان مثال بخشی از کار ایشان را به عهده می‌گرفتم و به قول معروف به دنبال هم‌افزایی بودم. مســـیری که ما در این سال‌ها طی کرده‌ایم عموماً به صورت حرکت یکی و پوشـــش از دیگری بوده اســـت، یعنی اگر من در منزل نبودم، حـــاج آقا هم مادر و هم پدر بودند و در نبود ایشـــان من علاوه بر پدری و مادری حتی به امـــورات محله هم رســـیدگی می‌کردم. برای مثال در سال‌های جنگ، که حاج آقا جبهه بودند، من مدیریت بسته‌های ارزاق عمومی را در محله بر عهده داشـــتم و این بسته‌ها را به دست نیازمندان می‌رســـاندم. حتی اگر فردی نیازمند سفارش حاج آقا برای انجام کاری بود بـــا اجازه‌ی ایشـــان قدم‌هایی برمی‌داشـــتم که جالب‌ترین آن‌ها حضور در خواســـتگاری‌ها بود، یا درخواســـت مهلت برای پرداخت بدهی از طلبـــکاران و غیره. البته گفتم همه‌ی اینها بـــا هماهنگی حاج آقا بود.

این هماهنگی‌ها چطور ایجاد می‌شد؟

صادقانـــه بخواهم بگویـــم به نگاه حاج‌آقا به زن بازمی‌گشت، ایشان بنـــده را صاحب تدبیـــر و کفایت لازم و کافی می‌دانستند و به بنده اعتمادبه نفس کافی می‌دادند. من همیشه با این نگاه حاج آقا احساس می‌کردم قادر به انجام بزرگ‌ترین و دشوارترین امور هستم.

عامل دیگـــر، اهتمام ایشـــان به صحبت کردن بود. مـــن در تمام این سال‌ها هیچ‌وقت برای صحبت کردن با ایشـــان معطل نشـــدم و همیشه اولویت اولم ایشان بودند. حتی ایشان با من شوخی می‌کردند که فلانی شما چنان به موقع سراغ بنده می‌آیی که من چاره‌ای جز بله گفتن به شما را ندارم.

و عامل بعدی لطـــف خداوند بود، خداوند برای انجام امورات مؤمنانش تمامی سنگ‌ها را از مسیر انجام امور خیر برمـــی‌دارد. خداوند به دعای دیگران در بسیاری از اوقات آنچه در دل ما برای حل مشکلات می‌انداخت، یکی بود، یعنی تصمیماتی بود که هر دو متفق‌القـــول آنها را اتحاذ می‌کردیم، ما در واقع با عنایت خداوند و اهلبیت : یک روح در دو جسم بودیم.

آیا مدیریت ارتباطات حاج آقا با خودشان است؟

نه، امروز من مدیر روابط عمومی دفتر حاج آقا هستم (با خنده). در ابتدای زندگی مشترک بله، ایشان مهمان می‌پذیرفتند و حتی سفر می‌رفتند و مدیریت ارتباطاتشان با خودشان بود، اما به مرور با بنده هم این ارتباطات را هماهنگ می‌کردند تا زندگی شخصی ما و البته روحیه‌ی سه فرزندمان آسیب نبیند.

از فرایند این مدیریت برای ما بگویید، چرا که به نظر کار دشواری می‌رسد و امنیت و آرامش خانه در معرض خطر است.

اگر امام جماعت با همسرش هماهنگ باشد این ارتباطات و مراجعات عمومی خیر است، اما اگر این تعامل میان زن و شوهر نباشد مسئله پیچیده می‌شود. اگر امام جماعت از مخاطراتی که مراجعه‌ی بیگاه مردم برای خانواده‌اش ممکن است ایجاد کند، باخبر باشد، اصلاً اجازه‌ی اینکه برای مثال نیمه‌شب زنگ خانه‌اش بخورد را نمی‌دهد. نوع نگاه حاج‌آقا به خانه به نحوی بود که افراد اصلاً اجازه‌ی مراجعه برای امورات بیهوده و الکی را به خود نمی‌دادند. ایشان معمولاً یک ساعت بعد از نماز در مسجد می‌ماند و در بازگشت ایشان به خانه و مواقعی که در منزل بودیم، ما در امنیت روانی بودیم.

یا مثلاً سال‌هاست تلفن دفتری و تلفن همراه عمومی ایشان سیستم پاسخ‌گوی خودکار دارد و حاج آقا در ساعاتی که در مسجد هستند به پیغام‌ها گوش می‌دهند.

درباره‌ی ارتباط حاج آقا با فرزندانتان بفرمایید که نقش شما چه بوده است؟ آیا از این بخش ارتباطات حاج آقا شما راضی هستید؟

بنده در ارتباط حاج‌آقا با دختر و پسر و داماد و عروس‌ها هیچ‌وقت دخالت نکرده‌ام. فرزندان ما پدر برایشان حاج‌آقای مسجد نبود و بابای در دسترس و مهربان و صمیمی خانه بوده است. به طور کلی فشار از جانب جامعه بر روی فرزندان روحانیون زیاد است، و در بسیاری از اوقات این فشار اخلاقی هم نیست، اما صمیمیت حاج‌آقا و اعتمادشان به فرزندانشان اجازه نمی‌داد آن فشارها خانه‌ی ما را دچار تنش کند. در بعضی مواقع از فرزندان حاج آقا مسائلی به گوش ایشان می‌رسید که به شدت خشمگین‌شان می‌کرد، اما همان راه ارتباط صمیمانه و صادقانه‌ی ایشان با فرزندان اجازه‌ی فتنه اندوزی در خانه‌مان را نمی‌داد.

در مجموع اجازه‌ی گفت‌وگو بسیاری از مسائل هر خانه‌ای را حل می‌کند و ما هم از این مسئله مستثنی نبودیم و نیستیم.

سخن پایانی‌ای اگر دارید بفرمایید.

همسر امام جماعت به خصوص در فضای فعلی وظیفه‌ی بسیار دشواری دارد، چرا که مسائل اجتماعی با سال‌های قبل متفاوت شده‌اند، فشارها زیاد شده است و ائمه‌ی جماعات در فشار روحی و روانی بسیاری هستند. همسر چنین فردی باید از خانه‌ی خود در برابر این فشارها با دو ابزار محافظت کند:

یک، درک همسری که شغلش به جهاد نزدیک است و دو، ایجاد فرصت گفت‌وگو در زمان مقتضی. مرد با گفت‌وگوی به‌موقع با همسرش آرام میشود و زن هم فرصت دریافت انرژی از همسر را می‌یابد. از آن‌سو همسر خود را هم بهتر درک می‌کند، بدون این درک خانه و خانواده همواره در معرض خطر است.

شله‌زرد، برای پانزده نفر

پخت شله زرد از آن مهارت هایی است که هر خانم ایرانی و هر همسر امام جماعت طبیعتاً دوست دارد آن را یاد بگیرد و یا حتی اگر شیوه‌ی پخت آن را هم بلد است، باز هم دوست دارد صحیح ترین شیوه‌ی پخت آن را بداند. به خصوص در این روزهای محرم که پختن شله زرد فراتر از یک آشپزی ساده است، در واقع قسمتی از فرهنگ عاشورایی ما است، که خاطرات بسیاری هم با پختن آن از گذشتگان و مادربزرگ‌ها و مادران‌مان برای‌مان زنده می‌شوند.

شله زرد نذری یکی از دسرهای شیرین و خوشمزه ی سفره های ایرانی‌ست، که غیر از اینکه به عنوان دسر در وعده‌های غذایی روزانه مان استفاده می‌شود، در ماه محرم به عنوان نذری و هم‌چنین در ماه رمضان برای صرف افطار هم کاربرد دارد.

جالب است بدانید شله زرد که برای ما عجین شده است با ماه محرم و ماه رمضان، در واقع یک غذای چینی است.

از مهم‌ترین مواد تشکیل دهنده‌ی شله زرد نذری می توان به برنج، شکر، زعفران، هل و گلاب اشاره کرد، و در تزیین آن نیز می توان از دارچین، مغز پسته و بادام استفاده کرد. جالب است بدانید که استفاده از شله زرد تنها به مناسبت‌های ذکرشده ختم نمی‌شود، بلکه این دسر خوشمزه را می توان در هر زمان درست کرد. بنابراین در این بخش از نشریه‌ی محراب قصد داریم به شیوه ی پخت شله زرد و مهم‌ترین شیوه‌های لذیذ کردن آن بپردازیم.

پیشاپیش نذرتان قبول حق.

طرز تهیه‌ی شله‌زرد نذری

خُب! مراحل پخت شله زرد را باید از روز قبل آغاز کنید. در ابتدا برنجی را که در نظر گرفته‌اید ۲ الی ۳ بار با آب سرد بشویید و آن را به مدت ۲۴ ساعت در آب خیس کنید. در صورتی که زمان مناسب برای این کار را نداشتید، برنج را از ۶ ساعت قبل در آب بخیسانید. اگر برنج شما نیم‌دانه است، ۳ تا ۴ ساعت برای خیساندن برنج کافیست.

هل‌ها را در لیوانی از گلاب قرار دهید و کناری بگذارید. برنج خیسانده شده را در دیگ یا قابلمه‌ی بدون در روی حرارت زیاد قرار دهید، تا زمانی که آب برنج به جوش بیاید. توجه کنید که قبل از اضافه کردن سایر مواد اولیه، برنج به آرامی باید بپزد تا زمانی که کاملاً چسبناک شود. به طور کلی برنج باید بافتی لطیف



و صاف، بدون اثـــری از وجود برنجِ زنده داشته باشد. حتماً می‌دانید که در این مرحله از هم زدن برنج باید خودداری کنید، اگر نمی‌دانید حتماً این کار را بکنید.

آب برنج کاملا خشک شده است؟ خب بعد از خشک شدن آب برنج، زعفران را در ســـه مرحله به ظرف اضافه کنید و هم بزنید. توجه داشته باشید که در این مرحله از ترس ته گرفتن شـــله زرد، آب به آن اضافه نکنید. چرا که در مرحله‌ی بعدی، شکر اضافه می‌شـــود و موجب آب انداختن برنج می‌شود.

حالا نوبت شکر است، یادتان باشد که شـــکر دومین ماده‌ای است که به این نذری اضافه می‌شـــود. بعد از چند قل جوشـــیدن، هل یا عرق هل همراه با گلاب را در چند مرحله اضافه می‌کنیم. در مرحله‌ی بعدی پـــودر ژلاتین را اضافـــه کنید و به خوبی در مواد مخلـــوط کنید. برای اطمینان از حل شدن آن در مواد، می‌توانید پـــودر ژلاتین را به روش بنماری در آب حل کرده، ســـپس به دســـر اضافه کنیـــد. در صورت تمایل، خلال‌های بادام را در گلاب خیسانده، سپس حدود ۲۰ دقیقه قبل از تمام شدن مراحل پخت به شله زرد اضافه کنید.

حالا به مرحلـــه‌ی مخلوط کردن رسیده‌ایم که خیلی هم مهم است. باید ترکیب به دست آمده را مخلوط کنید تا مواد به خوبی به خورد هم برونـــد. این ترکیـــب را به مدت ۱ ســـاعت با قرار دادن دمکنی روی قابلمه یا دیگ، روی حرارت ملایم قرار دهید. حالت قالبی این دسر به دلیل وجود پودر ژلاتین است که اگر علاقه‌ای به آن ندارید، کافیست آن را از لیســـت مواد اولیه‌ی خود حذف کنید.

از آنجایی که شـــله زرد حالت‌پذیر است، می‌توانید آن را در قالب‌های کوچک ریخته و حدود ۶ تا ۷ ساعت در یخچال نگه دارید تا کاملاً فرم بگیرد، سپس با خلال پسته، بادام یا دارچین تزیین کنید.

■ نکات کلیـــدی و مهم در تهیه‌ی شله زرد نذری:

در این بخش قصـــد داریم به فوت وفن‌هایـــی که در پخت شـــله‌زرد نذری مهم است، بپردازیم، پس با ما همراه باشید.

مواد اولیه	برای ۲۰ نفر	برای ۱۵۰ نفر
برنج نیمدانه	۲.۵ پیمانه	۳.۵ کیلوگرم
شکر	۵ پیمانه	۷ کیلوگرم
آب	۱۵ پیمانه	۷۵ پیمانه
کره	۱۰۰ گرم	۳۵۰ گرم
گلاب	۱.۵ پیمانه	۲.۵ پیمانه
هل	به میزان لازم	به میزان لازم
پودر ژلاتین	۲.۵ قاشق غذاخوری	۱۳ قاشق غذاخوری
زعفران	به میزان لازم	۲ مثقال
خلال بادام	۲۵۰ گرم	۱ کیلوگرم

ـ اضافه کردن کره به برنج مانع از ترک خوردن شلهزرد بعد از پخت می‌شود.
ـ سعی کنید برای تهیه‌ی شله‌زرد از برنج معطر استفاده کنید.
ـ هرچه میزان زعفران بیشتر باشد، طعم و عطر شله‌زرد بهتر می‌شود.
ـ اگر زمان مناسب برای تهیه‌ی زعفران رقیق شده ندارید، چند تکه یخ را در ظرف زعفران قرار دهید تا به رنگ و عطر مطلوب‌تری برسید.
ـ پس از سرو شله زرد، از تکان دادن ظرف‌ها خودداری کنید، چون این کار موجب آب انداختن شله زرد شما می‌شود.
ـ هنگام برگرداندن شله‌زرد قالبی، ابتدا با لبه‌ی تیز چاقو شله‌زرد را از لبه‌ی ظرف جدا کنید.
ـ برای جلوگیری از ته گرفتن شله‌زرد، هم زدن در همه‌ی مراحل پخت را فراموش نکنید.
ـ در صورت تمایل برای جلوگیری از تغییر رنگ شله‌زرد از عرق هل به‌جای دانه‌ی هل استفاده کنید.
ـ به طور کلی هنگام تهیه‌ی شله‌زرد، برنج نیم‌دانه را به هر اندازه‌ای که انتخاب می‌کنید، به اندازه‌ی دو برابر آن شکر و ۱۲ برابر آن آب تهیه کنید.
ـ زمان پخت و آماده شدن شله‌زرد نذری در حدود ۳ ساعت است.
ـ برای تزیین این دسر از خلال بادام، خلال پسته و پودر دارچین استفاده کنید.
ـ به یاد داشته باشید، هیچ‌گاه شله زرد را بیش از دو روز در یخچال نگهداری نکنید. بیش از اندازه ماندن این دسر لذیذ در یخچال موجب جذب تمام بوهای موجود در فضای داخلی یخچال می‌شود.
ـ بعضی از افراد شله‌زرد را گرم میل می‌کنند و بعضی‌ها دوست دارند وقتی که سرد می‌شود سرو کنند.

■ تزیین شله زرد نذری:

پس از اینکه با طرز تهیه و فوت وفن‌های پخت شله زرد نذری آشنا شدیم، در این بخش می‌خواهیم به بخش آخر، یعنی تزیین شله زرد، بپردازیم:

دارچین، پرکاربردترین ماده‌ی تزیینی شله‌زرد نذری است. معمولاً از شابلون‌های آماده با طرح نام ائمه‌ی اطهار که قابل تهیه از لوازم قنادی است برای این منظور استفاده می‌شود.

خلال پسته، بادام و گل سرخ در رده‌ی دوم مواد تزیینی شله‌زرد قرار می‌گیرند. تصاویر زیر خود گویای روش‌های مختلفی است که می‌توان با استفاده از این مواد شله‌زرد را تزیین کرد.

ظرف شله‌زرد، خود یکی دیگر از راه‌های مفید برای تزیین شله‌زرد نذری است. در حال حاضر ظرف‌های یک‌بارمصرف موجود در بازار تنوع بسیار بالایی دارند، بر همین اساس می‌توانید شله زرد خود را در ظرف‌هایی با طرح‌های مختلف بریزید.